

ژوندون

مجله هنری - شنبه ۲۳ سنبله
۱۳۵۳ - شماره ۲۵-۲۶

Ketabton.com

رئیس دولت و صدر اعظم



بنایلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم موقعیکه وزیر امور خارجه ایران را شام روز ۸ سنبله پذیرفتند و طعام شپرا با وی صرف کردند

رئیس دولت و صدر اعظم توجه جامعه بین المللی را به وضع المناک مردم بلوچ جلب کرده اند

بنایلی محمد داود از سران کشور ها و موسسات اسلامی خواهش کرده اند که قبل از خراب شدن مزید او ضاع اقدامی مناسب و موثر برای منصرف ساختن حکومت پاکستان از تعقیب سیاست ختن آن علیه برادران بلوچ ما و برهم خوردن صلح و امنیت در این منطقه بعمل آورند.

مدیریت اطلاعات وزارت خارجه افزو ده بنایلی محمد داود پیام مشابهی عنوانی دو کتور کورت والدهایم متشی عهومی ملل متحد به نیویارک فرستاده و از وی خواهش کرده است پیام شانرا بعیت سند رسمی ملل متحد نشرو توزیع نماید.

بنایلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم طی پیامی که عنوانی سران کشور های اسلامی متشی عهومی کنفرانس اسلامی، موتمر عالم اسلام و رابطه عالم اسلامی فرستاده اند به جلب توجه ایشان به اوضاع قابل اندیشه بلوچستان و سیاست بیر همانه کشتار و امحاء دسته جمعی پاکستان در آن منطقه و مخصوصا التیماتوم اخیر ذو الفقار علی بوتو که امر ازادیخواهان تا ۱۵ اکتوبر به حکومت تسلیم نشوند بمباردمان عهومی و وسیع دهات و خانه هایشان شروع خواهد شد توجه خاص جا معه بین المللی را به جنبه بشری وضع المناک مردم بلوچ جلب نموده اند.

بنایلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم شب ۹ سنبله طعام شپرا با بنایلی عباس علی خلعتبری وزیر خارجه ایران در قصر ریاست جمهوری صرف نمودند این موضوع را ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد .
در این دعوت بعضی اعضای کابینه شاور ذافیر سفارت کبرای ایران در کابل وعده از همراهان وزیر خارجه ایران اشتراک داشتند .
قرار یک خبر دیگر:
بقعه در صفحه ۵۵

تجلیل روز تأسیس شورای ملی



اعلیحضرت شهید محمد نادر شاه غازی

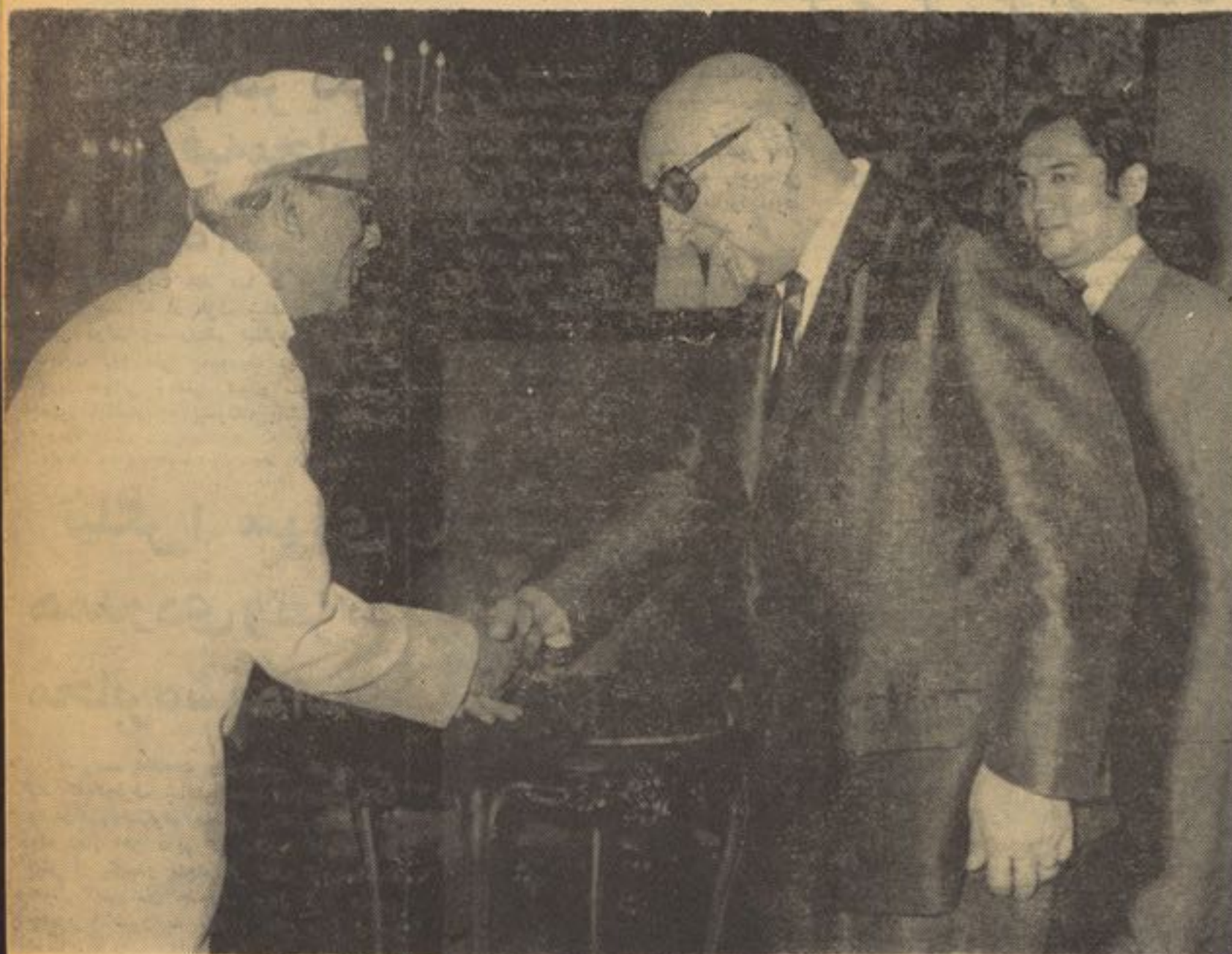
روز دوشنبه ۱۸ سنبله مصادف یاروز تأسیس شورای ملی بود و در سراسر کشور تعطیل عهومی بود .
روزنامه های کشور فوتوی موسس صفحه ۲

رئیس دولت و صدر اعظم دکتور التهامی را پذیرفتند

درین موقع بنایلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه نیز حاضر بود .
قرار یک خبر دیگر
دکتور حسن التهامی سکرتر جنرال کنفرانس کشور های اسلامی که روز ۱۵ سنبله بکابل آمده بود روز ۱۶ سنبله از کابل عزیمت کرد .

بنایلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم ساعت نه و نیم قبل از ظهر روز ۱۶ سنبله دکتور حسن التهامی سکرتر جنرال کنفرانس کشور های اسلامی را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند .
ریاست دفتر دولت جمهوری اطلاع داده

رئیس دولت و صدر اعظم وزیر تجارت خارجی بنگله دیش را پذیرفتند



رهبر ملی مائناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم ساعت ۱۱ قبل از ظهر روز ۱۰ سنبله مائناغلی خنده کار مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی جمهوری بنگله دیش را برای ملاقات در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

ریاست دفتر دولت جمهوری اسلام آباد که هنگام این ملاقات مائناغلی محمد خان جلال وزیر تجارت، مائناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و مائناغلی محمد اکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری نیز حاضر بودند.

مائناغلی مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگله دیش صبح روز ۱۰ سنبله با دوکتور نعمت الله پز واک وزیر معارف ملاقات تعارفی نمود.

همچنان موصوف باپوهاند عبدالقیوم وزیر معادن و صنایع ساعت دو نیم بعد از ظهر ملاقات نموده و روی موضوعات طرف علاقه مذاکره کرد.

هنگام این ملاقات ها ذوات معینی مائناغلی مشتاق احمد و شارژدایر سفارت کبرای بنگله دیش در کابل نیز حاضر بودند.

قرار یک خبر دیگر وزیر تجارت و تجارت خارجی بنگله دیش شب ۱۰ سنبله دعوتی در هتل کابل ترتیب داده بود که در آن ذکور عبدالمجید وزیر عدلیه پوهاند عبدالقیوم وزیر معادن و صنایع، مائناغلی محمد خان جلال وزیر تجارت، مائناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و عده از مامورین عالی رتبه وزارت های خارجه، معادن و صنایع و تجارت اشتراک ورزیده بودند.

طبق یک خبر دیگر مائناغلی مشتاق احمد روز ۱۰ سنبله با مائناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و مائناغلی سلطان محمود غازی رئیس عمومی هوایی ملکی و تو ریزم نیز ملاقات تعارفی نمود.

زعیم ملی ما مائناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم هنگامی که مائناغلی مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگله دیش را برای ملاقات در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند

باقر ائت پیامر رئیس دولت و صدر اعظم روز مطبوعات و روز جهانی سواد تجلیل گردید



نو یسند شپیر و نخستین خدمتگار وطن محمود طرزی

عناصر اساسی نظام زندگی ملی ما همانا چگونگی سطح حیات کتله های مختلف مردم ماست که باید ضرور و متدرجا به پیسود و انکشاف پذیرد.

در زمره عوامل متشکله سطح حیات مردم همانا سواد و مطبوعات واقع دو جزو مؤثر است که بدل مساعی بی گیر و دامنه داری را التزام میکند و باز خود این دو عامل نیز در عین حال لازم و ملزوم یکدیگرند تصمیم سواد شرط ضروری انکشاف مطبوعات است و از انکشاف سطح حیات مردم ضمانت میکند.

دولت جمهوری بر آنست که هماهنگ و همردیف سایر مساعی که تاکنون در جهت انکشاف سطح حیات مردم بعمل آمده و یا در آینده رویدست گرفته میشود علیه پیسود نیز در وجهیه مبارزه بعمل آید. باین معنی که از یک طرف تعداد مشمولین مکاتب ابتدائیه و دهاتی چندانکه مقدور است افزایش پذیرد و از سوی هم در جهت تعلیم سواد بین کتله بقیه در صفا ۶۱

روز ۱۷ سنبله مصادف با روز مطبوعات و سواد بوده و در سراسر افغانستان از این روز تجلیل بعمل آمد.

رهبر ملی ما مائناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم باین مناسبت پیامی صادر فرموده اند که توسط دوکتور نعمت الله پز واک وزیر معارف قرائت گردید.

متن پیام مائناغلی رئیس دولت و صدر اعظم: هموطنان عزیز:

مسرت دارم روز مطبوعات و روز سواد را موقعی تجلیل مینمایم که هنوز خوشی های استقبال نخستین سالگرد تاسیس نظام جمهوری افغانستان را در قلوب خود احساس میکنیم. ملتیکه سالروز تاسیس نظام مردمی خود را بان عشق و حرارت بر گزار و استقبال نمود امیدوارم در پر تو اعتماد به نفس و به نیروی تصمیم و همتوایی و شکیبایی بتواند رنج فقر، مرض و بیکاری را هم مرحله به مرحله از اجتماع خود دور افکند. یکی از

تلگرامهای تبریکیه مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف مائناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه به مناسبت روز ملی

برازیل عنوانی مائناغلی رنستوجیزل رئیس دولت آن کشور به برازیلیا مخابره گردیده است. مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که به مناسبت روز ملی مالیزیا از طرف مائناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه عنوانی مائناغلی توانکو عبدالحکیم معظم شاه رئیس دولت مالیزیا به کوالا لپور مخابره شده است.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف مائناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه به مناسبت روز آزادی کشور قطر عنوانی والا حضرت خلیفه بن حماد الثانی به الدوه مخابره گردیده است.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف مائناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدر اعظم تلگرام تبریکیه به مناسبت روز ملی جمهوریست مردم بلغاریه عنوانی مائناغلی تیودورکوف رئیس شورای دولتی آن کشور به سوفیه مخابره گردیده است.

روز ملی پشتو نستان در مرکز و ولایات کشور برگزار شد

«بلسمارته» توسط پناغلی کرزی مدیر تبلیغات وزارت امور سرحدات قرائت گردید. سپس پناغلی سرشار روشنی معاون مسؤل روزنامه جمهوریت شعر دری که پیرامون روز پشتو نستان سروده است قرائت کرد که با کف زدنهای حضار بدرقه گردید.

بعداً ترانه ثبت شده خان عبدالغنی خان بنام «ای زماوونه» به همکاری رادیو افغانستان شونده شد و شاعران لیسنه های رحمن بابا و بقیه در صفحه ۵۵

کمیته مرکزی، هیات گایینه لوی درستیزوالی کابل مامورین عالیرتبه عسکری و ملکی پناغلی اجمل ختک، پناغلی خان محمد ایوب خان اجکزی و عده دیگر از مشران و پشتونستانی های مقیم کابل متعلمین لیسنه های خوشحالخان و رحمن بابا و جمعیت کثیری از شهریان کابل حضه و داشتند. خبرنگار باختر مینویسد پس از آنکه بیرق ملی پشتونستان در بین ابراز احساسات و کف زدنهای ممتد حضار در اهتزاز آمد پارچه شعر پشتو از پناغلی اجمل ختک تحت عنوان

روز ملی پشتونستان روز ۹ سنبله در کابل و مراکز ولایات کشور طی مراسم شاندار ساعت هشت صبح روز ۹ سنبله با قرائت آیاتی چند از قرآن عظیم الشان آغاز گردیده و متعاقباً دکتور غلام سخی نوزاد بناروال کابل بیانیه راجع به این روز تاریخی برادران پشتونستانی ما ایرا نموده و بیرق ملی پشتونستان برافراشته شد.

در این مراسم که در پشتونستان میدان برگزار گردید پناغلی محمد نعیم دکتور محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی، اعضای

تیلگرام تبریکیه به صوفیه مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه گفت که از طرف پناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام تبریکیه به مناسبت روز ملی جمهوریت دیمو گراتیک کوریا عنوانی پناغلی کیمال سونگ رئیس جمهور آنکشور به پیونگ یانگ مخابره گردیده است.

تیلگرام ۱ مه های همدردی و تعزیت مخابره شده است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف پناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام همدردی و تعزیت به مناسبت انحراف یک قطار آهن دریو گو سلاویا که در اثران بیش از یکصد و پنجاه نفر تلف گردیده است عنوانی سارشان جوزف بروز تیتو رئیس جمهور آنکشور به بلگراد مخابره گردیده است.

همچنان از طرف پناغلی رئیس دولت و صدراعظم تیلگرام تعزیت به مناسبت وفات پناغلی نارمن کرک صدراعظم زیلانده جدید عنوانی پناغلی سردینس بلندل گورنر جنرال آنکشور به ویلنگتن مخابره شده است.



دکتور غلام سخی نوزاد بناروال کابل حیثیکه به مناسبت روز ملی پشتو نستان بیانیه خود را در پشتو نستان وات ایراد مینماید در عکس پناغلی محمد نعیم و دکتور محمد حسن شرق معاون صدارت عظمی، بعضی از اعضای گایینه و پناغلی اجمل ختک دیده میشوند.

عربستان سعودی ده میلیون دالر کمک بلاعوض و ۵۵ ملیون دالر قرضه بدون ربح به افغانستان میدهد

پروژه های اقتصادی استفاده بعمل خواهد آمد.

پراخت اسط این قرضه در سال سوم بهره بر داری پروژه ها شروع میشود.

وی در اخیر گفت بانک اسلامی بکشورهای اسلامی قرضه میدهد و بانک عربستان سعودی کشور های روبه انکشاف را مساعد مینماید.

اسلامی و بانک عربستان سعودی قرضه های مزیدی برای ساختمان پروژه ها بدست آورد. وی افزود از پنجاه و پنج ملیون دالری که حکومت عربستان سعودی قرضه بدون ربح میدهد شرایط آن مساعد بوده و در تکمیل

سعودی به دولت جمهوری افغانستان کمک بلا عوض میدهد در تکمیل مطالعات تکنیکی پروژه های اقتصادی استفاده خواهد شد. وی علاوه کرد مطالعات پروژها زمينه آنرا میسر خواهد ساخت تا افغانستان از بانک

عربستان سعودی ده ملیون دالر کمک ربح با افغانستان میدهد.

پروژه کول این کمکها بتاريخ سیزدهم سنبله بین پناغلی علی احمد خرم و وزیر پلان و پناغلی هشام ناظر وزیر دولت و رئیس اداره مرکزی پلان گذاری عربستان سعودی در ریاض با امضاء رسیده است.

پناغلی خرم وزیر پلان که در اس یک هیات چندی قبل بدعوت کشور های عراق و عربستان سعودی به بغداد ریاض رفته بود روز ۱۸ سنبله بکابل مراجعت کرد.

وزیر پلان از پذیرایی و مهمان نوازی گرم حکومت عراق و عربستان سعودی ابراز تشکر و قدر دانی نمود.

وی به خبرنگار باختر گفت از ده ملیون دالریکه کشور برادر و دوست عربستان

قرار داد قرضه و مساعدت بلاعوض عراق به افغانستان

به امضای رسید

افغانستان قرضه میدهد. همچنان مطابق باین قرار داد حکومت عراق مبلغ دو ملیون دالر به حکومت افغانستان مساعدت بلاعوض مینماید.

هنگام امضاء قرار داد استاد خلیل الله خلیلی سفیر کبیر افغانی در بغداد و بعضی از مامورین عالیرتبه عراق حاضر بودند.

نتیجه مذاکراتی که پناغلی علی احمد خرم وزیر پلان با وزیر پلان و سایر مقامات عالیرتبه عراقی بعمل آورده روز ۱۲ سنبله قرار داد بین وزرای پلان افغانستان و عراق با امضاء رسید که مطابق بان حکومت عراق ده ملیون دالر رابه شرایط بسیار مساعد به حکومت

پناغلی علی احمد خرم وزیر پلان روز ۱۲ سنبله قرار داد مربوط به قرضه و مساعدت بلاعوض عراق رابه افغانستان امضاء کردند. طوریکه از بغداد اطلاع رسیده است در

روز طفل تجلیل گردید



منظره از تجلیل روز بین‌المللی طفل در تالار موسسه صحت‌عامه

استعداد های او از طرف نویسندگان و شعرا مطالبی ایراد گردیده و در ختم محافل به اطفالیکه از پرورش سالم بهر مند بودند تحایفی اهدا گردید در این محافل والیان مامورین و اهالی اشتراک داشتند.

روزنامه های مرکز و ولایات هم طی مقالات عکسها و اشعار در باره اطفال از این روز تجلیل نمودند همچنان رادیو افغانستان به مناسبت روز طفل پروگرام خاصی ترتیب داده بود.

نیز حاضر بود عده ای از اطفال و وکوتنپارامورد نوازش قراردادده تحایفی را که از طرف ریاست روزتون تهیه شده بود به آنها اهدا کرد.

خبرنگار با خسر آژانس از ولایات اطلاع میدهند که روز طفل طی محافل در مراکز بعضی ولایات کشور تجلیل گردید.

در محافل ولایات پس از آنکه سرود ملی نواخته شد راجع به طفل تریه و صورت انکشاف

دوایر و عده از اعضای کوردیپلوماتیک مقیم کابل و عده زیادی از همسریان اشترالانموده بودند.

پس از آنکه اطفال و وکوتنپا در این محفل سمبول طفل را برافراشتند به اجرای آتن ملی و دیگر نمایشات پرداخته و از این روز تجلیل بعمل آمد.

در ختم محفل محترمه خانم رئیس دولت و صدراعظم در حالیکه پوهاند نظر محمد سکندر وزیر صحت

پس از تلاوت چند آیه از قرآن کریم و نواختن سرود ملی مراسم روز طفل ساعت ۶ صبح روز ۸ سنبله در ادیتوریم موسسه صحت‌عامه برگزار شد.

در این محفل که تا ساعت دوازده و نیم ادامه داشت میرمن زینب داؤد خانم رئیس دولت و صدراعظم و دکتور محمد حسن شرق معاون مصادرت بعضی از اعضای کابینه، والی کابل روسای

ملاقات با وزیر اطلاعات و کلتور

یک فابریکه جدید نختابی به مصرف ۲۵ میلیون افغانی افتتاح گردید

فابریکه نساجی که در کشور بشکل خصوصي سرمایه گذاری واحداث شده است فابریکه نختابی نیز در تقویه نساجی و مخصوصا در حیات انکشاف اقتصادی کشور نقش مهم دارد.

بنیالغی سید مرتضی رئیس فابریکه گفت فابریکه نختابی که از دولت دوست اتحاد جماهیر شوروی به عیض پنج سال خریداری شده است تولیدات آن در بیست و چار ساعت دونیم تن نخ بوده و سه صد نفر کارگرو مامور در سه شفت در این فابریکه مشغول کار میباشد.

یک فابریکه جدید نختابی به مصرف چهل و پنج میلیون افغانی در جوار فابریکه نساجی سید مرتضی ساعت پنج روز ۱۶ سنبله افتتاح گردید.

در مراسم افتتاح این فابریکه پوهاند دکتور نظر محمد سکندر و زیر صحت، عده ای از مامورین عالی رتبه وزارت ها و موسسات صنعتی و مستشار اقتصادی سفارت کبرای اتحاد شوروی حاضر بودند.

بنیالغی محمد یونس رفیق رئیس تشویق و انکشاف سرمایه گذاری وزارت پلان ضمن تشریح فعالیت های سرمایه گذاری خصوصی در کشور گفت که در پهلوی بیست

و کلتور ملاقات تودیمی نمود.

همچنان ساعت ده قبل از ظهر بنیالغی مک نیکل آمر جدید انستیتوت برتالیا با وزیر اطلاعات ملاقات تعارفی کرد.

قرار یک خبر دیگر بنیالغی کاواساوسکی مستشار سفارت کبرای جاپان در کابل ساعت دهنیم با پوهاند دوکتور نوین ملاقات نمود و طی آن پیرامون قرار داد کلتوری بین افغانستان و جاپان و همچنان همکاری کشور های جاپان در ساحه حفريات و ترمیم ابدات مذاکره نمود.

خبر بعدی حاکیست که بنیالغی گیمون بول شاردافیر سفارت کبرای جمهوریت دیموکراتیک کوریا ساعت یازده قبل از ظهر با وزیر اطلاعات و کلتور ملاقات تعارفی بعمل آورد.

هیات دانشمندان جامعه تاریخ و باستان شناسی بغداد ساعت ۱۰ قبل از ظهر روز ۲۰ سنبله با پوهاند دوکتور نوین و زیر اطلاعات و کلتور ملاقات نمود.

یک منبع آن وزارت گفت طی این ملاقات وزیر اطلاعات و کلتور و هیات دانشمندان جامعه بغداد درباره انکشاف علایق کلتوری بین افغانستان و عراق و همچنان توسعه مطالعات تاریخی مذاکره و تبادل نظر نمودند.

بنیالغی کی ال مهتا سفیر کبیر هند در کابل که دوره ماموریتش در افغانستان پایان رسیده است ساعت نهنیم قبل از ظهر روز ۱۶ سنبله با پوهاند دوکتور نوین وزیر اطلاعات

کمکهای بلا عوض تخنیکي اتحاد شوروی در ساحه هواشناسی توسعه مییابد

هوايي بين المللی کابل، تاسیس دستگاه بررسی هوا شناسی، توسعه و دکشاپ تخنیکي و تنظیم بهتر شبکه مغایره هواشناسی قبول کرده است و هم وعده داده که وسایل مغایره مراکز پرودکاست هواشناسی کابل کندهار، هرات و کندز را از طریق موسسه بین المللی هواشناسی با افغانستان کمک کند.

این پروتوکول را از طرف افغانستان معاون ریاست هوایی ملکی و از جانب اتحاد شوروی بنیالغی توسستن کوف معاون ریاست اید و و مترو لوزی اتحاد شوروی اعضا کرده اند.

پروتوکول کمک های بلاعوض تخنیکي اتحاد شوروی در ساحه هوا شناسی افغانستان روز ۱۲ سنبله در مسکو با امضاء رسید.

دکتور عبدالخالق معاون ریاست هوایی ملکی که در اس یک هیات برای مذاکره و امضاء این پروتوکول به اتحاد شوروی رفته بود صبح دیروز بکابل بازگشت.

وی حین مواصلت بمیدان هوایی بین المللی کابل گفت که بر اساس این پروتوکول کمک های تخنیکي اتحاد شوروی که روی موافقه ۱۹۶۲ در ساحه هواشناسی جریان دارد برای چهار سال دیگر تمدید گردیده است.

همچنان اتحاد شوروی توسعه همکاری را برای تنظیم بهتر مرکز هواشناسی میدان

امسال پنج هزار نفر به مکه معظمه خواهند رفت

برای طبقه نسوان اختصاص داده شده است. اداره عالی اوقاف گفت انعامه از هوپستان مکه عزم حج خانه کعبه را دارند از همین اکنون میتوانند در خواستهای شانرا نهراجی مربوط در ولایات شان ارائه نمایند.

سهمیه فضایی وزمین هر ولایت بادر نظر داشت نفوس آن ارسال شده است.

امسال پنج هزار نفر از طریق فضا وزمین برای زیارت بیت الله شریف به مکه معظمه خواهند رفت.

یک منبع اداره عالی اوقاف وزارت عدلیه که متجمله این سهمیه سه هزار نفر از طریق فضا و دو هزار نفر از طریق زمین به زیارت کعبه الله معلی مشرف خواهند شد.

منبع اضافه نمود در این سهمیه ۲۰ فیصد

صدمین سال تولد شاعر نامور وطن

مرحوم عبدالعلی مستغنی تجلیل شد



رئیس تدریسات ابتدایی وزارت معارف در محفل صدمین سالگرد تولد مستغنی پیرامون زندگی آن شاعر شپیر صحبت میکند.

تسهیلات بیشتری در امور ترانزیتی بین افغانستان و ایران برقرار می آید

مذکور درجمل ونقل ترانزیتی خاک یکدیگر را عبور نموده و از تسهیلات و مزایای معاهده مذکور استفاده نمایند.

این موافقتنامه را از جانب افغانستان بنیاد علی محمد فریدون رئیس انکشاف صادرات و از جانب ایران بنیاد علی ابراهیم داوری مدیر عمومی تجارت داخلی وزارت اقتصاد ایران امضا نمود.

هنگام امضای موافقتنامه بعضی از مأمورین مربوط وزارت های خارجه، مالیه و تجارت و بنیاد علی سپندیس کریم اتابکی معاون تجارتی راه آهن و بنیاد علی مسعود مجلسی عضو مهربک عمومی ایران نیز اشتراک داشتند.

قراریک خرید و فروش هبات ایرانی صبح روز ۱۵ سنبله عازم کشورش گردید.

بنیاد علی محمد فریدون رئیس انکشاف صادرات و بنیاد علی عبدالقیوم عباسی مدیر عمومی ترانزیت وزارت تجارت در میدان هوایی بین المللی با هیات وداع کرد.

موافقتنامه ترانزیتی بین دولت جمهوری افغانستان و دولت شاهنشاهی ایران ۱۴ سنبله در وزارت تجارت به امضا رسید.

بنیاد علی محمد فریدون رئیس انکشاف صادرات که جایگزین موافقتنامه قبلی میباشد تسهیلات بیشتری در امور وسایط نقلیه و حمل و نقل اجناس و مال التجاره ترانزیتی برای هر دو کشور فراهم گردیده است.

علاوفا در گمرک های اموال ترانزیتی افغانی که توسط خط آهن از طریق ایران انتقال می یابد تخفیف قابل ملاحظه بعمل آمده است.

منبع افزود در موافقتنامه جدید راه های ترانزیتی بیشتری نسبت به گذشته باالخصوص در خطوط راه آهن کشور ایران بین هر دو جانب در نظر گرفته شده است.

منبع علاوه نمود در این موافقتنامه به اساس میثاق بین المللی که هر دو مملکت عضو آنند وسایل نقلیه جانبین میتواند طبق شرایط

صدمین سال تولد شاعر نامور افغان مرحوم عبدالعلی مستغنی قبل از ظهر روز ۱۴ سنبله در مکتبی که به اسم آن مرحوم مسمی گردیده است از طرف وزارت معارف تجلیل شد.

در این مراسم که تا ساعت دوازده ظهر دوام نمود دکتر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی در ستیز عده از جنرال ها و صاحب منصبان عالی رتبه اردوی جمهوری، اراکین و روسای وزارت معارف، شعرا نویسندگان و عده کثیری از علاقمندان آن مرحوم اشتراک نموده بودند.

محفل با تلاوت چند آیه از قرآن مجید و نواختن سرود ملی جمهوری آغاز شده بعد از آنکه سوانح آن مرحوم قرائت گردید عده از شعرا و نویسندگان پیرامون شخصیت علمی و ادبی مرحوم

مستغنی شاعر و ادیب توانای کشور بیاناتی ایراد نموده از خدمات ارزنده آن شاعر گرانمایه و استاد سخن که به صفت استاد و مربی عمری رادر خدمت معارف کشور سپری نموده به قدر دانی یاد نمود.

مرحوم مستغنی در سال ۱۲۹۳ هـ در بالاحصار کابل تولد شده و به سن شصت سالگی وفات نمود.

در جریان این محفل مجله فوق العاده عرفان و کتابی تحت عنوان گزیده اشعار استاد سخن مرحوم مستغنی که به مناسبت تجلیل از صدمین سال تولد وی از طرف وزارت معارف طبع شده به حاضرین توزیع شد.

دکتر عبدالعزیز از جریان محاکمه تمثیلی مرکز ستاد قضایی دیدن کرد

دکتر عبدالعزیز وزیر عدلیه و لوی خاتونال روز ۱۱ سنبله از جریان محاکمه تمثیلی مرکز ستاد قضایی اداره تدقیق و مطالعات قضایی دیدن نمود.

هنگام بررسی از طرف محاکمه تمثیلی بوهندوی غلام علی کریمی آمر عمومی اداری قضا و سایر اعضای شورای عالی قضا حضور داشتند.

وزیر عدلیه در ختم جلسه تمثیلی از حسن اجرای و طرز رسیدگی ستادان قضایی اظهار خرسندی کرد.

سفیر کبیر بلغاریا با وزیر معارف ملاقات نمود

بنیاد علی کریمیانوف سفیر کبیر بلغاریا در کابل ساعت ۱۰ صبح روز ۱۱ سنبله با دکتر نعمت الله پژواک وزیر معارف ملاقات نمود.

یک منبع آن وزارت گفت که طی این ملاقات در خاتمه بوهندوی دکتر فقیر محمد زمری رئیس پوهنهی و ترنری نیز حاضر بود راجع به همکاری بلغاریا با پوهنهی مذکور مذاکره بعمل آمد.

بنیاد علی عبدالرحمن پژواکی عازم کشور گردید

بنیاد علی عبدالرحمن پژواک سفیر کبیر دولت جمهوری افغانستان در دهلی که چندی قبل برای مشوره بکابل آمده بود.

روز ۱۶ سنبله عازم ماموریتش گردید.

بنیاد علی زلمی محمود غازی عازم تهران گردید

بنیاد علی زلمی محمود غازی سفیر کبیر دولت جمهوری افغانستان در تهران که چندی قبل بکابل آمده بود روز ۱۱ سنبله عازم ماموریتش گردید.

۱۴۸۰ جریب زمین دیگر به خانواده های بی زمین

توزیع گردید

یکصد و سی و یک خانوادۀ موقعیکه زمین های شان را تسلیم شدند از اقدام دولت انقلابی مبنی بر توزیع زمینهای برای خانوادۀ های مستحق ابراز خرسندی نموده و آرزوی سعادت کشور را نمودند.

دوم بوده و از نگاه انجیری آماده بهره برداری میباشد.

منبع اضافه کرد این زمین هادر ولسوالی های نادر و گرمسیر موقعیت داشته و از کانال عمومی پروژه آبیاری میگردند.

نامه تگاری باختر از نشرگاه اطلاع داد که

باساس مبنی دولت جمهوری یک هزار و چهارصد و هشتاد جریب زمین دیگر روز ۱۴ سنبله در پروژه وادی هلمند به خانوادۀ های بی زمین توزیع گردید.

یک منبع ریاست وادی هلمند روز ۱۴ سنبله گفت زمین های توزیع شده از نوع درجه اول

بناغلی مشتاق احمد از شاهراه سالنگ دیدن کرد

معینی اش که بدعوت وزارت تجارت بکا بیل آمده بودند قبل از ظهر روز ۱۱ سنبله عازم داکه گردیدند.

بناغلی محمد خان جلالی وزیر تجارت نماینده وزارت امور خارجه و مشاور دافیر سفارت کبرای بنگله دیش در کابل برای وداع در میدان هوایی کابل حاضر بودند.

بناغلی مشتاق احمد طی اقامت در کابل درباره توسعه تجارت بین افغانستان و بنگله دیش با مقامات مربوط افغانی مذاکراتی انجام داده است.

بناغلی مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگله دیش و همراهانش روز ۸ سنبله از شاهراه سالنگ دیدن نمود و نشان جاست رادر خنجان صرف کردند.

قرار یک خبر دیگر بناغلی مشتاق احمد و همراهانش شب ۱۰ سنبله در دعوتی اشتراک کرد که از طرف دکتور محمد اکبر عمر رئیس عمومی اتاق های تجارت در دستوران باغ بالاترین یافته بود بناغلی خنده کار مشتاق احمد وزیر تجارت و تجارت خارجی کشور بنگله دیش و ذوات

مالکان موثر های بی محصول می توانند

محصول گمر کی را تا ۲۱ میزان امسال بدون جریمه تحویل نمایند

بکامینع وزارت مالیه گمرک در صورتیکه بعد از سپری شدن مهلاد متذکره چنین عراده جات دیده شد طبق قانون مصادر وضبط میشود.

همچنان عراده هایی که بدون اسناد گمرکی در مملکت توریید شود طبق قانون گمرکات ضبط میگردد.

به اساس پیشنهاد وزارت مالیه تصویب مجلس عالی وزراء و منظور بناغلی رئیس دولت و صدر اعظم مالکین عراده جاتیکه دارای اسناد گمرکی هستند میتوانند عراده جات خویش را بدون هیچ نوع جریمه تا ۲۱ میزان امسال محصول نمایند.

به مناسبت روز نظامی ترکیه دعوتی ترتیب یافته بود



دگر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز روز نظامی ترکیه راه آتش نظامی آنکشور تبریک میگوید.

به مناسبت روز نظامی جمهوری ترکیه اطلاعات و کلتور، دگر جنرال عبدالکریم مستغنی لوی درستیز عده از صاحب منصبان اردوی جمهوری مامورین عالیترتبه، اعضای کوردیپلو مایک مقیم کابل باخانم های شان اشتراک نموده بودند.

در این دعوت پوهاند دکتور نوین و ذیر

سفارت کبرای جمهوری مردم بلغاریا روز ملی آنکشور را تجلیل کرد

سفارت کبرای جمهوری مردم بلغاریا در کابل شام روز ۱۹ سنبله دعوتی بمناسبت روز ملی کشورش که مصادف با روز ۱۸ سنبله بود در هتل انتر کانتیننتال ترتیب داده بود.



دکتور عبدالمجید وزیر عدلیه حینیکه روز ملی بلغاریا را به سفیر کبرای آنکشور تبریک میگوید.

سفارت کبرای جمهوری دیموکراتیک مردم کوریا روز ملی آنکشور را تجلیل نمود



بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت اور خارجه حینیکه روز ملی جمهوری دیموکراتیک مردم کوریا راه شارژ دافیر آنکشور تبریک میگوید.

سفارت کبرای جمهوری مردم دیموکراتیک کوریا در کابل روز ملی کشورش را عصر ۱۷ سنبله ضمن محفلی در هتل انتر کانتیننتال تجلیل نمود. در دعوتی که به این مناسبت از طرف



شنبه ۲۳ سنبله مطابق ۲۷ شعبان المعظم برابر ۱۴ سپتمبر ۱۹۷۴

روز مطبوعات و سواد

روز هفدهم سنبله که بحیث روز بین‌المللی سواد شناخته شده است در افغانستان مصادف با روز مطبوعات بود. این روز در سراسر کشور با نشر مطالبی مبنی بر اهمیت مطبوعات و سواد در رشد و تکامل اجتماع تجلیل گردید.

مطبوعات بحیث رکن چهارم در ارگانهای اساسی دولت و وظیفه خطیری در راه پرورش استعداد ها و افکار مردم بنوش دارد، ازینرواگر مطبوعات در راه برآورده شدن اهداف ملی و اساسی يك ملت بکار انداخته شود بدون شك رول مهمی در امحای بیسوادی میان افراد آن ایفا نموده و در ارتقاء و رشد سواد كمك بسزائی مینماید چه ، مطبوعات در جوامع روبه انكشاف گذشته ازینكه وظیفه اطلاعاتی را انجام میدهد در راه تنویر افکار عامه نیز خدمت مینماید.

در نظام جمهوری رسالت تاریخی مطبوعات مسهم و ارزنده است. در چنین فرصتیكه مادر آغاز يك انقلاب اجتماعی قرار داریم و وظیفه مطبوعات کشور ما بیشتر از هر وقت وزمانی حساس و بر اهمیت گردیده است. مطبوعات امروز ما باید مهمل اهداف عالی جمهوریت باشد.

رهبر انقلاب ما دریکی از بیانات شان به اهمیت مطبوعات و سواد اشاره نموده می فرماید: « دولت جمهوری برای امحای بیسوادی عمومی و ایجاد تحول فرهنگی در مملکت، بر اساس فرهنگ ملی و مترقی مبارزه خواهد نمود و نسل جوان را با تقوی ، روحیه و وطنپرستی و خدمت ب مردم پرورش خواهد داد.»

بقیه در صفحه ۵۵

دسنبلی ۱۸ دملی شورا دتاسیس تاریخی ورځ

زمونږ د هیواد تاریخی کرونده چه زیوی خوا د خپل لرغونی تاریخ ویاړنی پکې دولسی ژوند زینت او نیک الهام بشونکی در نښت دی د بلی خوا دملی ، علمی او ولسی احساس او فکر په وړاندې زمونږ گډ ژوندون شریکو هڅو او اصلاحی او مشورتی ارزښتونو چه په کوم معقول او منلی اساس او پریکړی د عا کړیده دهغو یا د تازه اود تاریخی نقش په حیث په درناوی سره نهانځل کیږی .

مونږ چه دملی کرو ندی تاریخی پس منظر ته گورو وینو چه زمونږ د دتاریخ لمن په ډیرو ویاړنو او خاطراتو ډکه ده اودغه منلی ارزښتونه چه دولس ټولنی او گډ ژوندون افتخار دی په دغه لاره کی کومی کړی جاری او کړی لاری چه دجر گوله خوا او په مشورتی اساسوتو فیصله شوی دی او اولس دجر گو په فیصله امین ویلی دی په دغه حقیقت لرغونی تاریخ شاهد دی چه دافغانستان دملی او ولسی جرگو د افتخاراتو ډک تاریخ لری چه ملی وثیقه کی منلی شوی ارزښتونه په درنښت سره ثبت اود تاریخ بابونه دی چه ددغو لویو کړ نالرو او بنسټو نو پاتی په ۵۵ مخ کی

صفحه ۸

مطالب عمده پر شتمنانه



بیرق جمهوری افغانستان در بلند
ترین قله کوه هندو کش بر افراشته
شد
مصاحبه با گو هنور دان
چکو سلواکی



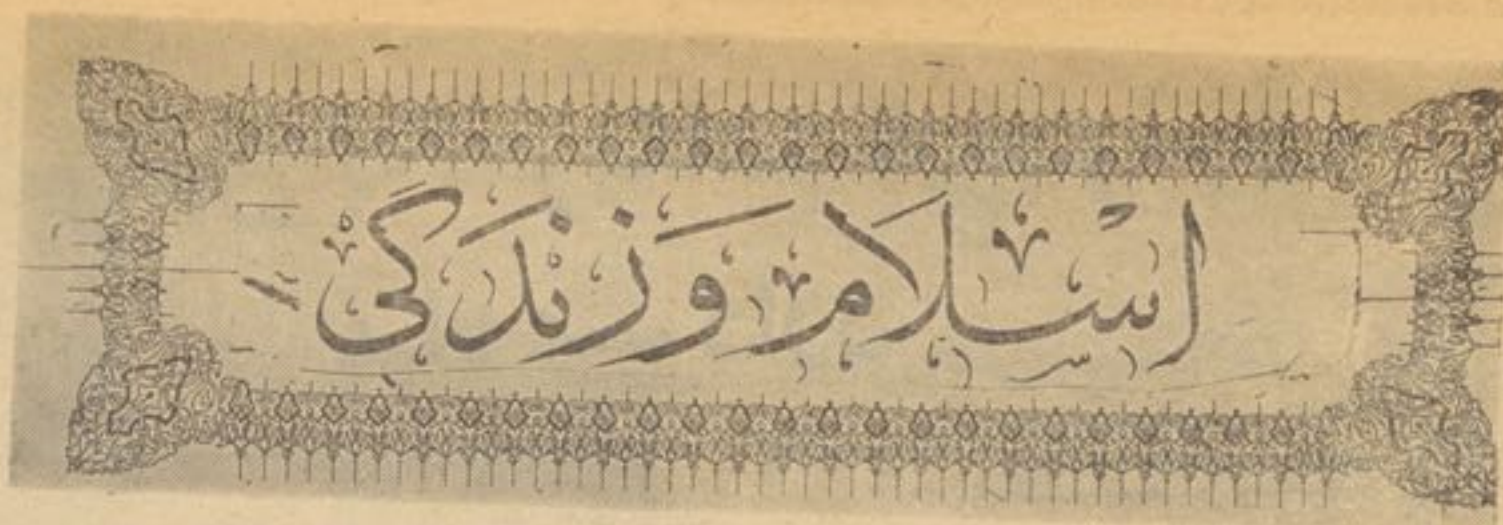
میزمور ژوندون در باره پلان
۲۵ ساله شهر کابل



ملکه زیبایی از سرزمین ...



یک جنایت بزرگ و...



قسمت دوم

ع : عبا

ارزشهای جهانی اسلام

از ذخایر زمین و از موهب های خلقت برای آبادانی جهان و برای بهبود اوضاع حیات- تهیه و آماده سازد و نتایج کار و فعالیتش را چنان بطور عملی و ساده مینماید که اگر کار کرد ثمر می برد و اگر عاطل و بیکار ماند بیچاره میشود و نیاز می کشد و عکس اگر کار بیشتر انجام نمود حاصل بیشتر و اگر اندک و کمتر بکار پرداخت نتیجه اش نیز نا چیز و کوچک خواهد بود .

قرآن کریم در بنبار اینگونه صراحت نموده که (الیس الا نسا ن الا ماسعی) یعنی آنچه از آن انسان و مال اوست که محصول و نتیجه عمل و زاده مساعی و فعالیت وی باشد .

اسلام با این ارشاد موجز و لای عمیق و بر حکمت خود انسان را با فلسفه و مفاهیم واقعی و حقیقی حیات

و زندگی آشنا ساخت و برایش گوشزد نمود که کار و فعالیت و جدیت و تمرکز و معیار اصلی زندگی ، و بزرگترین عامل پیروزی چه در عالم معنی و چه در دنیای مادیات و ظواهر فریبده آن است .

انسان با ایمان و عقیده همینکه خود را در میان این گیسو دار می یابد و در عین زمان مشاهده هیولا های خیره کننده مظاهر آفرینش و بادرک وظیفه و مسئولیت سنگینی که بر دوش وی گذارده شده و وظیفه آبادانی زمین و فراهم سازی وسایل زندگی بهتر برای افراد انسان ، خود را از دست نمیدهد و ابراز شکست و عجز نمی نماید و چون بسوی ارشادات اسلامی چشم میکشاید بصورت

بقیه در صفحه ۵۸

انسان در روی زمین موجود نمی بود .

پس اسلام با قبول این احیاء برای انسان بواقعیات خلافت او تحقق می بخشید و در حقیقت اسلام با اینکه و با این وصیت نگاهش یک امیدواری کامل و یک روحیه اتکا بخود را در وجود انسان خلق میکند و زمینه کار و فعالیت را در روی زمین برایش فراهم و مهیا میسازد و بوی مسی فهماند که او است که هر چه بخواهد

مورد ضرورت انسان ها ، نان و آبی آماده و مهیا از آسمان فروایزد و یا آلات ابزاری بصورت پخته تهیه شده ، در دست اولاد آدم بگذارد زیرا در اینصورت نه تنها برای انسان چیزی قابل اجرا و انجام باقی نمی ماند بلکه انسان جز یک پیکرو هیكل عاطل و غیر قابل توقع چه چیزی متبوا نیست باشد و مهمتر از همه ، اگر موضوع چنان می بود ، دیگر مفهوم و موردی از آن خلافت

همچنان زمانی که انسان در طریق فراهم سازی اسباب زندگی بهتر فکر می افتد تا کشتی و سفینه ای بسازد دو نیاز مندی مهم و اساسی جلو نگاهش قرار میگیرد که یکی عبارت از وجودیت مواد مورد ضرورت معدنی از قبیل فلزات و غیره و دیگری عبارت از موجود بودن اقیانوس ها و دریا ها برای کشتی رانی میباشد ولی پس از آنکه درمی یابد که اقیانوس های عمیق قبلا آفریده شده و مواد معدنی نیز همه بصورت طبیعی اش و بحالت خام و اولی در دل کاینات جا داده شده است .

در بنحال یک کار و یک وظیفه بدوش او باقی میماند و آن اینکه از این مواد خام موجود وسایل طرف ضرورت را سازد و تهیه نماید .

درین مرحله وظیفه انسان پیش از هر وقت دیگر کسب و خاقت و سنگینی میکند زیرا این مرحله ، دیگر مرحله سازندگی بصورت عملی و تطبیقی و مرحله ای است که او با درایت کامل انسانی اش است که او باید درایت کامل انسانی و بشری اش وسایل را فراهم نماید و هر یک را بموقع و بجایش قرار بدهد بطوریکه جوابگوی نیاز مندی های عمده و حیاتی افراد بشر در روی زمین باشد .

اسلام همه وسایل و اسباب زندگی را در مسیر حیات بصورت و حالت طبیعی اش قرار میدهد و آن را در اختیار انسان میگذارد تا در پیروان آن نیروی دماغی و فکری خود را دقیقانه بکار اندازد و آن را بطوریکه تأثیری در زندگی انسان ها ایجاد نماید مهیا سازد بعبارة ساده تر اسلام نخواسته که بعنوان رزق و روزی و بنام فراهم سازی اسباب

شماره ۲۵ و ۲۶

شخصیت های بزرگ اسلامی را معرفی میکند



عبدالرحیم (عینی)

حضرت سهیل بن حنیف (رض)

علی کرم الله وجهه نمود، پیغمبر اسلام ازین امر او را ممانعت ننموده پس کاراکا و تربیت یافته خانه خود و زیده تر بن شاکردان خود را موظف ساخت که باوی عقد مواخات نمایند و این مواخات البته دلالت به موقف عالی و فضل بی شمار حضرت سہل (رض) می نماید .

همچنین حضرت رسول اکرم (ص) از ناحیه دیگری میان وی و عبدالله بن مسعود پیمان برادری رابست و این پیمان برادری که با عبدالله بن مسعود یعنی ششمین فردیکه داخل اسلام گردیده ، بر دو عجزت اشتراک نموده است و همچنین کسیکه مقابل ابو جہل درغزوه احد قیام کرده و در بیعت مبارک رضوان شرکت ورزیده و رسول خدا علیه السلام بدخول جنت بشارت داده دلیل بر عظمت شخصیت سہل بن حنیف (رض) میکند .

پس این صحابه مجاهد در تمامی غزوات اشتراک ورزیده ولی شطارت و مهارت آن در جنگ احد بیشتر بنظر رسیده و از رسول خدا (ص) حفاظت می کرد و پیغمبر اسلام درین جنگ گفتند که وسائل بهتر را برای سہل میسازید زیرا نژاد او جهاد سہل است .

چه وی در تیراندازی مهارت تام داشته تمامی تیرهایش به هدف میرسید و قلب دشمن را می شکافت .

این صحابه جلیل القدر یعنی سہل بن حنیف از مردم انصار و از قبیلہ اوس میباشد که غزوة بدر و احد و دیگر غزوات را دیده است . در روز جنگ احد با پیغمبر خدا (رض) یکجا بوده سپس مضاجبت حضرت علی کرم الله وجهه را نمود .

حضرت علی (رض) او را بعد از در مدینه به حبث نائب خود تعیین نموده سپس امور ولایت فارس بسوی تفویض گردید . پس سرس ایوانامه (ابواسامه) و غیره از وی روایت حدیث نموده در کوفه بسال ۳۸ هجری وفات کرده است .

انالله وانا الیه راجعون . اصلا شهرت این صحابه بنام ابوتابست سہل بن حنیف بن واهب انصاری بسوده در مبارزه و جهاد سرآمد افسران گردید . در فاعیل فقری چشم باز کرده توانی ندانست که تکافوی ضروریات زندگی او را نماید بناء پیغمبر اسلام صلی الله علیه وسلم زمانیکه غنائم قبیلہ بنی نضیر بدون قتل و قتال بدست مسلمان آمد برای اینکه سوبه و سطح زندگی مهاجران و انصار بیک سوبه باشد میان فقراء مهاجرین تقسیم نموده و به انصار ندادند اما از زمره انصار دوتن بی بضاعت را که عبارت از سہل بن حنیف و ابودجانه باشد نظر بشدت فرم مهاجرین نمودند .

حضرت سہل بن حنیف (رض) بعد از عجزت اراده عقد مواخات را میان خویش و حضرت

اسرائیل به تحریر یکات تازه در شرق از کاظم آهنگ

میانهمیپر دازد

۱. بررسی مسائل روز

هنوز بحران قبرس به قسم يك معضله مغلق و پیچیده در این گوشه جهان راه حل نیافته و تاکنون مقامات مربوط موسسه ملل متحد مخصوصا داکتر کورت والد هايم سر منشی آن موسسه و کشورهای ذی علاقه در جستجوی راه حلی در زمینه اند، که تهدید ها و تفتین های اسرائیل يك بار دیگر بر مشکلات این گوشه جهان افزوده است.

گرچه این تهدیدها هنوز مشکلی ایجاد نکرده که همین اکنون شرق میانه و جهان عرب از آن تهدید شوند ولی بدون شك مقدمه يك آینده پر مخاطره را در انتظار جلوه میدنیز و هر حرکت توأم با بر خورد گرم بین اعراب و اسرائیل یقینا خسارات و تلفات شدید مالی و جانی را در قبال خواهد داشت.

اسحق رابین صدرا عظم اسرائیل اخیرا يك سلسله مطالبی ابراز کرده که نشاندهنده این نوع تهدیدات و زور گوئی هاست و علاوه ا اعمال اسرائیل مانند مانورها و تمرکز قوای آن در سرحدات بعضی کشور های عربی موید ایجاد چنین مشکلات است.

اسحق رابین گفته است اسرائیل تازهانی از سرزمین های اشغالی عرب عقب نشینی نخواهد کرد که بدانند این موضوع برای صلح در شرق میانه مفید میباشد، وی همچنان گفته است که هر گونه اقدام اسرائیل در برابر اعراب باید از يك موقف قوت و زورمندی نشأت کند و به همین وتیره وی گفته است که کنار آمدن اسرائیل با اعراب و عقب نشینی اسرائیل از سر زمین های اشغالی عربی در صورتی عملی شده میتواند که اعراب موجودیت اسرائیل را برسیمت بشناسند همچنان صدرا عظم اسرائیل میگوید که تشکیل يك حکومت فلسطینی در شرق میانه معنی محو از بین رفتن اسرائیل را دارد.

از گفته های رابین که بگذریم شمون پریز وزیر دفاع اسرائیل گفته است برای مذاکره با اردن اسرائیل شرایطی دارد و یکی از این شرایط عبارت از این است که مذاکرات بین اردن و اسرائیل تنها در باره عقب نشینی عساکر اسرائیل از غرب رود اردن نبوده بلکه در باره برقراری يك صلح دائمی در شرق میانه باشد.

در گفتار های صدرا عظم و وزیر دفاع اسرائیل چند موضوع قابل تحمل است. نخست هر دوی آنها از صلح صحبت کرده اند. دوم صدرا عظم اسرائیل هر اقدام را از يك موقف قدرت می خواهد، سوم باز هم خارج شدن از سرزمین های اشغالی را به شرط رسمیت شناختن اسرائیل مربوط دانسته است و بالاخره تشکیل حکومت فلسطین را محو یهود تلقی میکند.

هر گاه به این گفتار های رابین و پریز دقت شو دراجع به هر یکی از آن طوری قضاوت حکم خواهد شد که از زور گوئی فتنه انگیزی و عقده های حقارت سرچشمه گرفته باشد موضوع اینجا است که هم اسرائیل از صلح صحبت میکند و هم عربها از صلح گپ میزنند ولی اینکه صلح واقعی را کدام یکی از آنها آرزو دارد **سوالیست** —

بایست جواب داد.

عربها در هر گام خود متوجه آنند که چطور میتوانند.

مساله شرق میانه از طریق صلح حل شود. این عربها اند که به همین تازگی ها در جلسه وزرای خارجه خود در قاهره موافقه نمودند که مساله فلسطین را در جلسات مجمع عمومی ملل متحد مطرح ساخته و از این طریق راه حل صلح آمیزی برای آن دریا بند. و این عربها اند که از مرکز يك کشور به مرکز دیگری و از آنجا به کشور سومی رفته با مقامات مربوط این کشور ها مذاکراتی انجام میدهند و راه حل مسالمت آمیز موضوع

شرق میانه و معضله فلسطین را جستجو میکنند. از این موضوع که بگذریم در همین کنفرانس وزرای خارجه کشور های عربی يك بار دیگر راجع به کنفرانس صلح ژنیه و مذاکراتی انجام شد ولی در مقابل آیا این اسرائیل نیست که گاهی اشخاص سر شناس خود را به افریقای جنوبی نزد رژیم تبعیض طلب آن سر زمین فرستاده و از آنجا آواز جنگ و تجاوز را بلند میکنند آیا همین اسرائیل نبوده است که وقتا فوقتا در مراکز بعضی از کشور های غربی رفته در پی تهیه و تدارك اسلحه و مهمات حربی میشود و آیا این اسرائیل نیست که همین اکنون بر مردمان قرای جنوب لبنان باتوپ و طیاره و تانک حملات خود را را وارد کرده نه تنها به مبارزین فلسطین در این ناحیه زیان ها و خساراتی را تحمیل میکند بلکه هزاران نفر زن مرد و طفل ملکی آن سامان را متضرر میسازد در حالیکه همه میدانند مردمان آن ناحیه بی سلاح و بی دفاع اند، کوتاه اینکه هیچ روزی نیست که صدای حمله و آواز فتنه انگیزی های اسرائیلی ها و قوای اسرائیل بر سر زمین های عربی شنیده نشود.

یقینا خوانندگان محترم بخاطر دارند که در این روز ها اسرائیل چند مانور نظامی را انجام داد.

و در این مانور ها از قوای احتیاط خود هم استفاده کرد این مانور ها بدون شك يك سلسله سوالهای را بین کشورهای عربی ایجاد نموده است و علاوه همین مانور خود جنبه نمایش را دارد که در آن قدرت اسرائیل تبارز داده شده گذشته از آن اسرائیل بارها گفته است که همه افراد خود را با تعلیم و تربیت عسکری مجهز میسازد اگر واقعا صدای صلح از قلب و دماغ از اعماق اسرائیل بیرون شود به چنین اعمال ضد صلح دست نمی زند.

بقیه درص ۵۶

کیو کو اسا کورا

دوشیزه‌ای که انگشتان ظریفش روی فلز سخت، هنرمی آفریند

در تمام آثار هنری او روح لطیف و زیبایی زنانه دیده میشود .

...

او دوست دارد تا بخش زیاد زندگی اش را در سفر و مشاهده زندگی های نو، وقف نماید.

ترجمه : رهجو

مهم نیست که در کجای جهان بنگریم، ولی این يك حقیقت روشن که بندوت می توان به زن پیکر تراش بر خورد، کیو کو اسا کورا هنرمند و پیکر تراش جاپانی از همین زمره است .
چنان هنر جاپان ، منحور سا زمان نیستن که بزرگترین محل گرد آمدن هنر مندان آسامان بحساب می آید ، چرخ می خورد . برای سالیان زیاد ، بخش پیکر تراشی این سازمان توسط قومو اسا کورا ، که از خود و دختر بجای مانده اداره می شد، شستسو اسا کورا، دختر بزرگ در بخش نقاشی سنتی جاپان دست چیره دارد در حالیکه کیو کو اسا کورا در پیکر تراشی مقام ارجمندی را بدست آورده است .
پدر این هنر مندان ، درستینج جهان هنر

جایان دست یافته و بحث پسر فیسور در پوهنتون هنر، عضو اکادمی هنر بوده و نشان فرهنگ را بدست آورد . دختران قریحه‌ی هنری را از پدر هنر مند شان به ارث برده و با پشت کلا آن را بر شیوه خود شان رشد دادند .
قابل تذکار است که ایندو راه جداگانه هنر را برگزیدند . خواهر بزرگ در جهان نقاشی و کیو کو در عالم پیکر تراشی و مجسمه سازی دست به کار شد . کیو کو که در يك فضای پراز هنر هنر زاده است از همان آوان کودکی یعنی سه سالگی دست به مویک نقاشی برد . در سن ۱۲ سالگی کج قالب‌زیرینجه‌های هنر مندنش موم گردید و به این ترتیب روش



کیو کو با خواهرش شستسو در یکی از نمایش های هنری اش

داده است . بعد از ترک نیتتن او از پیوستن به کدام محل هنری دیگر دوری نمود اکنون آثار و ساخته های هنری او در نمایشگاه های متعدد هنری که بخصوص در فصل شکوفان بهار در هاگون، غرب توکیو، برپا می شود، به نمایش گذارده می شود .

برعلاوه ، در مدت سه سال توقف او با دقت خاص نمایشگاه يك نفری از آثار و کارهایش برپا انداخت . در هر حادثه هنری بخوبی مشاهده می شد که کار هایش بطرف پختگی و بلوغ پیش می رود .

در حالیکه در آثار ساخته شده اش استثنایی چون پیکر يك فروشنده روزنامه که سواپ ساخته شده است وجود دارد، بخش زیاد آثار او به ساختن پیکره های زن زن که به صورت کامل ، نیم تنه و یا فقط چهره نمایش داده می شود ، وقف شده است .

آخرین نمایش آثار او در سپتامبر گذشته بعد از سه سال توقف ، در گالری هنر پوهنتون گینزا در توکیو برپا شد . در این نمایش هژده اثر از او به نمایش گذارده شد و دو نمایه های اساسی این نمایشگاه بازهم زن بود .

ممکن مهمترین مجسمه او مجسمه ای باشد بنام زن که در آن تصویری از يك دختر در حالیکه بالانه کوتاه پوشیده ، روی چوکی نشسته و پای هایش را طوری دراز نموده است گویی که در تفکر ژرف و عمیق فرو رفته است . در تمام آثار او به روشنی قدرت

بقیه در صفحه ۶۱

هنری اش راه خود را یافت . زمانیکه ۱۶ ساله بود ، و هنوز شاگرد ساده مکتب بحساب می رفت توانست نمایشگاه سالانه نمایشگاه هنری نیتتن را بدست آورد .

جایزه بزرگ نیتتن در سن بیست سالگی نصیب او شد افتخاری که او تاکنون چاربار بدست آورده است بعد از دوسن جوانی ۲۶ سالگی بحث هیات متصفه سازمان هنری نیتتن نامزد گردید بدان معنی است که او به های طولانی زینه هنر را از همان آوان کودکی که پای ها بش لرزان لرزان بود با سرعت یکی پشت دیگر طی نمود . نام او به دفعات روی روزنامه ها و جراید بچاپ رسید . کار های هنری او توسط وزارت معارف و دیگر نمایندگی های دولت خرید شده و ورق دیگری پس شپرتش افزود .

در درون سازمان هنری نیتتن، بانهم برخی به او چشم تنگی نموده و انتقاد می کنند که علت پیشرفت او فقط مرهون شپرت پدرش می باشد . در همین زمان بود که او بحیث يك روح هنر مند به سازمان نیتتن به دیدن سک بنگرد و به همین علت در امر خروج از سازمان مذکور در ننگ نشود این این در سن ۱۳ سال قبل از مرگ پدرش بود . او بخاطر این از سازمان مذکور پرید تا از زیر تالی پدرش بدور بوده و در آفرینش هنری اش دست باز داشته باشد .

امروز ، این زن هنرمند ، هنرش او به صورت کامل در راه مستقل و آزادی سوق



کیو کو، پیکر تراش معروف بایکی از مجسمه عایش بنام «مینی ژوب»

مطابق پلان ۲۵ ساله شهر کابل تمام

و باز ساز

مسلخ در حال حاضر باوصف آنکه با قدرت نهی خود فعالیت دارد باز هم عرضه گوشت نمیتواند جوابگوی احتیاج شهر یان باشد دولت در این زمینه تصمیمی دارد که به تطبیق گذاشته میشود.

اکنون بناروالی برای جلوگیری از تخلفات فرو شناسان و استقرار بخشیدن بنرخها چاره ندارد جز جریمه، اخطار و مسدود ساختن موقتی دایمی دکاکین متخلفان که از چنین روشی کار گرفته شده و باز هم کار گرفته میشود.

یک راه دیگر جابجایی از تخلفات در فروش همکاری صمیمانه خود مردم است باینراوالی، هر خریدار باید در حکم یک مامور تفتیش باشد

تلاشی پیکر وجدیت مسئولان امور استقرار نیافته و نمی یابد عدم نرخهای استندرد در تمام کشور است، همانطور که شا هدیم در کشور ما هنوز هم نرخها تابع عرضه و تقاضا است و کمیت و کیفیت جنس متکی باین دو اصل است.

یادم است چندی قبل با وصف آنکه نرخ بادنجان رومی از نرخ عرضه آزاد در مار کیت ها ارزانتر نرخگذاری شده بود هر روز قیمت آن قوس نزولی را می پیماید. تا اینکه موجب شکایات شهر یان گردید و عده ای به بناروالی مراجعه و بکار ما انتقاد نمودند که این چگونه نرخگذاری است در حالیکه علت این ارزانی فقط عرضه زیادتر از حد پیش بینی شده بود و بس.

برای اینکه نرخها واقعا استقرار یابد از یکسو بایست در تمام نقاط

در آینده نزدیک بناروالی در هر محل دو خبازی و دو قصابی را دایر میسازد تا هم زمینه رقابت سالم در فروش مواد از تراقی، مساعد گردد و هم این مواد بشکل صحیح عرضه گردد.

نمیتوانند بنرخ بناروالی جنسی را خریداری نمایند.

متأسفانه تا جائیکه دیده شده است جرایم نیز نه تنها موثر نبوده بلکه متخلفان را وادار ساخته که مبلغ جریمه را روی قیمت ها افزون سازند که دوام این وضع باز هم به

زیر نظر گروه مشورتی ژوندون با اشتراك:

بنیاعلی محمد بصیر سمیعی معاون بناروالی

بنیاعلی محرم علی رئیس تفتیش بناروالی

بنیاعلی دکتور محمد عزیز سراج رئیس امور صحی بنا روالی.

بنیاعلی عبدا لرحمن رحیمی وکیل ریاست کار و ساختمان.

بنیاعلی دکتور محمد موسی آتش معاون ریاست امور صحی بناروالی

بنیاعلی انجنیر وزیر احمد بری مدیر عمومی کار و تخنیک بناروالی

و بنیاعلی محمد امین شفیق مدیر عمومی تهیه و اصناف بناروالی.

زیر نظر روستا باختری.

مریم محبوب افسری عضو مسلکی ژوندون.

محمد ناصر عز غنبت مدیر عمومی نشرات بناروالی و نگارنده مسئول جریده پامیر

و محمد یوسف غازی مدیر قلم مخصوص بناروالی محل جلسه:

اتاق کارو کتفرا نس بناروالی

روستان باختری

یکی از از مشکلات باشندگان نواحی مختلف شهر کابل موضوع عدم استقرار نرخها، عدم عرضه درست و صحی مواد از تراقی و عدم کنترل و مراقبت جدی کارکنان بناروالی از نرخها است.

اغلبا باشندگان شهر کابل بر شیوه کار مفتشین بناروالی انتقاد دارند و این انتقاد بجاست که هیچکس حتی خود اعضای بناروالی

ضرر مصرف کننده تمام شده است اکنون خواهش ژوندون این است که با احترام خواسته خوانندگان این مجله و شهر یان کابل ریا ست تفتیش بناروالی توضیح نماید که در مورد کنترل و مراقبت از نرخها چه اقداماتی صورت گرفته و یا اینکه چه طرح و پلانی برای حل این مشکل عمومی وجود دارد که مورد تطبیق قرار گیرد؟

بنیاعلی سمیعی معاون بناروالی: عامل اساسی اینکه نرخها چه در کابل و چه در ولایات کشور باوصف

کشور نرخهای تثبیت شده و استندرد وجود داشته باشد. ذخیره گاههای بزرگ اعمار گردد. سرد خانه های مجهز بوجود آید و در تمام فصول سال متوازن با تقاضا عرضه صورت گیرد در این صورت نوعی رقابت آزاد و سالم میان دولت و فرو شناسان دست اول بوجود میاید و مانع بلند رفتن نرخها شده آنها در حد معین آن ثابت نگه میدارد.

تاکنون در کابل فقط گوشت و مرغ با چنین شرایطی عرضه میگردد



رئیس تفتیش بناروالی



رئیس حفظ ا لصحه بناروالی



معاون بناروالی

و متخلف را به شعب مسئول معرفی نماید در گذشته اعمال نفوذ برخی از صاحبان قدرت موجب میگردد که متخلفان مکرر کمتر تنبیه شوند. هر وقت با خبازی متخلفی رو برو بودیم وسیله از واسطه و تو سعه کسانی که اهل قدرت بودند مبارزه با آنان بیرون از دایره قدرت و صلاحیت ما، ولی اکنون دیگر نظام مردمی ما اجازه هیچ نوع اعمال نفوذ را به هیچ صاحب قدرت نمی دهد و این باعث میگردد که مادر کار خود موفق تر باشیم.

این است که باز هم همکاری ژوندون

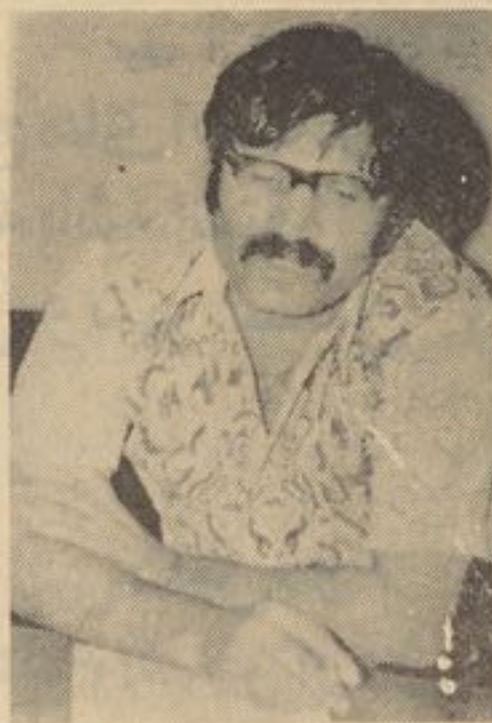
نواحی کهنه ساز کابل ویران میگردند

ی می شود

با میسر شدن امکان تعقیب پیگیر و صمیمانه مردم را خواهانیم تا باشد مراقبت همیشگی جلو تخلفات در حد قناعت بخش آن گرفته شود بناغلی محرم علی رئیس تفتیش بناروایی قبل از اینکه با انتقاد ژوندون در باره عدم استقرار نرخها جواب گویم از این مجله آموزشی و خانوادگی که همیشه نقش پیش آهنگی اش را در زمینه خدمات فرهنگی و مطبوعاتی به نحوه موثر ایفاء نموده است به عنوان یک همشهری و خواننده این مجله به نیکی یاد میکنم ژوندون رکن مهم مطبوعات کشور است و مطبوعات انعکاس دهنده خواسته ها، نظرات و انتقادات مردم افغانستان، پس وقتی ما با انتقاد

مجله ژوندون واقعا مجله خانواده هاست و انعکاس دهنده نظریات و انتقادات مردم از زبان مردم؛ میزهای مدور شما یک کار عالی مطبوعاتی است.
برای استقرار نرخها باید خیره گاههای بزرگ ساخته شود.
سردخانه های مجهز ایجاد گردد و در تمام فصول سال عرضه متوازن با تقاضا صورت پذیرد.

انتقاداتی ارائه گردیده بود. کلی داده نشده حتی نمایندگان وزارت پلان باین دلیل که مقدار زیاد عدم استقرار از نرخها در شهر



معاون حفظ الصحة، شاروایی

کچالو و بیاز از اندازه مصرف شهر- یان زیاد است و امکان گندیده شدن می رود خواهان صدور آن بخارج بودند ولی بناروایی برای اینکه توازن عرضه و تقاضا بهم نخورد و موجب افزایش قیمت این دو ماده نگردد از صدور آن جلو گیری نمود.

احتکار مواد از تراقی توسط عده ای سود جو و منفعت پرست دلیل دوم صعود نرخها و عدم استقرار آن میتواند باشد که در مدت یکسال با جدیت فراوان کوشش شده است جلو احتکار گرفته شود و محتکرین



معاون ریاست ساختمانی

اما اعتراف می کنیم که هنوز هم باو صف تلاش پیگیر و مدامی که برای استقرار نرخها صورت می گیرد جلوی بی مبالائی فروشندگان و تخلفات آنها را گرفته نتوانسته ایم ولی آمار واحصائیه های مستند گویای آن است که در مدت یکسال عمر نظام بالنده جمهوریّت طور نسبی و نظر بگذشته ما موفقیت های در زمینه داشته ایم. به عنوان مثال یاد آور میگردم که قبل از استقرار نظام نو کشور هفت کیلو پیاز ۱۲۰- افغانی خرید و فروش میگردید ولی بعد اقداماتی که صورت گرفت اجازه صعود نرخ این ماده به



مدیر عمومی تهیه و اصناف شاروایی

این مجله روبرو میباشیم در حقیقت با گفته و نظر مردم افغانستان در باره خود و نحوه کار خود روبرو ایم که این کمکی است بما در جهت بهبود امور مربوط بما.

ریاست تفتیش بنا روایی کابل با روحیه وطنپرستانه خود پذیرای هر نوع انتقاد سالم و روشنفکرانه مطبوعات کشور میباشد و امیدوار است با استفاده از این نوشته ها و ارائه نظرات مردم استفاده برد و راه حل منطقی مشکلات را بیابد. درمیز منور ژوندون بیشتر در مورد

تبشیه قانونی کردند چنانکه همین چندی قبل مقدار زیاد پیاز که در لوگر احتکار شده بود توسط مسئولان این شعبه کشف گردید و به قیمت ارزان در مارکیت های شهر عرضه شد.

روغن باو صف آنکه یک ماده توریدی است و قیمت آن نیز در جریان سال گذشته در تمام مارکیت های جهان بلند رفته است دولت با قبول مبلغ هنگفتی ضرر از صعود نرخ آن در مارکیت های داخلی جلو گیری نمود و قیمت آن ثابت نگاه داشته شد.

سال گذشته در آغاز فصل سرما عده ای از محتکرین چوب و ذغال را ذخیره نمودند و عرضه این مواد ارتزاقی را در مارکیت ها کم نمودند تا در موقع ازدیاد تقاضا آن را به قیمت گران بفروش رسانند که بناروایی متوجه گردید و به کمک بعضی از وزارت ها و بانک ملی افغان چند هزار خروار چوب و ذغال خریداری نموده با عرضه آن و رقابت آزاد در بازار توانست از صعود نرخ این دو جلو گیری نماید در مورد مواد ارتزاقی متأسفانه هنوز هم عده ای سود جو و منفعت پرست بخاطر منافع شخصی منافع مردم را بخطر میاندازند که شعب تفتیش بناروایی از طریق توصیه، اخطار، جریمه نقدی مسدود ساختن مو قتی و یاد ای می دکا کین و سلب امتیاز با آنها مقابله میکند و تاجای امکان میگو شد جلو تخلفات شان را بگیرد به عنوان مثال یاد آور میگردم که در سه ماه اول سال ۱۳۵۱ ۲۰۳۱ نفر فروشنده متخلف محکوم پرداخت مبلغ ۹۵۳۷۶۴ - افغانی نقد شدند در سه ماه اول سال ۱۳۵۲ ۱۶۴۷ - نفر متخلف به پرداخت ۱۱۲۸۰۰۰ - افغانی شدند که افزایش مقدار جریمه را حاکی است ولی در سه ماه اول ۱۳۵۳ ۷۳۶۰ - نفر فروشنده متخلف محکوم بپرداخت ۲۳۱ ۹۳۴۵۰۰ - افغانی نقد شدند که همه از نظر تعداد متخلفان و هم مقدار اخذ جریمه افزایش قابل توجهی را نسبت به سالهای گذشته نشان می دهد.

به همین اساس از ۲۶ سرطان سال ۵۱ تا ۲۶ سرطان سال ۵۲ - بقیه در صفحه ۵۹



گوشه ای از جریانات میزمدور ژوندون

**تادر تمام کشور نرخ های استندرد
شده وجود ندا شته باشد استقرار
نرخها در يك محل و شهر مشكل
است.**

احتكار مواد ار تراقی دليل دوم صعود نرخها است وعدم استقرار آن

۲۹۲۷ نفر متخلف فروشنده محكوم
بپرداخت جریمه نقدی ۴۶۲۲۲۵۱۰۰۰
افغانی واز ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲
تا ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۳
۲۴۳۳۸ نفر متخلف فروشنده محكوم
به تحویل جریمه نقدی ۹۹۶۵۴۷۰۰۰
افغانی گشته اند که به مقایسه يك
سال گذشته افزایش ۱۷۴۱۱ نفر
فروشنده تخلف کار و ازدیاد مبلغ
۵۳۰۴۲۹۶۶ - افغانی جریمه نقدی را
می نماید.

ولی با این هم کمبود وسایط و
پرسونل موجب میگردد که نتوانیم
بطور قناعت بخش جلو تخلفات را
بگیریم و مانع گرا نفروشی گردیم.
همین اکنون نه گروپ از مفتشان

بناروالی همه روزه صبح ناشیب
مصرف مراقبت نرخها میباشند ولی
باتوجه به بزرگی شهر و تراکم
جمعیت این تعداد کم است و نمیتواند
جوابگوی ضرورت ها گردد.

مارکیت هاو سوپر مارکیت ها :
یکی از اشتراك کنندگان میز مدور
ژوندون در بحث انتقاد از عماروالی
تدویر مارکیت هاو سوپر مارکیت
ها را توسط بناروا لی يك راه حل
معقول و منطقی برای استقرار نرخها
و جلو گیری از صعود نرخها
خاطر نشان نموده بود درست است
من این نظر را تأیید میکنم ولی تا
زمانیکه نقشه بزرگ شهر به تطبیق
گذاشته نشود و برای بناروا لی



جریمه را در حقیقت مصرف کننده و خریدار می پردازد نه فروشنده و دوکاندار

در سه ماه اول امسال ۲۳۶۰ نفر
متخلف محکوم به پرداخت ۲۳۱۹۳۴۵
افغانی جریمه گشتند و در مدت
یکسال جمهوری ۲۴۳۳۸ نفر از
اصناف تخلف کار مجبور به تادیبه
مبلغ ۹۹۲۶۵۴۷ افغانی پول نقد
شدند

برای استقرار نرخها بناروا لردر آینده کوپرا تیف ها و مار کیت
های بزرگ فروش را دایر میسازد.

سالها مندوی کابل در اجاره اجاره داران بود و قیمت ها در
اختیار فروشنده ولی حالا مندوی ها توسط گروپ های بناروا لی اداره
میگردد و جلو صعود نرخها گرفته میشود.



شماره ۲۶۲۵

مدارك تازه عایداتی کاوش نگر در
عملی شدن این تیوری مشکل است،
در حال حاضر بناروا لی
فاقد سرمایه کافی است و دایر
ساختن سوپر مارکیت ها سرمایه
هنگفت به کار دارد.

به عنوان مثال باز هم بناد آور
میگردد که سال گذشته اگر وزارت
تجارت و بانک ملی افغان سرمایه
امانت در اختیار ما نمی گذاشتند ما
حتی برای ذخیره چوب و ذغال قدرت
بولی ندا شتیم.

روستا باختری :

فعالیت بناروا لی در زمینه اخذ
جرایم نمایشگر تلاش آن است
برای استقرار نرخ اماپرسش اصلی در
این مورد است که آیا اخذ جریمه
و مسدود ساختن دکاکین تنها راه
حل مشکل است و یا اینکه طرق و
شیوه های بهتر و موثر تری هم
وجود دارد ؟

تجربه نشان داده است که بهمان
پیمان که حجم جرایم پلند میروند
تعداد متخلفان نیز زیاد میگردد و
ضرر بیشتر متوجه مصرف کننده
میگردد که مجبور است جنس مورد
ضرورت را بعد از جریمه گشتن
فروشنده گرانتر از نرخ اول
خریداری نماید و یا به تعبیر دیگر
جریمه را فروشنده نمی پردازد ،
در حقیقت آنرا مصرف کننده
مپردازد در این زمینه بناروا لی چه
دلایلی دارد ؟

بناروا لی سمعی معاون بناروا لی :
نظر شما کاملا منطقی است و اخذ
جرایم نمیتواند راه حل منطقی باشد
از مدتهاست که بناروا لی کابل طرح
تدویر کوپرا تیف ها و مارکیت ها
سر دست دارد و روی آن مطالعه می
نماید . کوپرا تیف ها و مارکیت ها
تنها راه حل معقول مشکل استقرار
نرخها میباشد و عرضه صحتی و درست
آن .

مندوی کابل که سالها با شیوه
اجاره داری اداره میگردد اکنون
توسط گروپ های بناروا لی اداره
میگردد که این موجب میگرد
که مواد از تزارقی طرف
ضرورت شهریان بنرخ معینه برای
شان بفروش رسد .

همین اکنون مطالعات دامنه داری
را شروع نموده ایم که بدون شک
بعد از تطبیق طرح های سرد است
استقرار نرخها به پیمان قناعت
بخشی عملی خواهد گردید و جلوشود
جویی اشخاص گرفته خواهد شد .
باساس یک طرح پیش بینی شده
که زیر مطالعه است در آینده نزدیک

در هر محل دو خیابانی و دو قصابی
توسط بناروا لی دایر میگردد تا با
رقابت آزاد جلو صعود نرخ گوشت
و نان گرفته شود و طرق عرضه صحتی
این دو ماده عملا نشان داده شود.
بهر صورت بناروا لی در تمام
مدت روز و شب برای شهریان کار
میکنند و خود را خدمتکار مردم می
دانند . البته حل همه پرابلم ها کار
یکسال نیست و مدت زیاد تری را
ایجاب می نماید ، ما فقط از مردم
همکاری شان را در معرفی متخلفان
خواهانیم و همیشه به نظرات و انتقادات
شان احترام می گذاریم .

رووف راصع :

کمبود آب آشامیدنی صحتی در
محلات کهنه ساز کابل و مخصوصا
در خانه ها و منازل سر کوه ، یک
مشکل اساسی تمام باشندگان
این نواحی است ، طوریکه با ادعای
یک شرکت کننده میز مدور قبلی ما
یک مشک آب در منازل سر کوه ده
افغانی بفروش میرسد .

ممکن است مسئول شعب آب
رسانی بناروا لی توضیح فرماید که
برای حل این مشکل و تهیه آب
مشروب صحتی برای همه مردم کابل
چه طرح های وجود دارد ، و در مدت
یکسال چه اقداماتی صورت گرفته
است ؟

دکتور عزیز سراج رئیس امور
صحتی :

شهر کابل با نفوس شش صد هزار
نفری خود محتاج به پنجاه هزار
کوبیک متر آب در ۲۴ ساعت (یک
شب و یک روز) می باشد یعنی هر نفر
در حدود یکصد و شصت متر آب در
یک شب و روز ضرورت دارد البته
این مقدار آب تکافوی غسل دست و
رو شویی و غیره ضرورت همین نفر
را نیز می نماید .

فعلا ما با چهار چاه عمیق علاوالدین
که هر کدام ظرفیت سه هزار کوبیک
متر آب را در ۲۴ ساعت دارد دوازده
هزار کوبیک متر آب در یک شب و
روز در مخزن بریکوت میاندا زیم
این مخزن در وسط کوه ده مزنگ
واقع بوده و هفت هزار کوبیک متر
ظرفیت دارد . در اینجا ممکن است
پرسا شود که شما دوازده هزار
کوبیک متر آب را در یک مخزن هفت
هزار کوبیک متره چطور میاندا زید .
جواب اینست که این مخزن منبع
دخول و خروج دارد از یکطرف که
آب در آن میافتد از طرف دیگر فوراً
برای توزیع خارج میشود .

بقیه در صفحه ۵۹

صفحه ۱۵

اثر: م. ت. آبریک

ترجمه: ع. ح. ایلدزم

علیشیر نوایی

اساسی در باغ اغان پر از نظامیان است

از هر طرف دسته دسته سپاهیان -
سوار فرا میروند. اسبها مستی کتان
شیشه میکشند و توغها در اهتزاز
اند. خودها (کلاههای آهنین - ۲)
وجوش سپاهیان در پرتو خورشید می
درخشید دستهای سیمین آذیانه بیک
ها. سامان و لوازم نقره کار اسپان
آنها. پارچه های طلا، دانه های
فیروزه و زبرجد غلاف شمشیرها،
باتابش خود، چشمها را خیره می
سازد. میان سپاهیان، درکنار
مردان دلیر و باشها مت کهنسالی
که ریش انبوه برسینه های شان
افتاده، اما تیز بین و تیز هوش
چون جوانان بنظر میرسند و پها دران
مغوری که طوفا نهاده هشت زای
معرکه جنگ را باز یچه ای بیش نمی
پندارند. و در کار زاپیکار و ستیز
آبدیده شده اند. نو جوانان کم
تجربه ایکه هنوز خط پروت دور لب

شان ندویده نیز دیده میشوند...
شهر هرات بدون توجه باین طنطنه و
تشریفات بحیات عادی همیشگی خود
ادامه میدهد. هرات چنین روزها را
بسیار دیده است. هرگاه اطفالی که
بدون اعتنا به مستی و سرکشی -
اسبها، هر طرف میدوند و همدیگر
را با شورش و فریاد صدا میکنند، -
استثناء قرار داده شوند، بزرگ
سالان باشند و این خبر که سلطان
بخاطر مقابله با محمد یادگار آماده
گردیده است، میگویند: (خدا این
سفر را با خیر مقرون سازد، آخر
ملك به آرا می احتیاج دارد!) و به
زندگی معمولی خویش ادامه می
دهند.

اسلم بر لاس - مرد چار شانه
مغرور در حالیکه تیرو کمان مخصوص
خود را حمل نموده است در پیشاپیش

تاینگای داستان

بهار، شهر زیبای هرات را - طراوت خاصی بخشیده است. خبر
بازگشت علشیر نوایی و تقرر او به حیث مهر دار دولت، چون حادثه
مهمی در سراسر شهر انعکاس میکند، در یکی از شبها که نوایی
تنها است، در ویسعلی برای در شش نزدش می آید. هر دو پیرا موانع
مملکت بگفتگو میروند نوایی تصمیم خود را مبنی بر اینکه می
خواهد کتابخانه بزرگ را اساس گذاری کند اظهار میدارد و میگوید
که مسئولیت امر را بدوش می - خواهد گذاشت.
فرمای آن، همینکه نوایی در - دیوان حضوری میباید، حسین با یقرا،
اورانزد خود فرا میخواند و را جمع به امور کشور با وی مشوره میکند و
نقارش را در باره مجدالدین خواستار میشود. در همین آوان -
ابوضیاء بازرگان معروف خراسان پیشنهاد میکند تا او و جوه مورد ضرورت
خزانه را نقلاً بپردازد مشروط بر اینکه بوی صلاحیت داده شود تا
جوه مذکور را از طریق جمع آوری مالیات دو باره بدست آورد. این
پیشنهاد در اثر وساطت مجدالدین پذیرفته میشود بعداً توغان بیک
مامور اجرای این وظیفه گردید. بیکی از دهات وارد میگردد. ریش
سفید دهکده از وی خواش میکند تا درین مورد از نریش کاریگیرد.

ارسلا نکول با کامهای متین
جلو آمده، کمی دور تر از حاضرین
بر لب جوی نشست. به درختان
اطراف، چند راس گاو، گوسفند و
بزیسته بود. او بی بر دکه این هارا
مباشر اجباراً و بعنوان گروگان
ستانده است. لذا خشم و بغض بر
گلوی فشار آورد و نگاه تند خود را
بسوی آنها دوخت.

بسیاری از دهقانان با میداینکه
شاید بتوانند مباحثی را قلباً
بر سر عاطفه آورند، از زبانه های
خود هر نوع غذا می آوردند. توغان
بیک که باریش سفید دهکده مشغول
محاسبه و ثبت و کتابت بود، توجهی
بطرف دستر خوان نکرد و فقط پس از
ختم حساب و کتاب، اندکی غذا
تناول کرده، دفعتاً از جابر خواست.

ساحه بزرگ پیشروی دروازه

حرف زد و گفت بعد از آنکه در فصل
خزان، محصول زمینها جمع آوری
گردد، حقوق خود را از خراج گرفته
به شهر هرات خواهد رفت و برای
خودش و دلدار لباس خواهد خرید
دلدار درباره مطالبی که راجع به بازار
هرات و کالاهای گرانبهای آن از
کهنسالان شنیده بود، پرسشهایی
نموده از سلا نکول با اینکه به شهر
عظیم هرات پیش از دیوار (آنهم برای
مدتهای بسیار کوتاه) نرفته بود،
در باره تکه های کشمیری، ابریشم
های چینی و دیگر قماشهای که
سوداگران بفروش می رسانند،
قصه های مفصلی نقل کرد. قلب
هر دو از شادمانی و امید مالا مال
شده، اندوه و مشقات، زندگی و
نابسامانیهای روزگار را از یاد برده
بودند.

بزرا در همانجا گذاشته، بخاطر
صرف غذا عازم خانه شدند.
ارسلا نکول پانزده بیست قدم جلوتر
حرکت کرد. همینکه دلدار به حویلی
نزدیک شد، چشمش به توغان
بیک و ریش سفید قرینه
که روی شال، در زیر درخت نشسته
بودند، و برخی از مردم دهکده
افتاده که ترسان و لرزان آنجا گرد
آمده بودند، بنابر آن بدون آنکه
بطرف آنها برود، به عقب دیوار
خزید.

فصل چهارم

دسته سوار، بمشابه (طلا یسه)
لشکر، خاک برانگیخته حر کشت
کرد.

حسین بایقرا از دروازه (باغ
زاغان) تازان براسب، باو قار و -
متانت خارج گردید. لوازم تجملی
گرا نیهای که در پیرا ستن لباس
هایش بکار رفته بود در برابر لوازم
واسباب تجملی اسپ قیرگون
برصلا بت او، چندان مایه تعجب
نمیگردید. حسین با یقرا که در -
زمره سلاله تیمور به شمشیر زنی
شهرت داشت، جلو توسن خود را که
باجوین لبام سیمین بیتا با نه
کام بر میداشت، محکم بدست
گرفته باوضعی بها درانه، روی زین
قرار گرفته بود. از عقب او بیکها،
سر کردگان، اقارب و اعضای -
منسوب بخاندان سلطان، مقرر بان
و مصاحبان حضور و همچنان تو
جوانان (زیبای) منسوب بخاندان
های بزرگ خراسان که زینت بخش
سرای و مایه حشمت و شکوه مجالس
ضیافت ویزمهای خسروانه بودند
کلاهای نفیس گرانبها بر سر،
چکمنهای ماهوت دربر و کمر بند
های گران قیمت بر دور کمر، دسته
دسته بر اسپهای شوخ و سرکش
قرار گرفته بودند.

دسته ای از قراولان از پی هم دویده
تازیانه های خویش را در هوا به
حرکت در آوردند و با این وضع،
حرکت سلطان را ابلاغ نمودند. آنها
راهگزان سوار را از اسپ و مرکب
فرود آورده پیاده ها را به دیوارهای
دوطرف کوچه می چسباندند. -
عابرین تاب خود حرکت دهند، ضرب
تازیانه را بر سر و دوش خود احساس
میکردند و داگرا نازدگانها بر
آمده، دستها را باو قار و متانت
روی سینه نهاده، وصول سلطان را
انتظار میبردند.

طلاب علم در عقب مدرسه
«گوهرشاد بیگم» زیر رواق بلندی
دسته بزرگی را تشکیل داده بودند
آنها درباره یادگار میرزا که در تواجی
استرا با، بخاطر بدست آوردن
تاج و تخت، علم عصیان بر افراشته
بود، حرف میزدند و راجع به اینکه
او کیست، از کدام خانواده است و از
چه راهی به تیمور می رسد، بجهت اگر
میرداختند و نام شهنشادگان زنده و
مرده، نامور و بی نام و نشان را بنیان
می آوردند. سلطان نمراد وزیرالدین
بالایراد لطایف و سخنان هزل
آمیز، بعضیها را غرق در خنده
میساختند. درین موقع قراولان حوالی
خشمگین تازیانه خود را در هوا

شماره ۲۵ و ۲۶

چرخانده بادیده و تخیر از آنجا
عبور کرد. زین الدین بصدا یسی
نسبتا بلند گفت:
هیچکس رانزد خود نکند اشتی.
این دو شاخ گاو، اگر خر داشتی
دوستان لحظه ای لبها را گزیده
خاموش ماندند، اما همینکه قراول
بدون درک مفهوم کنایه آمیز شعر
از آنجا دور شد، از لبان بسته آنها
موجی از خنده قهقهه برخاست.
سلطان نمراد به شانۀ دوست خود زده
گفت: (اگر تو وجود نمیداشتی درین
زندگی پر از ناملایمات، خنده را
کاملاً فراموش میکردیم.)
همینکه موکب حسین بایقرا -
نزدیک شد، تمام طلاب علم دست بر
سینه نهاده، بعنوان احترام خم
شدند. چون سلطان نمراد سر خود را
بالا کرد، موکب از آنجا فاصله گرفته
بود.
چشمش به نوایی افتاد. نوایی
در حالیکه جلو اسپ راملازم در دست
گرفته بود، بی اعتنا به اینهمه شکوه
و دیده، مثل اینکه مانند همیشه

قلیش دستخوش الهام و اندیشه
باشد، با خواجه افضل شاعر شیخ
سپیدی و کمال الدین حسین گزر
گاهی، در یک صف مردان بود.
شاعر در برابر طلابی که او را
استقبال مینمودند، با چشمانی که
نور شادمانی و محبت از آنها میتافت
التفات صمیمانه نشان داد.
طلاب در صحن سنگفرش مدرسه
داخل گردید، نا پدید شدند. سلطان
مرد به حجره درآمد، اما علاقه ای
بقیه در صفحه ۵۶



خه شى بايد و خورواو كوم غذايې مواد زياتره تاسو ته انرژي دركوي؟

محيط دتو دوخي درجه هم داسي تنظيمه شي چه تودوخي ياسرو ته دسانتيگراد ۱۸ درجي په كوته كېښي او ۲۷ درجي تودي كهواري، بياهم دژوندې پاتي كيدو دپاره دتودوخي ۱۶۰۰ لوني كالوري ته اړتيا لري چه بايد هغه دغذا لهسوخيدو څخه تايمينه كړي. لويه كالوري دتودوخي هغه اندازه ده چه وكولې شي ديوه ليترو اوپو دتو دو خي درجه لوړه بوزي. مگر له دې امله چه انسان تل دكار او فعاليت په حال كېښي دي، ددغي اندازه نه زياتي كالوري ته اړتيا لري او البته هر څومره چه دفعاليت اندازه زياته وي، زياتي غذا ته به هم اړتيا ولري. داسي اټكل شويدي چه دهغه چا دپاره چه او يا كيلو گرامه وزن ولري اود ميز ترشا فعاليت ستره ورسوي ميلا ماموروي، په ۲۴ ساعتو كېښي دوه زره څلور سوه كالوري كافي ده دكالوري دغه اندازه دغذايي درې اصلي موادو يعني غوښې(پرو تين، قندي موادو، چودي، قنده، مربا او عسل) اوغورمو موادو (حيواني او نباتي غوړو) څخه لاس ته راځي په دې معني چه دهغو له سوزيدو څخه لازمه كالوري لاس ته راځي

ددې دپاره چه وكولاى شو دبدن دپاره دپرتيا وړدغذايي موادو اندازه چه هره غذايي ماده يې منځ ته راوړي لاس ته راوړو بايد دكالوري اندازه مشخصه كړو. يو گرام قندي ماده اويوگرام پرو تين څلور كالوري تودوخه توليدوي، مگر يوگرام غوړ كالوري يعني دهغو له اندازه نه دوه چنده زياته تودوخه توليدوي. له دې امله پوهيداي شو چه ولي غوړمواد دزيات چاغوالي اغيزه لري.

دسوخيدو په وخت كېښي ددغي تودوخي يوه اندازه له منځه ځي او په دې وجه په سلو كېښي شل بايددغذا زياته شي ترڅو دكالوري لازمه اندازه لاس ته راشي. بايد وبهيدل شي چه دغذاگانو ترمنځ بايد مشخص نسبت موجود وي په دې ترتيب چه په سلو كېښي ديارلس كالوري له پرو تينو څخه، په سلو كېښي يوويشت له غوړو څخه او په سلو كېښي شپيته له قندي موادو څخه تهيه شي.

په دې ډول وينو چه د انسان دبدن دتودوخي دانرژي دوه دريمه برخه ژوندون

دسلا متيا يوه نېټه اود غوړو ډوډيو څخه غذا نه پيژندله او په حقيقت كېښي يې غذا نه خوړله چه ژوند وكړي بلكه ژوند يې كاډ چه غذا وخوري مگر نن ورځ دتغذوي ناروغيو په زياتوالي پيژندلو سره، ددغي وضع پته نشته او ځلك له غذا څخه هغه څه غواړي چه ددوي روغتيا ته زيان ونه رسوي اومونډ ددغي علمي څيړني په ترڅ كېښي هغه څه چه پوهيدل يې دهرچا دپاره

په پخوا وختو كېښي ځلكو دغذا دكيفيت سره علاقه نه نه بودله او يوازي كميت ته يې اهميت وركاؤ. چاغوالي دسلامتيا يوه نېټه وه اود غوړو ډوډيو څخه يې پرته بله غوره غذا نه پيژندله. مگر نن ورځ د تغذوي ناروغيو په زياتو پيژندلو سره ددغي وضع پته نشته او ځلك له غذا څخه هغه څه غواړي چه ددوي روغتيا ته زيان ونه رسوي. څيړنو ښودلې ده چه انسان هره ورځ دخپل هريو كيلو گرام وزن دپاره يونيم گرام پروتينو ته اړتيا لري چه بايد نيمه برخه يې لهحيواني پروتينو څخه اوپاتي نيمه برخه يې نباتي پرو تينو څخه لاس ته راوړي.



دښه ژوند شرط دبدن روغتيا او سلامتي ده

دروستيو كلو كېښي دغذا نقش په روغتيا راوستلو ياد ناروغيو په منځ ته راوړلو كېښي ښه ترا څرگندشو او اوسني انسان پوره پوهيدلې دي دې چه دښه ژوند شرط دبدن روغتيا او سلامتي ده او كه څوك نن ورځ په ميالمستيا گانو كېښي غذا خوړلو څخه ډډه كوي، دمړښت له امله نه بلكه له دې كبله دي چه پوهيږي مثلا دوينو كلسترو ل يې زيات دي او بايد پرميز وكړي.

په پخوا وختو كېښي ځلك دغذا كيفيت سره علاقه نه نه بودله او كميت ته يې اهميت وركاؤ، چاغوالي

په ښكته او ابتدائي سطح كېښي ژوندې موجودات، له مختلفو موادو څخه تغذي ته اړتيا نه لري، مثلا وابښه يوازي معدني موادو اود هوا كاربونيك گاز ته اړدي او مكروپونه يوازي له قند څخه تغذيه كوي. زياتره حيوانات كوم شي چه دبدن دپاره يې ضروري دي پخپله جوړوي، مگر انسان چه دمخكي دمخ ډيسر بشپړ موجود دي، دغه قدرت له لاسه وركړي اوزياتو موادو ته اړتيا لري چه بايد له غذاگانو څخه يې لاس ته راوړي. كوم شي چه انسان غذا خوړلو ته مجبوري، لوړه ده چه په دې وسيله انسان دانرژي د تهيه كولو دپاره لازمه كالوري لاس ته راوړي. لوړه دتښتي په شان هم دبشر دلوړنيو غرايزو څخه ده اودغه غريزه هغه مجبوروي چه په غذا پسې وگرځي او لاس ته يې راوړي. په انسان كې غذا خوړل يوازي دبدن په اړتيا پوري اړه نه لري بلكه دجس او عاطفي موضوع هم پكېښي لوي نقش لوبوي. دغذا خوند او پوي اشتيا خلاصوي او عاطفي او روحيي مساييل هم وړ باندې زياته اغيزه لري. په

معدنی مواد :

ددری گونو غذایی موادو نه علاوه انسان معدنی موادو ته اړتیا لری او له دغو موادو څخه دورخی له پنځه څخه تر دیرش گرامو پوری بدن ته رسپیری چه نیمایی مالګه ده او نوریی له پوتاسیم ، گوګرو فاسفور کلسیم او منیز یوم څخه عبارت دی. سابه له معدنی موادو څخه ډک دی چه دپخیدو په وخت کښی یی مالګه آزادپیری. باید وویل شی چه (سودیم) دسلولی بهر په مایع کښی زیات دی او انډول ساتی کلسیم دغڼو کو او غاښونو په جوړښت کښی ضروری ده اود وینو په جوړولو کښی برخه لری اودغه رازدعضلاتو او اعصابو په چارو کښی مهم نقش لوبوی .

هډوکی دبدن دکلسیم اصلی مخزن دی او په سلو کښی ۹۹ دبدن کلسیم په هغو کښی دی او په هغه سړی کښی چه اویا کیلو وزن و لری، اندازه ۱۲۴ کیلو ده. شیدی هغه مهمه غذایی ماده ده چه زیات کلسیم دبدن په جوړښت کښی ضروری ده پاتی په ۵۷ مخکی

ویتامینونه دهغو په وسیله بدن ته داخلپیری او ځینی غوړ اسیدونه د بدن دپاره ضروری ده، خونه ټپایی چه دغوړو په اندازه کښی افراط وشی ځکه چه دچاغوالی اود بدن دانډول دله منځه تسو سبب گرخی په کلی توګه دهغه چا دپاره چه اویا کیلو گرامه وزن و لری دورخی شپږ سوه گرامه غوړ کافی ده چه له دری څخه یوه برخه یی باید حیوانی اودوه نوری برخه یی نباتی غوړی وی. دغوړو موادو اندازه په غذایی موادو کښی په سلو کښی ۸۳ پیوری په سلو کښی ۸۳ دمارګرین غوړی، مستی په سلو کښی ۱۰۵ بوخ په سلو کښی پنځه دیرش پیور په سلو کښی دیرش نباتی اوزیتون غوړی په سلو کښی ۹۹ پسته په سلو کښی شپيته غوړینه لوییا په سلو کښی اتلس ده. په دی ډول پوهیدای شو چه دانسان دپاره دورخی ۲۵ گرامه پیر وی (حیوانی غوړی) او څلو ویشتم گرامه نباتی غوړی کافی ده، حال داچه په اوس وخت کښی زمونږ لګښت له دغی اندازی څخه ډیر زیات دی .

سلو کښی لس ځیګر په سلو کښی یو ویشتم خاویار په سلو کښی شپږ دیرش، دهکیو ژپ په سلو کی شپاړس اوسپینه یی په سلو کښی یولس، مستی په سلو کښی ۳۵، شیدی په سلو کښی ۳۵، پیور په سلو کښی له ۸ څخه تر دیرش پوری اوکب په سلو کښی له شپاړس څخه تردیرش پوری پروتین لری. له نباتی پروتینو څخه، غوړه لوییا په سلو کی پنځه دیرش، لوییا په سلو کښی ۷۵، وریجی په سلو کښی ۷۵ او نوری دانی په سلو کښی ۱۰۵ پروتین لری. نو ځکه انسان باید دورخی ۲۵۰ گرامه غوښی اولبنیات او هګی او ۲۵۰ گرامه لوییا اونور نباتی پروتینو ته وخوری. باید وویل شی چه په هکیو کښی موجود پروتین ډیر بشپړ ډول پروتین دی چه دبدن اته ډوله ضروری امینو-اسیدونه پکښی شته .

قندی او غوړ مواد :

دانسان ډیره مهمه غذایی ماده ، قندی مواد دی چه د انسان دپاره ډیره ضروری ده. ددغی مادی اهمیت له دوه پلوه دی یوه دبدن دپاره د ضروری تودوخی دتامین له پلوه او بل داچه دهغو مصرف ددی سبب کیږی چه زیاتو غوړو موادو له سوخیدو څخه مخنیوی وشی. لکه چه وویل شو دهغه چا دپاره چه دمیز ترشا کار کوی ، دورخی دری سوه پنځوس گرامه گلو سیدی مواد لازم دی چه په حساب سره له دغو موادو څخه یی لاس ته راوستلای شو- قند په سلو کښی ۹۸، مربا په سلو کښی ۶۰ تر ۷۰ پوری، عسل په سلو کی اتیا، غله په سلو کښی پنځه اویا، ډوډی په سلو کښی پنځوس، وچ سابه په سلو کی شپيته او پټاتی په سلو کښی شل گلو سید لری. له دغه امله سړی کولای شی چه دورخی ۷۰۰ گرامه ډوډی یاد گلو سید په حسابولو سره نور مواد وخوری .

دغوړو موادو په باره کښی ځینی کسان داسی عقیده لری چه باید غوړی له یوه سره له غذا څخه لیری کړی شی. حال دا چه دغه ډول فکر سم نه دی داځکه چه غوړی په بدن کښی دزهره په ضد اغیزه لری او سربیره به دی لږه اندازه یی زیاته کالوری تولیدوی او له ټولونه مهم ټکی دادی چه په غوړو کښی محلول

له قندی موادو څخه لاس ته راخی اوانسان دکار اوفعالیت دپاره په لومړی درجه کښی ډوډی اوغلی دانی ته اړتیا لری. قندی مواد په بدن کښی د(گلیکوزن) په شکل په ځګر او عضلاتو کښی ذخیره کیږی. وایل کیږی چه د انسان دبدن د(گلیکوزن) ټوله ذخیره څه ناڅه دری زره کالوری تودوخه تولیدوی چه تقریبا دیوی ورخی دپاره کافی ده او که څوک له یوی ورخی نه زیات وږی پاتی شی بدن خپله اړتیا له خپلی غوړی ذخیرې څخه تامینوی نوځکه هغه مامور چه زیات جسمی فعالیت نه لری د ۲۴۰۰ کالوری دلاس ته راوړلو دپاره ۳۵۰ گرامه گلو سید سل گرامه پروتین او اویا گرامه غوړینو موادو ته اړتیا لری. مګر دبدن اړتیا یوازی کالوری ته نه ده یعنی یو انسان نشی کولای چه یوازی ډوډی یا غوړو موادو په خوړلو سره متعادل ژوند ولری، له همدغه امله په غذاکی دتنوع مراعات باید وشی .

انسان غوښو اونورو پروتینی موادو ته اړ دی ځکه چه دبدن نسجونه لهمدغی مادی څخه جوړ شویږی او په دی وجه دهغو دجوړښت او ترمیم دپاره اودغه راز دانتی کور جوړیدو دپاره چه دغونتنو په مقابل کښی ددفاع دپاره لازم دی، باید دورخی یوه اندازه دغه ماده وخوړله شی. باید وویل شی چه ټول پروتینونه یو خاصیت نه لری اود اسید امینو له پلوه یو ډبل سره توپیر لری. د انسان بدن دوه ډوله پروتینو ته اړتیا لری. یوه یی هرډول پروتینی چه په ځینو هغو امینو اسید ونو ماده او بل یی ټاکلی پروتینی ماده پوری اړه لری چه د انسان بدن یی دجوړولو توان نه لری، حال داچه موجودیت یی ضروری ده.

ځیرنو بنودلی ده چه انسان هره ورځ دخپل هریوه کیلو گرام وزن دپاره یونیم گرام پروتینو ته اړتیا لری چه باید نیمه برخه یی له حیوانی پروتینو څخه او پاتی نیمه برخه یی له نباتی پروتینو څخه لاس ته راوړی .

له پروتینو څخه ډک مواد په طبیعت کښی زیات دی. مثلا دپسه غوښه په سلو کښی اوولس دخوسی غوښه په سلو کښی اتلس، دوری غوښه په سلو کښی څولس، چرګوړی په سلو کی یو ویشتم، دغوا او پسه ماغزه په



انسان غوښو او نور وپرو تیشی موادو ته اړ دی ځکه چه د بدن نسجونه همدغی مادی څخه جوړ شویږی .

خوادیخوانل .
یو پریډګی راغی وروږو یی دلندی شیبی
له پاره څه ورته وویل اوبیا ولاړ . (سپین)
خپله خوله واخسته اوله قشلی څخه ووت .
ورو وروښارونه نژدی شو . په ښارګی دمازیګر
اوبانښام ترمنځه خاص ګڼه ګوڼه وه . ښار
خپل همیشنی نظم درلود . دهری ورځی په شان
همغه حال و . دموترو نه پریکېدونکی او پرله
پسې تګ اورانګ ښاري وه . هغه ورو د
کافی له وړه نه تیرشو اوباس په زیتو کی
وخت . هماغه ورننوت نوی (پتمن) ولیدچه
له یوه بل ملګری سره چه (سپین) دلومړی
خل له پاره لیده هلته ناست وه دواړو ملګری
دریشی کانی په شانوو کی وی .
دهغوی خواته کیناست غلی وه .

له یوه نه هم غرنخت . پری هندي سندری
دکافی په فضاء کی انګاره کوله دکافی شاګردانو
زوزه جوړه کړی وه اوچایونه وچه هاخوا دیخوا
یی وېل په همدی وخت کی (پتمن) وروسترګو
له څنګ نه خپل ملګری ته وکتل . هغه هم
(سپین) ته اودری وایوېل ته . او (پتمن) ورو
(سپین) په غور کی شه وویل سپین ورو تګراړ
کړه :

ورته ووت اوشاوخواته یی نظروغی اوه سپایان
کنه پورته تلل اورانل خونوڅوک یی شکمن
ترنظره ورته غلل . بیرته راغی اوله (پتمن)
سره کیناست ورته وی کتل . یوه له معنی
څخه ډکه کتنه (پتمن) موسکی و . (سپین)
دکت دپاسه یو کاغذ سربیش شوی و . دنمونو
لست و کاغذته یی وکتل دخپل تندی خوله یی
پاکه کړه اوبیای (سپین) ته وویل :

- (نن شپه نوکړی یی)
- (لکه چه وینی ا هوکی نن شپه مسی
واردی ا-)
او پتمن وویل :
- (له شپه مرغه ... تولی دی چمتودی-)
(سپین) له معنی نه په ډک اندازکی ورته
وکتل :

- (هرڅه برابری دی)
هغوی غلی وترخنده پوری اواخی (پتمن)
له خایه پورته شو . دسختی تودوخی نه زوړه یی
خپل په خولولونه خیرت گیس څه واره ډپکی
په دود وڅنده . ټفري یی یخ شو . او سپین
ته یی وویل :
- (مازدیګر دی بیاهم وینم ښایی دشپي
څوڅو واره سره ووینو)

نلری ... اوبیایه خندا شو او (شینګی) په
داسی حال کی چه ډاډورکاوه . ډاکاربه ورکړی
خدای پامانی یی ورسره وکړه اوسپین موثرته
وخت په داسی حال کی چه ټوله لاره یی د
خپل ملګری (پتمن) خیره له نظره نه لرې کیده
له اوپه همدی څورونکو سوچونو سره ښار
ته ورسید . ښارخپل همیشنی نظم درلود .
همغه ګڼه ګوڼه وه هیڅ نه وه پکی بدل شوی .
سخته تودوڅو وه ... همداجه خپلی کوټسی
ته ورسیدنو (څوک) هرکلی ورته وویل او
دواړه ملګری دکلی په کیسو لکیاه شول .
۱۵

هغه سهار (سپین) دهری ورځی په شان
له (څوک) نه خدای پامانی وکړه . او ورته
وی وویل :

- (زه نوولایم اندیواله . ته خوین ته
وځی ؟)
(څوک) ځواب ورکړ :
- (نه ... زه نن بیاهم څم اودخپل کار
پوښتنه کوم ... نه پوهیږم چه غولوی موکه
رښتیا هم کاراکوی .. یوڅیر څو آخلم ...
بیا بیرته کوټی ته راشم ښایی چه نن مسی
ایاه هم راشی ...)

کلی ته راتګ ددی لپاره وچه د (پتمن) په
خپروبانندی پشه ژور فکر وکړی اوخپل دریځ
په روښانه ډول څرګند کاندی .

سپا سپاروختی له کوره ووت . په کی وندو
کی پواځی روان شو . همداجه دی کروندو ته
یی کتل سخته څخه ورغله . ترهغوچه سترګو
یی کارکاوه له پاره ډکو اودنډو وویی توجه
جلبوله له خانه سره یی سوچ کاوه .

- (آه چه ګڼ شمیر خواران پدی کروندو
کی کاراکوی خو په پای کی دلیوانو کلدوان
نورینه ډکېږی ... اوبیایه یی شا ډښتو ته
وکتل اوله خانه سره به یی وویل :

- (که ددی هیواددخوار اوسپیرو انسان
له ښونه داچارمیځ بندوته وسپړل شی له
دی شاوډښونه به خانو نو ته چنست جوړ
کړی ...)

دسپارون پسته هوا ډیره پشه یی لکیدله .
ورورور دکروندوپه منځ کی روان و له بزګرانو
سره به یی خبری کولی اوپه هاخوازی سره
به یی دهغوی خپروته غوږلیوه ...

همداجه بیرته کلی ته راستون شوپوشمیر
ماشومان یی ولیدل چه په خاورو کی لوبی

کړی . سخت وپارید له خان سره یی فکر
وکړه .

- (آه ! دغوماشومان په څیروملیون هاو
خوارواوسپیرو ماشومانو دژوند په پیه ده چه
یوه کوچنی ډله ما شومان په وکتونو او
روزنتونو کی سره اوسپین ګرځی او لوبی
کړی ... او داخواران دولی - بندمرغی -
ناروغی اولیستی دڅپېوله لاسه په مرګ
محکومان دی ...)

اوله همدی تاثرانو سره دخپل کور خواته
روان شو . خوهمدا دځانانو دکلاڅ نه تیریده
نودهغوی دیرجوری کلاډیوال یی ولید چه یوه
زوره چاوده پکی پیدا شویده اودهغی په
کنده موسکی شوه .
۱۶

دچنگاښ دمیاشتی وروستی ورځی وی .
اوددغی میاشتی وروستی لسیزی په لومړی
ورځ وچه (پتمن) خپل لاسی پکس وټاړه او
همداجه سبا نازی یی وکړ نوی پلارته مخ
واړه . او ورته وی وویل :

- (پلار دعاراته کوه ... ژوند په یوه حال
نه وی ډیری هسکی ټپتی لری - مرګ اومړینه
لری اوداسی نورنوهیله ده چه په هره دوعا
کی درپه یاداوسم)

(سپین) پلارچه یوسپین روی مسری و
لدی خبری نه په رقت راغی وی ډول اورنی
اوبشکی یی په سپینه ډیره تو ی شسوی .
(سپین) هم زړه ودریددو مری یی دکه شوه
موری هم یوګودته ولاړه وه - هغه هم په
ژواشو . (سپین) ته یی پلارترخنده دوعا وکړه
اوبیا هغه کورشو چه دپلارپښی ونیسی . خو
پلاری پری نشود اوپه تندی یی ښکل کړه .
دمور پښتو ورپیت شو دهغی پښی یی مخ کړی
بیای دخیلو څوډواو خپلو ورو نو هغونه
ښکل کړل .
پلارته یی وویل :

- (بیاهم پښته درته غواړم پلاره ! موری!
ماوینی ... هیله کوم ماوینی اودوعا راته
ورکړی)

هغوی ډول اودوعای یی ورته کولی . او
پدی توګه یی له ټولوشځه خدای پامانی وکړه .
اوهمداجه له کلی نه لېږه لری شو نوی
خپل ترپورته چه ورسره راغلی و وویل :

- (شینګی) ته خو پوهیږی چه ژمون ترهغونه
پیل شوی دی مونږ په پراشوت کی له الوتکی
نه شانونه اچوواودامون ډیر سخت تمرینونه
دی وپل کپړی ته مرګ اومړینه شته په
همدی لنډوورځو کی ښارته راشه وروله مسی
واړه دی اواکاری هم پوداشوی ... که څه
پښه په مایانندی وشي چه بیانه یوڅو خبروی .
دترپوری هم مری دکه شوه .. خوداډینه یی
ورکړه اوورته یی وویل :

- (خدای دی نکړی (سپینه) داته له سهاره
راوسی دمرګ اومړینی خبری کوی ... خدای
لوی دی)
- (ویل کپړی نه وروړه ژوند شه اعتبار



- (انقلاب ا)

اوموسکی شو .

دشپي عمومي نوم انقلاب ټاکل شوی و .
دهغی شپي نوم چه په خپلی توری او پوله
ویری اوحادثونه ډکی کیدی کی یی یومستر
بدلون روژه ...

سپین خپله چټک نسمه کښله تپل و
دشپي جنازه ووتله

او نیمه کړی وروسته هغوی له کافی څخه
راکوز شول وروستی سپارښتنی یی یو بل
ته سره وکړی او هر یو چه خپله مخه روان
شو .

نولس بجی وی چه (سپین) بیرته قشلی ته
ستون شو . سبا یانو تو لو ډډی مودی وخوړه
او کاغو شو ته ولاړل .

(سپین) په ژورو سوچو نو کی ډوب دتولی
په دایره کی ناست و . سخت پاریدلی اوهیجانی
و . هره دقیقه دیوه کال په شان یی تیرید له .
دهغه فکر هغه متر هدف ته متوجه و چه نن
شپه باید ترسره شوی وای هغه هدف چه د
یوولس دسر نوشت دبیر مخه یی بیخی بلی
خواست اوبوله په قشلی باندی درندی چوپتیا
وژونه خپره کړی وهغه همداسی ناست و
اوپه خپلو ناپایه چو توکوکی ډوب و . هماغه
برید کی چه مازدیګر ئی هغه احوال راوړی وه
راغی موسکی وار یوه تو ته کاغذیه دخیرت
راپور پری لیکلی شوی ودهغه مخی ته کښود
(سپین) هم موسکی شو په پته خوله یی خنل

داکسه چه سرله همدی ګڼی څخه یی خپریدل پیل کړی . دژاوه نظام دټنګدواو
دیوه نوی دوران دجوړیدو نیم روڼ تصویر دی . هغه ولس ته چه لهوڅیرستانه هیثی سره وړاندی
کړی چه نن سبابی دویار او انقلاب پرتمنه چنده رسیری او رپیری ، او بیا هم هغه
ولس ته وړاندی کړی چه دانقلاب مشر اوسر غندولی یی دژوند او پریو نوو نوو
افقونو ته لارښوونه کوی ، او بالاخر دجمهوری انقلاب مشر ته وړاندی کړی ، هغه چاته چه
دهیلو سپین لالزی ژمون دولس په زړه کی وکړل .

الف ، الف

یادونه: پدی کیسی کی ټولی صحنی اونومونه دلیکوال دخپال محصول دی .

(سپین) سروڅر څاوه اونورزی هیڅ هم
ونه ویل . اوقشلی هماغه همیشنی غمجن
نظم درلود (سپین) بیرته په شای پریوت .
د (پتمن) راتګ هغه هم ویرولی و او هم
پارولی . هغه له خانه سره فکرونه کول .
اوراندیشته یی داوه .

- (خدایه ماته توفیق راوبښی هغه درنه
وظیفه چه راله غاړی ده برله ویری پرته له
له جینه اوپه ډیره میرانه سرته ورسوم)
له کړکی نه یی بیرته وکتل . سپایان
همافسی تلل راتلل . یویو متصدار هم
تیریده . خو (سپین) په ژورسوچ کی ډوب و .
(پتمن) یوه شپیه هم دهغه له نظره نه
لری کیده اوهماغسی یی په ذهن کی ... ترهغو
چه دمازدیګر ۱۸ بجی شوی ..
۱۶

له خپلی کړتی نه ووت . پرته له (سپینه)
یودوه نورمتصداران دقشلی په انګر کی ها

او (سپین) له کوټی څخه ووت خوشدازده
چه ولی یی په ډیره تودوڅه خدای پامانی
ترینه وکړه په ژورو چورنو کی ډوب تر
خپلی قشلی پوری ورسید . همداجه دقشلی
له ورته تیریده هری ورځی په شان ټک شو
اوپیره دارسلامی ووهله . (سپین) لاس پورته
کړ دخپلی خولی ترپیکه یی ورساوه اوسلام
یی واخیست اولیمه کړی وروسته یی ټولی
دتلیم له پاره میدان ته بوت ..

ټکنده غرمه وه چه سپین ټولی بیرته له
دکرته راوست سپایان ددوی خوراک له پاره
لاړل اوهغه هم خپلی کوټی ته راغی . یوه
شپه په خپلی بختی باندی اوبوڅرزیسه .
په سترګو باندی یی دخوب لښکر یرغل
وروی وچه دوره غرڅوخیله خولی یی په مخ
باندی ایښی وه خوله یی لری کړه اومترګی
یی په (پتمن) باندی ولګیدل . ژړپاشید او
روغی یی ورسره وکړه همداجه (پتمن) په کت
باندی کیناست او (سپین) له شایه پاشیدله

اورید کی ته یی وول :
(سپین؟)

اورید کی چه په خو نو کی لوند خشت
وه ورته وویل :

(تر اوسه خو بیخی خبریت دی)
(عجب خبریت دی)

اوبیا کی دمیولی خیر کرښی بیرته چدی شوی
خپل غټ سرلی چه دکوی وینشان یی نوی
شوی و په لاسونو کی ونیو اوبیا په سوچ کی
دوب شو . خپلی کړی ته یی وکتل ۲۱ پیچی وی
وی پرید کی ته یی وکتل اوبیا یی وروڅه ورته
ویل هغه پورته شو . دواړه پښی یی سره
وکتولی سلام یی وکړ و د تولی له دایری نه
وکتولی سلام یی وکړ و د تولی له دایری نه
دوت لجه کړی یی خپل سرد خوکی په پشتمی
باندی لگولی و . اوهیدا سی خوب ووی وسخو
همدا چه دوره ترک شو نو بیرته یی سترگی
پرانستلی برید کی مخی ته ولاړ و .

دیرید کی که خبری ته یی هیڅ نه موه لوستلی
درویی هغه ته وویل :

(سپین) بیا هم خپل سر په خوکی ولگاوه
و چه خپلی کړی ته یی وکتل نو پوره خلونیت
بجی وی .

په همدی وخت که (پتمن) راپیدا شو
هماغه ملگری ور سره وچه مازدیکی یی په

د (۱۵) دقیقو په اوږدو کی پایی ته ورسیده
اودهغه میولی او غر خنی تولی ولیږدیده
خوشییبی وروسته یی له (پتمن) څخه وروستی
سپارښتی وای ریدلی او په خپله مخه روان
شوښار په ژوره چوپتیا کښی ډوب و . که
څه هم دیونیم مو تر په تیریدو په دلنوی
شیبی له پاره دا چوپتیا ماته شوه هرڅه

دتر وړمی په ژبه کی خوندی او غلی وو .
تولو افرادو په لاسو نوکی لټه کی توپکونه
وو او هغوی په ډیره ژبه ورتیاداسی حال
کی چه سخت پاریدلی او هیجانی و دخیل
هغویخوا شغستل . ستر واو شکد ودانیو
په توره تروپمی کی قدونه ایستلی وو . او
دغو غر خنیو خلیمیانو چه خپل سرورنه دخپل
ولس دسر نوشت داپولو لپاره په لاسونو کی
نیولی وه ددغو ښکلو ودانیو دزیوالو نوپه
سیوری کی حرکت کاوه اومخ په وړاندی
خو خیدل .

(سپین) یواشی دوه دقیقې وخت وموند
او خپلو افرادو ته یی دا وروستی بولی ورکړ .
پرته زما له امره دهیجا امرمننی او
آجرا وړندی ده مو لو مړنی امر یم . هرڅه

خبازه ووتله

کافی کی لیدلی ددواړو ملکی ددیشی گانی
په څانو نو کی وی .

خو شیبی سره وگریدل اوبیاسپین پداسی
حال کی چه سخت هیجانی او را پاریدلی و
له ځایه پاڅیده سترگی . یی سری اوښتی
وی . خپله خوله یی په یی په سر کړه دخپل
مو زوتسمی یی وتولی او دتولی له دایری یی
په وتلو کی برید کی ته وویل :

(ته له ما سره راشه)
دواړو دشیبی په تبه تیاره او چوپه جوړتیا

کی دسلاح کوټ خواته مخه کړه . .
سپین خپله چټک ترمه کلکه تړلی وه .
هری خواته یی دحوسمی په شان تو پکی وهلی

اوپه خبه مری یی بولی ور کولی .
هله ژر شی . . شاپس . . دتولی کاتب
څه شو . ور غر کړه . ژر ژر . . نور څه شول
تا څو څار جوړه واخیستل . ورشه . تیار
یاست ؟

اورید کی دهغه هر بولی تر سره کول
اوه امر یی ماته . تر څوهغو چه ټولو ته یی
له سلاح کوټ څخه وسله وویشله . . اوچه
وروستی سپارښتنی یی خپلو افرادو ته وکړی
بیایي د لیردولو بولی ور کړه .

عملیات پیل شوی وو . دشیبی عمومسی
نوم انقلاب و . دسپین ژنگونه رپړیدل اوژبه
یی په چټکی سره تو پکی وهلی . ټول کارونه

دهغه له بزدلی او ویری نه ډک غر و اود
هغه چاله مری نه اوریدل کیده چه باید
چکری په میدان کی یی دیرغل او برید بولی
ور کړی وای !

نوشییبی بیا هم چوپتیاوه (سپین) پمیر
خیر سره وضعه څارله . .

هغه وک چه باید دوی نیولی وای ورک
وو . داسی ښکاریده چه دکور هستو گنی
تول مړه شوی وی . دمرگ چوپتیا خبره وه .
افرادو یی دپریشنا سو چونه لگولی وو . مانی
په را کی ډوبه وه . خو دهغی دهستو گتوڅه
پته لکیده . . په همدی وخت کی چوپسی
چوپتیا خپل ځای یو غریو ته ور کړی . . .

هغه غر او غوراته چه (سپین) غوږ په اواز
اومتظرو دښار په ژبه کی هلهته چه کلونه
دخلکو سر نوشت ټاکل کیده او هلهته چه
برجلونو گنتی یی دخلکو ژږونه رپړدول یو

پولادوزمی موجود . یو قهرمان ټانک په
غوریدو وو . دی غر (سپین) په ژبه کښی
دهیلی او امید زری وکړل . مو سکبی شواو
روانه وه . په یوه حرکت سره یی ځان له
دیواله نه ها خوا دورغاوه . برید کی لا ولاړ و
او ورپسی دوه درېو تکره افرادو څانونه

.....

دخپلو ساوو غرونه اوریدل . خو دقیقی تیری
شوی ور خلاص نشو یوه بجه او شپږ دیرش
سپایانو په تبه تیاره کی دسپین امر ته
دقیقی وی . ناڅاپه دعافی له منځه وریکست
پورته شو .

دخدای یار دی . . خلکو راورسید یی چه
هغه دی داپه راویدلی ده .

سپایانو په تبه تیاره کی د سپین دمیولیو
غوږ نیولی و خوب او خوب شو پوخو ته
پولیسان د مانی خواته په خفاسته شول . خو
دسپین دمیولیو افرادو په یوه حرکت سره
ونیول داسی چه غرونه یی په مریو کی خبه
شول . . .

اوغنی هما غسی اوریدل کیده .
بیایي برید کی ته څه وویل . هغه خپل لندکی
تویک په لاس کښی کیچکود اودیو وپړیدلی
بودا خواته چه په یوه گوټ کښی ولاړ و او
رپړیدیده ورغی . هغه ته یی ورو څه وویل .

خو بودا په زاریو او ټناتو پل وکړ اوهم
ددی ویل .
چه ولاکه راته معلوم وی . . نه می دی

.....

لیدلی کته درښوده می . .
برید کی چه ولیدل له بودا څخه څه نه

پوتیری توپنه روان شو . خوشییبی وروسته
(سپین) هغه موجود مخکی کړی وچه چیچی

ناری او سوری یی وهلی هغه بزدل اوډارن
مو چود چه گمان کیده دچکری په ډگر باندی
په دهبود دساتنی پخاطر دچکری بولی ور

کوی . . یوچټک اوپنم سری په داسی حال
کی چه دخوب کوټ یی په ځان کی و اوله
بنيان څخه یی غټنود وازدو او غوږپو په

ستیدلی سمندر کی ښکاریده . جو جوری یی
له ویری نه رپیده او د شټ گونځی یی سر کوږ
ښوده . . . هغه سخت ډاریدلی و . (سپین)

خپل لندکی تویک دهغی شاته لمبر کړی و و
دسری پښی ایله پښی وینی شوی وی او
لاسونه یی پورته نیولی وه پرله پسسی
غلرونه اوسننواکی کول . . خود سپایانو

چرت یی خراب نه و (سپین) دیوژبه ور
تومانندان په څیر بولی ورکولی . خپل افراد

افراد وروستی ځل لپاره په خپلو وظیفویوه
کړل . اوبیا یی خپل پنه غنیمت په موتر کی

کښیفاوه چه دلولی سرنو شت خواته یی یوڅی
هلهته چه ترهغه وروسته به دایقلابی محکم

هلهته چه ترهغه وروسته به دایقلابی محکم
حکم ته سترگی په لاری وی اود خپل کلک

وچندان غشی به هره شپبه خوری .
دښار په ژبه کی هغه قهرمان ټانک هغه

پولادین موجود لاهما غسی غوریده اودمړود
ښار چوپتیا یی داپه لپاره ور ماته کړی وه . .

هو داپه (سپین) خپل غنیمت دمقصود
دپلور ټپوه نویی یو وار پام شو هلهته دوات

په خواکی هغه قهرمان ټانک ولاړ و اوچه
دوی ورسیدل نو هغه خپل تاریخی گوزارد

شبی په ژبه کی داستبداد په ژبه باندی وکړ
اودهغی ماننی ژبه یی سوری کړی چه خلک

سپین په تیاره کی موسکی شو اوبیا
یی له کتو نه وپړیدل . .

یی موتر تر هغو چه کیدای شو چټک وویشت
دښار له هری خواته ډزی اوریدلی کیدی هغه

سپین خپله چټک تسمه کسه تړلی و
هسکه مانی وه وروونه او کړکی یی تولی

.....

.....

.....



اوریدل کیده هم سپین اوهم سپایانو یواشی
مانی په تروپمی کی ډوبه وه . غر او غوږ نه
له لویو لویو هیندارو نه جوړی وی . .

دخدای یار دی . .

چه زه وایم هغه به تر سره کوی .
او سپایان په خپلو وظیفو باندی ځای
په ځای کړی شول . . (سپین) ژبه بیسا

هم توپکی وهلی یوه سری خوله یی په تندی
دخدای یار دی . .

بر فراز قلل شامخ تندوکش هندو کش

بیرق جمهوری

کوهنوردان :

توقع داریم که یکی از قلل بی نام
هندو کش بنام ۲۶ سر طان مسما
گردد

در بلندترین نقطه کوه تفاوت
درجه حرارت میان شب و روز
(۶۰) درجه بود



در موقع برافراشته شدن بیرق جمهوری ما
باد شدیدی میوزید

بود چنین به سخن آغاز کرد:

عیات ۲۴ نفری کوهنوردان کشور
حکوسلوواکیا افتخار دارند که در او این جشن
جمهوریت افغانستان با مردم کشور دوست
خویش در سرود و شادمانی شریک و پلان
کوهنوردی را که پنج سال قبل طرح شده بود
در معرض تطبیق قرار دادیم.

این گروه کوهنوردان در اکثر کشور های
جهان و در کوه های مشهور جهان به این عمل
مبادرت ورزیده و آنها را موفقانه فتح کرده اند
فتح قلل شامخ هندوکش که از نظر ارتفاع
در جهان بدرجه سوم قرار دارد و یکی از
مشهور ترین کوه های جهان بشمار میرود
و تقریباً همه او را می شناسند از آرزوهای
دیرین ما بود که با این فتح امروز خود را
موفق تراز بیشتر می بیندیم.

پلانی را که ما پنج سال قبل به طرح ان
آغاز نموده بودیم درین سفر بدون آنکه کدام
سنگینی در پلان وارد و یا خطری متوجه ما

چهره شریک آنها معلوم میشد که اشخاص ورزیده
و جهان دیده ای هستند زیرا هیچ اثر ماندگی
و کسالت سفر طولانی و پر مشقت در سیمای
شان به نظر نمی آمد.

رئیس هیات کوهنوردان در آغاز سخن از

مهمان نوازی و همکاری های مردم و موسسات
که با آنها در راه برآورده شدن اهداف شان
انجام داده بودند تشکر نموده و به معرفی
اعضای هیات پر داخت که به تعقیب ان
یکتن از اعضای هیات که تخصصش در کوهنوردی



کوهنوردان به سوالات هریک از خبرنگاران پاسخ میدادند

چندی قبل کوهنوردان کشور دوست ما
حکوسلوواکیا بغاطر بردگذاشت اولین سالگرد
جمهوریت درین خطه باستانی و بمقتور
اشتراک در شادی با مردم ما پروگرامی را که
سالها قبل طرح آن رویدست گرفته شده بود
به منصفه اجرا گذاشتند و با برقلل شامخ و برآوازه
هندوکش که از جمله معروفترین کوه های
جهان است گذاشتند و در نخستین لحظات
فتح یکی از قلل آن بنام نوشاخ بیرق دولت
جمهوری افغانستان را با سمبول زیبایش که
کحت آریانای کهن را نمایش می کند به
احتزاز درآوردند، البته این قلل شامخ که
در دل آسیا افتاده است گاهگاهی از طرف
کوهنوردان کشور های دیگر هم
مورد دلچسپی و علاقمندی قرار گرفته است ولی
اینبار مثل سالهای گذشته نبود بلکه از راه
های بدان صعود بعمل آمد که تا امروز هیچک
از ساکنان روی زمین را قدرت دست یافتن به
آن نبود، از همه مهمتر اینکه از همان راه های
صعب العبور را همیابی آغاز، پلان منظم
تطبیق و خوشبختانه هیچ آفتی به کوهنوردان
نرسیده که البته این موفقیت کوهنوردان کشور
دوست ما از هر جهت قابل ستایش و درخور
تمجید و یادآور است.

این گروه کوهنوردان قبل از ۲۶ سر طان
وارد کابل شده و بعد از توقف مختصری در
کابل بصوب ماموریت خویش که عبارت از
فتح قله «نوشاخ» بود گردیدند.

که بعد از انجام و کسب موفقیت دوباره
بکابل عودت نموده ضمن کنفرانس مطبوعاتی که
در تالار محمود طرزی کلوب مطبوعات منعقد
گردیده بود این خبر خوش را با همه نکات
تازه و دلچسپ به اطلاع خبر نگاران
رسانیدند که اینک متن کنفرانس مطبوعاتی
آنها را خدمت خوانندگان ارجمند و ندون تقدیم
میداریم

هنوز چند لحظه ساعت سه بعد از ظهر
باقی مانده بود که عده از کوهنوردان داخل
تالار محمود طرزی گردیدند در میان آنها یک
نفر افغان بصفت ترجمان اشتراک داشت از
صفحه ۲۲

نوشته: بلیکا

ما به احترام از در آمد

بلندترین قله ای که درین سفر فتح شد ۷۴۹۲ متر ارتفاع دارد

صعود بر دیوار عمودی به ارتفاع دو کیلومتر مشکلمترین قسمت سفر کوهنوردان را تشکیل میداد



خاطر آتش به گفته یکتا از کوهنوردان هرگز فراموش نشد.

برافراشت. آب و هوای این کوه ها تقریباً (۶۰) درجه و دوازده و شش با هم فرق داشت که شب تا صبح ۴۰- و روز تا (۲۰+) درجه سانتی گراد میرسد. مجموع فاصله از اولین کمپ الی قله نوشاخ در ظرف پنج روز طی گردید و قله «سب سفید» در ظرف ۲۸ ساعت طی شد.

یکتن از اعضای هیات کوهنوردان جکوسلوواکی که تخصصش در بیالوژی است گفت: تا ارتفاع (۴۰۰۰) متر حیات موجود بود مثلاً خزندگان، حتی پرندگان بسیاری مثل کبوتر و غیره زندگی میکردند. خزندگان و حشرات صرف دو ساعه ساعت زندگی داشتند و مثالی ساعات روز را در غارها بطور منجمد می بودند اما از ۴ هزار متر بلندتر اصلاً حیات موجود نبود.

دراخت هر یک از کوهنوردان در حالیکه از مهمان نوازی مردم افغانستان و همکاری موسسات مختلف و از خبرنگاران تشکر می کردند خدا حافظی کرده و تالار را ترک دادند.

صفحه ۲۳

مسافرت های مشهور دسته جمعی این هیات عبارت از کوه های هوکارپ در افریقا، الپ در اروپا و ففقا و قله (سنگ پرست) واقع در همالیا که ۸۱۲۵ متر ارتفاع دارد در آسیا میباشد.

نام گفته نمائند که ما در بسیاری از کوهها به مسافرت های پرداخته ایم ولی زیبایی هندوکش را هرگز ندیده و نشنیده بودیم روی همین علت با وجود آنکه پروگرام در نوشاخ ملی شیع طرح شده بود باز هم در حدود یک ساعت را آنانیکه به قله آن رفته بودند سبزی کردند و با تماشای زیبایی های طبیعت در آن جا گذشتانند.

ما در سفر نوشاخ با مشکلاتیکه همیشه کوهنوردان با آن مواجه میشانند روبرو شدیم مثلاً در بعضی حصص بخاطر موجودیت باد شدید در راه رسیدن ما به قله نوشاخ مشکلاتی خلق میشد که با تامل با آن مبارزه کرده و راه خود را تعقیب می گردیم با آنهم اگر در همان روز آخر یک به قله نزدیک شده بودیم اگر تندباد شدیدیکه تا ظهر جریان داشت

کاهش بخود اختیار نمی کرد ممکن بود پروگرام ما یک یا دوز روز به تاخیر افتد. زیرا

باد در آن روز آنقدر شدید بود که فاصله (۷۰۰) متر را در هفت ساعت پیمودیم

اما با آنهم پروگرام را آنطور یکه پلان بود مورد تطبیق قرار دادیم اگر چه مأمور یک زلزله شدید قرار گرفتیم که صد فیصد خطر جانی از آن موجود بود زیرا ما به چشم خویش

می دیدیم که سنگ های سیار عظیم که هر کدام هزار ها تن وزن داشت و یا توله های یک راکه صدها متر متعب جسامت داشتند

درین زلزله از بدنه های کوه جدا شده و سرازیر می شدند. ما که کمپ های خویش را در یک محل مناسب نصب کرده بودیم از گزند آن در امان ماندیم.

کوهنوردان اضافه کردند: در قله «نوشاخ» ده سال قبل نیزه های از کوهنوردان جاپانی رفته بودند همانطوریکه گفته شد.

— بیرق افغانستان را شاعلی یوزیف الویز

«س ساعت ۳ روز (۱۵) اگست مطابق ۲۵

اسد در قله نوشاخ طوری به احتراز در آورد که دو چوب سکی را با هم بسته و سبزی را

فتح قله دیگر که در نقشه بنام (رخ دراز) یاد شده و (۵۷۹۰) متر ارتفاع دارد و پنجمین نفر هیات را تشکیل میدهد که در آن صرف دو تن ازین هیات بالا شدند.

کوه بنام دیگری در نزدیکی قله خارپشتنگ نیز توسط هیات فتح گردید و آخرین قله را که مادران راه یافتیم قله «گوتل جنوبی» بود که (۶۰۰۰) متر ارتفاع دارد در مورد طرز کار این هیات یکتا دیگر ازین هیات چنین گفت: اولین کمپ در ارتفاع (۴۴۰۰) متر و بعداً تا قله «نوشاخ» سه کمپ دیگر ترتیب شد که این کمپ ها در ابرس رسانیدن مواد مورد احتیاج کمک می کردند که اگر بصورت درست محاسبه گردد درین سفر مجموعاً (۲۰۰) نفر با هم دیگر همکاری مشترک داشتند.



کوهنوردان در هر نقطه هندوکش می نشستند و زیبایی های طبیعت راکه در دامان این کوه موجود است از نزدیک تماشا میکردند.

بعد از طی سه هفته چندی ازین هیات موفق گردیدند که به بلندترین نقطه هندوکش وارد کردند که البته این مدت بخاطر تجویز شد تا کوهنوردان با آب و هوای همان منطقه سازگاری حاصل نمایند.

نام گفته نمائند که سومین و آخرین کمپ مادر (۷۰۰۰) متری منطقه نصب گردیده بود

بعداً عده ای از خبر نگاران بشمول نگارنده بهوالائی در اطراف چگونگی مسافرت این هیات طرح نمودند که ما بدون تذکر نام خبرنگاران محترم تنها به توضیحات هیات اکتفا و به شرح آن می پردازیم

— هندوکش اولین کوهی نیست که این هیات به آن راه یافته باشد بلکه عده هم در میان رفتی ما موجود است که هیچ کوهی درجهان نخواهد بود که مورد کوهنوردی آنها قرار نگرفته باشد.

گردیده باشد کاملاً مورد تطبیق قرار گرفت. دیدن «نوشاخ» یا بلندترین قله هندوکش دارای ۷۴۹۲ متر ارتفاع است از آرزو های دیرین ما بود که خوشبختانه به فتح موفق شدیم و (۹) نفر از اعضای این هیات موفق گردیدند به بلندترین قسمت آن قدم گذارند و بیرق های افغانستان و جکوسلوواکی را در آن به احتراز در آوردند البته بخاطر موجودیت باد شدید آنرا واپس با خود آوردند.

دومین قله که ما به فتح آن موفقیت حاصل کردیم قله «گنبد سفید» بود که دارای (۶۸۰۰) متر ارتفاع است که ۴ نفر ما به بلندترین نقطه آن خود را رسانیدند.

گنبد سفید بخاطر ارتفاعیکه دارد مورد توجه نیست زیرا ممکن است کوهنوردان دیگری نیز به آن راه یافته باشند ولی نکته راکه باید از آن یاد آور شویم اینست که این کوه دارای دیواری به ارتفاع دو کیلومتر است که درست مثل دیوار سنگی عموداً قرار داردها میخواستیم به راهی روییم که دیگران قدرت رفتن به آن نباشد همان بود که ماصعود برین دیوار را برگزیدیم به آن اقدام کردیم که مشکلمترین سفر ما حتی اگر بگوئیم که مشکلمترین قسمت کوهنوردی را درجهان شاید احتوا کند به قله «گنبد سفید» راه خود را دنبال کردیم و به آن رسیدیم این قسمت کوه هندوکش را همه می شناسند و مثل خود هندوکش بر همه کوهنوردان معلوم است ولی تا امروز هیچیک جرات نکرده که این راه را تعقیب نمایند. زیرا صعود برین دیوار بزرگ انرژی کافی و نیروی کامل جسمی بکار دارد.

داشتند.

سومین قله که درین سفر موفقانه به آن رسیدیم قله «اسب سفید» است که (۶۶۰۰) متر ارتفاع دارد که دو تن از ما درین قله بالا شدند چهارمین قله که ما موفق به بالاشدن به آن شدیم عبارت از قله «خارپشتنگ» است که (۵۷۰۰) متر ارتفاع دارد که ۴ تن به آن قله رسیدند یکتا از افغانها یکیکه به حیث ترجمان با کوهنوردان همراه بود نیز درین قله با کوهنوردان یکجا با لاشده و بیرق افغانستان را در آن جا به احتراز در آوردند.

قله دیگری که در نقشه تنها از ارتفاع آن تذکر رفته که (۵۷۰۰) متر است نیز مورد کوهیمایی این هیات قرار گرفت چون در نقشه کدام نام مشخص از آن موجود نیست امیدواریم بعد ازین آنرا بنام ۲۶ سلطان یاد نمائید و ماموقع هستیم که اسم رسمی آن از طرف دولت افغانستان به این نام یاد شود شماره ۲۶ و ۲۵

را ننده می جنایت کارانه روی يك نقشه حساب شده قبلی

يك جنایت بزرگ و



سلو یستر سکو تنیک به روز ۷ جولای به سرعت ۸۰ کیلومتر در ساعت از يك ناحیه پر کند و مرتفع واقع در ناحیه واخاواتریش موتر می راند، درست به قسمی که برایش تفهیم شده بود. در کنار دستش قربانی بی خبر از جهان یوهان بوخمایر تاجر ۶۷ ساله اهل کریم نشسته بود.

این مسافرت فرمایشی و جنایت کارانه مطابق يك نقشه قبلی عملی میشد و در نتیجه یوهان بوخمایر کشته شد. راننده در حالیکه جراحات شدید بر داشت، ازین حادثه جان به سلامت برد و از مرگ نجات یافت. سلو یستر سکو تنیک نه تنها از او امر دوست و پسر خانه اش آرتور زیم بورگر اطاعت کرد و در نتیجه مرتکب جنایت شد، بلکه زندگی خود را هم درین قمار به بازی گرفت و نزدیک بود خودش هم از زندگانی محروم گردد. عامل این جنایت زیم بورگر بود و غالباً پیش خود اینچنین تصور کرده بود که حادثه سقوط موتر در ناحیه کوه زاپرگ باعث مرگ دو نفر خواهد شد و او حتم داشت که درین تصادم هر دو نفری که سوار موتر هستند، خواهند ماند تا راز این جنایت را بر ملا سازد. به این حساب راه تصاحب تقریباً نیم میلیون شلنگ پول بیمه برای زیم بورگر به تنها می هموار میشد. درست مبلغ ۵۰۰۰۰۰ شلینگ پول بیمه یوهان بوخمایر، کسیکه زیم بورگر را بصفت یگانه وارث قانونی خود معرفی کرده، نسبت به او بخشایش بزرگی را روا داشته بود، برای زیم بورگر می رسید.

زیم بورگر برای تصاحب همین مبلغ پول، پسر خاله اش را قتل کرد که پس از انجام خدمت حاضر است يك عراده موتر سپو رتی برای او بخرد.

اما طوریکه زیم بورگر حساب کرده بود این نقشه ها هرانه تطبیق نشد، و در عوض بجای زدن پول بیمه حیات، خود شرا بحکم توطئه چینی و کشیدن نقشه شیطانسی

دوستش خواهش کرد که برایش کار کند و سلو یستر سکو تنیک به خدمتش درآمد.

سر انجام دوستش امر کرد که آدم بکشد و سلو یستر سکو تنیک به يك قاتل و جانی تبدیل شد.



باوصف آنکه به دست های زیم بورگر دستبند زده اند، باز هم او سعی مینماید در برابر اعضای محکمه و عکاس پوز بگیرد و میخواهد با ارائه يك چنین حرکت توجه خبرنگاران و مطبوعات را به نفع خود بر گرداند. یوهان بوخمایر دوست خوب و همسران زیم بورگر زندگیش را بیمه کرده و صلاحیت اخذ بیمه زنده گی اش به زیم بورگر رسماً منتقل ساخته بود.

مابرای اینکه زیم بورگر زود تر به پول بیمه دوستش دست یابد در صدد طرح نقشه قتل بوخمایر به شیوه طینت باری می بر آید.

این دختر که در پایگاه شهود قرار گرفته در برابر سوال رئیس محکمه که می پرسد: آیا واقعا تمایل به ازدواج با زیم بورگر دارد می گوید: آری من تصمیم دارم با او ازدواج کنم پیغله الفریده لانسن لیشنر نامزد زیم بورگر بوده ضمناً سخت شیفته درشتی بند و بازوی ورزشی او می باشد اما يك روز پس ازین اعتراف از گفته خود پشیمان می شود و نامزدی اش را با زیم بورگر بر هم می زند.

برای کشتن دوستش به حبس ابد محکوم کردند.

زیم بورگر به جرم تطمیع و محتر يك یکنفر به قتل یکنفر دیگر و تطبیق يك عمل جنایت آمیز از طرف محکمه محکوم به حبس ابد گردید و قاتل که آلت دست زیم بورگر قرار گرفته بود، ۱۲ سال زندانی شد. اعترافات قاتل باعث آن شد تا تخفیفی در تعیین جزایش قایل بشوند.

اما آرتور زیم بورگر دروغ میگفت و حقه بازی مینمود.

عامل اصلی وانگیزه طرح این

حبیبی ابد



ابتدا این شارلا تان در صدد اغوای شوهر سابق همسرش شده می‌خواهد او را بوظیفه را نندگی موثر جنایت بگمارد. اما بعد ها تغییر عقیده داده، سلو یستر سکو تنیک و این پسر یو گو سلاوی را مأمور اجرای این نقشه شیطانی نموده به امر او گردن مینهد. وقتی از توزیم بر گر چند روز پیش بقیه در صفحه ۶۱

خانواده اش حیات خود را بسیمه میکند و سر انجام در یک حادثه ترا فیککی در موتر خودش جان می‌دهد. وقتی از توزیم بورگر، دوستش یوهان بوخمایر را تشویق میکند تا او را بصفت یگانه وارث خودمهر فی بدارد و یک بیمه حیات برای خودش منعقد سازد، از همان وقت در صدد طرح این نقشه شیطانی می‌برآید.

نقشه شیطانی همانا یک نمایش تلویزیونی بنام (مسافر معمله گر) تلقی گردید. ارتور هیلر اثر خود را به صورت درامه ای نوشت و بتاریخ ۱۵ می ۱۹۶۸ روی پرده تیلو یزیونی بنام (مسافر معمله گر) تلقی گردید. ارتور هیلر اثر نمایش تلو یزیونی ازین قرار بود که یکی از نمایندگان متوجه میشود در حال افلاس است، لهذا به نقس

هلاک هولا کتو که سه سال همسر قانونی زیم بورگر بود، شوهرش را شدیداً متهم به توطئه قتل ساخت و از زبان او شهادت داد که چندین بار گفته بود میخواهد موضوع نمایش تلویزیونی بنام (مرگ مسافر معامله گر) را خودش عملاً تجربه کند.



یوهان بوخمایر ۶۷ ساله که به اثر سقوط موتر در یک پرتگاه کشته شد وزیم بورگر درصدد بود تا نیم میلیون پول بیمه اش را تصاحب کند.

صفحه ۲۵



نمایی از محکمه هنگام قرائت حکم صادره در مورد زیم بورگر.

شماره ۲۶ و ۲۵

فورد در دو مین هفته ریاست

و متیقن به

«مانند رئیس جمهور ترو من و رئیس جمهور لنکلن روی میز خود
برایم فوری را که چطور زخم های کشور را التیام بخشید یافتیم. اراده
دارم تا این کار را بکنم»

پس از انجام آبیازی در حوض
الکز اندریه روز دو شنبه به قصر
سفید داخل شدند رئیس جمهور
فورد به هفته نخسته کننده خود آغاز
کرد.

وی توسط یک طیاره نظامی به
شیکاگو پرواز کرد. بهاییه خطاب
به کهنه کاران و کار آزمودگان
جنگ های خارجی امریکا ایراد نماید.
این اولین مسافرت فورد بود که
پس از احراز ریاست جمهور ی
صورت گرفت.

وی و خانمش بتی در میدان هوایی
نظامی او هیر شکاگو با این اطلاعی
مضحک که از خلا لود سبیکر های
میدان هوایی بگوش هارسید استقبال
شدند.

خانم هاو آقایان
رئیس جمهور ایالات متحده امریکا
و خانم نکسن.

در امتداد جاده شمالی مشیگان
فورد با انبوهی از مردم با اشتیاق
و ولع استقبال گردید رئیس
جمهور در داخل موتر سر باز لموزین
ایستاده بود و دست های خود را به
طرف استقبال کنندگان مانند یک
فاتح و یک برنده شور میداد در نقطه
وی بسوی جمعیت مردم غوطه ور شد
و با ایشان دست داد. این موقع
دختران جوان وی را بوسیدند و
دست بموهای سرش کشیدند یگانه
اعلامیه و نشانه مخالفت صداهای ملی
بود که از طرف چندین هزار امریکائی
یونانی نژاد بگوش میر سید آنها در

گران پارک با متداد سرکی که به
کونراد هلتن هتل منتهی میشد
علیه سیاست امریکا در مقابل قبرس
مظاهره میکردند لهذا هدف اجتماعی
مظاهره چیان هنری کیسنجر وزیر
خارجة امریکا بود نه فورد. در یکی
از لوایح مظاهره چیان این مطالبه
رانموده بودند «فورد کیسنجر را عزل
کن».

در داخل هتل به تعداد ۴۷۵۰
نفر از کار آزمودگان جنگ های
خارجی از این اعلام رئیس جمهور
فورد بگرمی استقبال کردند که وی
ریچارد رودیش یکی از قوماندان های
سابق کار آزمودگان جنگ های
خارجی را که از ایالت اندیانا می

با این کلمات رئیس جمهور فورد
هفته گذشته تعهد خود را برای
اعاده حسن وحدت ملی و تأمین
اهداف ملی یکبار دیگر تأیید کرد.
فورد در دومین هفته ریاست
جمهوری خود قدم وسیعی به پیش
برداشت. وی نلسن را کفیلر رئیس



جرالد فورد رئیس جمهور جدید ایالات متحده امریکا

گورنر سابق نیو یارک را بحیث
معاون رئیس جمهور نامزد کرد و
اتخاذ یک سیاست ملایم را در مورد
جنگ ویتنام اعلام داشت.

او واضح ساخت که برای احراز
ریاست جمهوری در انتخابات ۱۹۶۷
مبارزه خواهد کرد. وی از اوایل
صبح تا ناوقت شب در دفتر خود
مشغول کار گشت و قوانین را توشیح
کرد.

بیانیه هائی دایر و اعلامیه هائی را
بدست نشر سپرد. با یکتعداد زیاد
مردم در قصر سفیدودر (کپیتول هل)
ملاقات نمود.

این فعالیت ها اصلا برای این

باشد بحیث آمر اداره کار آزمودگان
مقرر کرده است. مدعوین و استقبال
کنندگان در قرائت بیانیه فورد
و قتیکه وی اعلام نمود که «غوی بدون
قیدو شرط آنهایکه بصورت غیر
قانونی از خدمت عسکری سر باز
زده اند و یا از خدمت عسکری فراز
نموده اند یک عمل نادرست و غلط
است».

هلباه و شادی نموده کف زدند
اما وقتی فورد گفت که وی از
آنهایکه از خدمت نظامی در جنگ
ویتنام، فرار نموده اند خواهش میکند
تا در صورت تیکه خواسته باشند
به وطن خود باز گردند، نظا میان
کهنه کار تکان خورده بزمین خاموش
می نشستند وی وعده داد که در تأمین
عدالت کوشش میکند که وزن
ریاست جمهوری را در پله ملایمت
بگذارد. ولی علاوه کرد که «غفو
انتقام را رد میکند».

فورد تو ضیح نکرد که بر ملایمت و
مهربانی چه شرائطی را میخواهند.
درین موضوع وی بعد از ارائه راپوری
که از طرف خارنوال عمومی ویلم-
ساکس بی وزیر دفاع جیمز شلنجر
در اول سپتمبر بوی سپرده میشود
تصمیم میگیرد.

اما چنان معلوم میشود که وی
غالباً در بهای غفو طالب کدام نوع
خدمت عامه می گردد. به یقین کسی
انمیداند که به چه تعداد مردم از
این ناحیه متأثر خواهند شد. فورد
تعداد عمومی سر باز زدگان و
فراریان نظامی را ۵۰۰۰۰ نفر
وانمود کرد این رقم شاید به
احصائیه های متکی باشد که از
طرف حکومت امریکا در مورد این
نوع نظامیان داده شده است. قرار
این احصائیه ۴۴۰۰ نفر از خدمت
به بهانه حیل سر باز زده اند و
۸۹۰۰ نفر متهم به نقض قانون
خدمت انتخابی می باشند.

اکثریت آنها تیکه با مکلفیت
ژوندون

ت‌جمهوری خود مطمئن

نظر می‌خورد

مردم طبقات مختلف آمریکا را به قصر سفید دعوت نمود. وی به نظریات شانزده عضو سیا هیوست کانگرس گوش و - بایشان اطمینان داد که تقلیل - مصارفات حکومت صرف متوجه پروگرام های بهبود اجتماعی نه خواهد بود. بعدا وی برای اینکه این عزم و نیت خود را ثابت کرده باشد دو مصوبه قانونی مسایل داخلی را امضاء نمود.

یکی از این دو مصوبه به حکومت صلاحیت میدهد که مبلغ ۹ و ۱۱ بلیون دلار را برای کسایکه دارای عاید کم میباشد شش خانه بسازد. مصوبه ۵ و ۵ می ۲۵۴۴ بلیون دلار را به مکزیک بابت ابتدایی و ثانوی مساعدت می نماید. وی گفت اگر اشتباه نکرده باشم این اولین کمک مالی فدرالی است که باین حجم، مصوبه آن از طرف یک رئیس جمهور برای معارف کشور به امضاء رسیده است.

رئیس جمهور فورد همچنین یک مصوبه قانونی دیگر را با امضاء رسانید که با اساس آن شو را بی مضارف زندگی که وظیفه آن بر رسی مردها و قیمت ها میباشد احیاء گردید.

در یکی از روزهای دیگر هفته فورد با بعضی از زنان بانفوذ سرا بقریه در صفحه ۶۱

کرد مگر باین نکته اشاره نکرد که را کیفیلر درین مبارزه شرکت خواهد داشت. اعلامیه فورد برای شرکت درانتخابات ۱۹۷۶ نقض صریح از عننه سیاسی آمریکا بشمار می رود زیرا بصورت عنعنوی روسای جمهوری آمریکا معمولا انتظار پرده اند و اراده خود را تا سال مبارزات انتخاباتی آشکار نکرده اند. یکی از یاوران نزدیک به رئیس جمهور درین مورد گفت غرایز تقلیدی فورد را به تقلید از رئیس جمهور تر و من و رئیس جمهور جانسن که هر دو ریاست جمهوری را به میراث گرفتند و آنرا از آن خود ساختند کشتا ند. فورد شاید هم خواسته باشد تا به محافظه کار حزب جمهور یخواه که بعضی از آنها صرف را کیفیلر را بحیث معاون رئیس جمهور تحمل می کنند، اطمینان دهد که وی اراده در انتخابات ۱۹۷۶ برای احراز ریاست جمهوری مبارزه خواهد کرد.

بهر حال، قدر مسلم اینست که اعلامیه فورد درین مورد، هر نوع ضعفی را که شاید وی بحیث یک رئیس جمهور در معاملات با کانگرس و حزب جمهور یخواه میداشت از بین برده است.

در دوران هفته، فورد یک قدم فورد با بعضی از زنان بانفوذ و سرا

آنها در عمل بکار برید. روز دیگر زعمای مجلسین عوام و سنا و اعضای کابینه و خبر نگاران در دفتر (اووال) جمع شدند تا اعلام نامزدی معاون ریاست جمهوری نکسن را کیفیلر را از زبان فورد بشنوند. رئیس جمهور پیش از اینکه را کیفیلر را بحیث معاون ریاست جمهوری نامزد و آنرا اعلام نماید با مراکز و حلقه های سیاسی تماس گرفته و خود شخصا جورج بشس معاون حزب جمهور یخواه دونالد رمزیلند سفیر کبیر آمریکا در پیمان ناتو، را از موضوع اطلاع داده و به ریچارد نکسن رئیس جمهور سابق در سنا کلمینت، و به زعمای کانگرس تیلیفون کرده و آنها را از تصمیم خود مطلع ساخت.

ب ساعت ۱۰:۴۵ قبل از ظهر فورد و را کیفیلر به اطاق معینه در حالیکه دست های هر دو بکمر یکدیگر قرار داشت داخل شدند. رئیس جمهور نامزد معاون ریاست جمهور را معرفی نموده و گفت: (این نامزدی مشکل برای یک کار مشکل بود) تشریفات معرفی را کیفیلر نسبت به تشریفات معرفی فورد از طرف نکسن بحیث معاون رئیس جمهور که در (اتاق شرقی) صورت گرفت به سویه پائین تری برگزار شد. انتخاب را کیفیلر بحیث نامزد معاون رئیس جمهور آمریکا این پیش گوئی را بمیان آورد که فورد در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۷۶ آمریکا مبارزه کرده و را کیفیلر رفیق مبارز وی خواهد بود.

عوض اینکه وی راجع به آینده خود چیزی نگوید فورد توسط سکرتر مطبوعاتی خود جی - اف اورست این موضوع را روشن ساخت که غالبا در انتخابات ۱۹۷۶ احراز چوکی ریاست جمهوری مبارزه خواهد کرد.

عسکری مقاومت نموده و از خدمت عسکری فرار نموده اند طی مصاحبه با نماینده تایم هفته گذشته گفتند که هر نوع فیصله را که کمتر از عفو بلا قید و شرط باشد قبول نخواهند کرد. آنها توضیح نمودند که غیر از عفو بلا قید و شرط هر فیصله دیگری که در مورد شان به عمل آید یک عمل غلط خواهد بود. اداره نظا میان کهنه کار جنگ های خارجی، یک موقف نهایی است سخت را علیه تغییری که فورد در سیاست حکومت خود در برابر این موضوع وارد آورد اتخاذ نموده است. یکروز بعد از ایراد بیانییه فورد، اداره مذکور فیصله را اتخاذ و در آن مخالفت خود را علیه هر نوع عفو آنها بیکه از جنگ کردن در ویتنام سر باز زده اند اعلام نمود. چن باز گشت به واشنگتن فورد در حالیکه پیراهن آستین کوتاهی بپوش داشت و نگارشی اش باز بود.

در میدان هوایی نظامی در برابر خبر نگاران قرار گرفته و با شنان توضیح کرد که چرا وی سیاست خود را در برابر این موضوع تغییر داده است.

وی گفت فکر وی درین مورد اصلا از نظریات اطفالش و از نظریات رفیق نزدیکش ملوین ایرد ویر دفاع سابق آمریکا که سعی غیر موفقانه نمود تا نکسن را مجبور سازد موقف سخت خود را در برابر این موضوع تغییر دهد تشکیل یافته است گذشته از این فورد باین نتیجه رسیده بود که تعهدات وی برای التیام زخم های کشور مستلزم اتخاذ یک طریق تازه می باشد. وی چنین توضیح داد «شما نمیتوانید از التیام سخن گوئید مگر اینکه بمعنی عمو می آن



جرالد فورد و راکیفیلر نامزد کرسی معاون ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا

روزنه‌ای بر روی تاریکی‌ها

یادداشت از: لیلا - تنظیم از: دیدبان

صورتش از حالتی به حالت دیگر بر میگردد، درست مثل اینکه عمری روی سن تیاتر گذارنده باشد و در بازی نقشهای گونه گون مهارت و استادی داشته باشد.

من در برابر محسن خان در برابر این دلقک، این بازی گر کثیف که هر لحظه رنگ عوض میکند و هر لحظه چهره تازه بخود میگیرد در مانده شده ام. میخواهم حرفی بزنم، نمیتوانم. میخواهم از برابرش بگریزم، نمیتوانم. زنجیر زشت کاری های او مرا نیز پدام کشیده است و دست و پایم را بسته است. با بیحالی خودم را روی تخت می اندازم و میگویم:

- بلی! خوب شد برای هیچکدام اتفاقی نیفتاد.
بعد چشم در چشمش میدورم:
- چطور شد که امروز سراغ من آمدی.

با تعجب ساکت میگوید:
- چطور شد؟ آدم خبرت را بگیرم گذشته از آن تو باید به پول احتیاج داشته باشی من مدتی است...

از جایم نیم خیز میشوم:
- بی جهت زحمت کشیدی، من به هیچ چیز احتیاج ندارم. پول هم بقدر کافی دارم.

- پول
مجالش نمیدهم:

- لازم نیست قیافه بگیری بدون شك از همه چیز خبر داری. آقای (ص) صبح آن شب ۲۵۰۰ افغانی بمن داد.

رنگش از سپیدی به سرخی میگرداند و میگوید:

- آقای (ص) پول داد ۱۱۹

- بلی!

صدایش به فریادی شبیه میشود:

- و تو هم آنرا گرفتی ۱۱۹
بابیقیدی چنانکه اینکار حرفه ام باشد، میگویم:

- البته! چرا نگیرم؟

ناتمام

زوندون

نمانده بود که ...
محسن خان چنان قهقهه میزند که من از حرف زدن باز مینماید. با انگشتا نش روی شانه ام فشار می آورد و میگوید:

- آقای (ص) این موضوع را به من گفت، گفت که چیزی نمانده بود کاریه رسوایی بکشد. اما خوب، بلایی بود و بخیر گذشت.

من خوشحالم از اینکه آقای (ص) کارش به رسوایی نکشید، آن هم رسوایی خانوادگی. منظورم را که میفهمی! آقای (ص) خانم حسود و حساس و بد دهنی دارد.

دست محسن خان را از روی شانه ام دور میکنم و میگویم:

- خوشحالی تو بیشتر از این است که آقای (ص) گرفتار درد سرو ناراحتی نشد و اگر مصیبتی دامنگیر من میشد برای تو اهمیتی نداشت؟
محسن خان مثل اینکه تازه متوجه حرف خودش شده باشد، با عجله می خندد، خنده زورکی و با عجله میگوید:

چرا! چرا! پای تو هم در میان بود و من از جهت تو هم ناراحت می شدم. اما آقای (ص) در چنین مواردی تجارب فراوان دارد. مطمئناً نمیکذاشت کار بجای های باریکی بکشد. در هر حال خوشحالم که برای هیچکدام اتفاق بدی نیفتاد

من همانطور که ایستاده ام، یک لحظه صورت محسن خان را از نظر دور میدارم، می بینم که این مرد، مردیکه در اولین بر خورد، قیافه پدرا نه بخودش گرفته بود، چکونه تغییر حالت میدهد و چکونه خطوط

امروز چهار شنبه است، وقتی روز بیایان برسد، محسن خان پیش از ۹ روز است که سراغ من نیامده است و خبری از من نگرفته است. اما روز بیایان نمیرسد و ساعت سه بعد از ظهر است که صدای زنگ در حویلی صدا میکند و متعاقب آن محسن خان وارد میشود. از روی تخت که دراز کشیده ام بلند میشوم از پشت شیشه محسن خان را می بینم که لبخندی چاک دهنش را باز کرده است و با قدمهای سنگین و مطمئن بطرف ساختمان می آید محسن خان چنان شادمان و بخیال به نظر میآید که انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است و او هرگز مرا دو دستی تقدیم آقای (ص) نکرده است.

وقتی محسن خان ضربه بسدر میزند و وارد اتاق میشود، بطرفم می رود، خنده طولانی و پر صدایی می کند و در حالیکه مرا میان بازو هایش می فشارد، میگوید:

- لیلا! تو چه دختر نازنینی هستی یک پارچه جواهری، وقتی آدم ترا دارد، مثل اینست که همه چیز دارد. بعد صدایش را پائین میآورد و شمرده میگوید:

- بلی، مثل اینست که همه چیز دارد.
ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو هایش بیرون میایم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو هایش بیرون میایم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو هایش بیرون میایم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو هایش بیرون میایم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی تو ...

اما وقتی بصورتش خیره میشوم ساکت و آرام بحر فها یش گوش میدهم، آنوقت به آرامی از میان بازو هایش بیرون میایم میخواهم همه آن حرفهایی را که در مدت این ۹ روز در ذهنم ردیف کرده ام، یکبار تحویلش بدهم و صاف و پوست کنده بگویم: محسن خان! تو آدم پست و بی شخصیت هستی تو ...



هنگامات خارساز

دومین اثر «تنسی و ویلیامز» روی

ستیز تیاتر

مرکز فرهنگی امریکا به سلسله فعالیت های فرهنگی این روزها سخت مصروف ساختن یکی از آثار بسیار پر ارزش «تنسی ویلیامز» نمایشنامه نویس پر آوازه امریکا است بنام (تابستان و دود) تابستان و دود دومین اثر تنسی است که از اعماق اجتماع واز درد های گوناگون جوانان گفتگو دارد. صدها درد ناگفته جوانان، عقده های روانی حسادت ها، خشم عصبانیت، احساس حقارت و غیره در این نمایشنامه انعکاس یافته. تنسی ویلیامز خوش دارد که کتر های را در نمایشنامه های خویش انتخاب کند که بازگوگر شخصیت های مریض باشد. تنهایی و انزواگزی جوانان که درامه های او را میسازد. تابستان و دود دومین اثر تنسی است که در کابل روی سن میاید. بازیچه های شیشه اولین نمایشنامه او بود که به گرمی استقبال شد.



گلشن یک چهره تازه هنری



میر من گلشن خواننده جوان و خوش آواز که تازه همکاری اش را با آمريت موسيقي آغاز نموده است اولین آهنگش را به همکاری آمريت موسيقي از طريق راديو افغانستان برای شنونده ها و هنر دوستان پیشکش نمود.

آوازش چون نسیم لطیف است و گیرا و به دلها چنگ میزند. گرچه تازه میسراید ولی آواز رسا و دلکش دارد آوازش شباهت زیاد به میرمن قمر گل دارد.

خودش میگوید: از آواز خوانان زن قمر گل را دوست دارم. وقتی از نزدیک او را دیدم و در باره هنرش پرسیدم. محجوبانه چادرش را بروی کشید و با لبخند خترانه گفت پشتو صحبت کنید! و من از او خواستم که نخستین آهنگش را «به تور سترگوز کومه گزار نو او آشنه»

که به راديو ثبت نموده بشنوند و او لطیف و آرام این آهنگ را زمزمه کرد.

او خواستم که نخستین آهنگش را «به تور سترگوز کومه گزار نو او آشنه»

سوفیا لورن بار یچار د برتن

حتما از دیدن سوفیا با برتن بدین گونه تعجب خواهید کرد... ظاهرا برتن کلمات عاشقانه ای را در گوش سوفیا زمزمه میکند و کلمات چنان لطیف و موثر است که سوفیا را سخت تحت تاثیر قرار داده است. به عکس نگاه کنید سوفیا با بیخودی و علاقمندی فراوان مشتاقانه به سخنان ریچارد برتن گوش فرا داده است.

خوب خوانندگان عزیز! اگر قبول کنیم این دو عاشق هم شده اند. تحکیم کار لورن و نیتی شوهر سوفیا با دو طفلش چه خواهد کرد و الیزابت تایار همسر ریچارد برتن درین میانه چه برخوردی خواهد داشت؟ شما هر چه می - خواهید فکر کنید. ولی واقعیت اینست که قرار است در همین نزدیکی ها سوفیا با برتن فیلمی تهیه کند و انگیزه نزدیک شدن آنها هم همین موضوع است. ولی خدا عاقبت کار را بخیر کند. کسی میتواند پیش بینی کند که آنها در جریان ساختن فلم عاشق هم نشوند؟



ونوس

بود زیبا بستان خشمه نور
بکر صاف و نیمه غریانش
باب بار نگاه تنو بداست
از لطافت حجاب پستانش

پیش او زانوی نیاز زدم
گفتم: ای خالک پات تاج روس
با چنین بکر خیال انگیز!
نام ناک تو چیست ؟...

گفت: ونوس

بکر صاف و نیمه غریانش
بود زیبا بستان خشمه نور
استاده کنار استخری
میلر خسته چون بطور زودور

کاکل قد بعد کشیده او
برورده آب رامی ماند
زلف افتاده دور دور رخس
ساده آفتاب رامی ماند

از سرود غای جاودانی ناگور

من و تو

باتکاهی خیره ترا می نکرد
در همچون آسمان وسیع بلند
و من چگونه دریای بیکران، پستم
نوار امش جاودانی داری
و من بقرار لایزال
باین حال، در افق دور، خیلی دور
بایدیگر پیوسته ایم

سب و روز از خود بر مسازی:
فکر و اندیشه ام را
و من در تنهایی

خارج از این جهان به پیشواز تومی آیم
نازدیکی و مرگم را بدست خود گیری
قلبم چون آفتاب نگاه

روستای ما

به روستای ما بیا

به روستای ما

سخن زمردی و دودی است

و خاطرات مرده نشین

(به نیمه شب کنار آتش اجاق)

لیال شب از غرورهای خاطرات دور

• • •

هنوز هم

مناره های از قدیم

واشک های غمناک کردی جانمازها

دوست های ملتصق

بر آستان قدس

و آستان عشق

• • •

به روستای ما بیا

ندیمی

م. کریم «شیون»

آتش بی دود

گفتی که شب آیم تو نیانی ز چه روزد
از سینه کشم در غمت آهی شرور آلود
باز یسجۀ میتداز تو عشقم که بزرگ است
دامم بتو هر آنچه که در سینه من بود
چشمان تو آتش به و جودم ز دو خوش سوخت
سوزم همه شب شمع صفت ز آتش بی دود
صد شیشه تهی گشت که ترک تو توان کرد
نی نی نتوان کرد توئی کعبۀ مقصود
گفتی که شبی زود به پیش تو بیا یم
قربان شو مت دیسر بیا نی تو اگر زرد
تو تاج گلی نیستی یک برگ تواز گل
گلپای جهان پیش رخت برگ گلی
شیون بکنم تا که بگوشت تو رسد بسا ز
این ناله جانسوز که افسانه دل بود

چند ترانه از سیف فرغانی شاعر قرن هفتم

درد صبر

عشت که بدل گرفته ام چون جانش
در دست و به صبر می کنم درماتش
وز غایت عزت که خیالت دارد
در خانه جسم کرده ام پنهانش

ترا می خواهند

درد مندان غم عشق دوا می خواهند
بامد آمده انداز تو ترا می خواهند
روز وصل تو که عید است و منی قربانم
هر سحر چون شب قدرش بدعا می خواهند

جوش غم

سب نیست که از غمت دلم جوش نکرد
از بهر تواز هر اندوهی نوش نکرد
ای جان جهان هیچ نیامردی یاد...
آترا که ترا هیچ فراموش نکرد

آه های پائیز من

ای نگاهت هر زمان جویای من
ای امید زندگی در چشم تو
ای که شیرینست ناز و خشم تو
ای نگاه تو امید زندگی
زندگانی بی تو باشد پندگی
من بهارم آه، ای پائیز من
می پذیری هدیه ناپایز من؟

ای چراغ روشن شب های من
ای تسلی غم و تب های من
ای همیشه در پی غمخویم
ای پرستار شب بیماریم
ای ز تو شیرین همیشه خواب من
ای تو خورشید و مه و مهتاب من
ای همیشه در سرت رویای من

اشک تمنا

ز آتش نگرست آفتاب می ریزد
که از تبسم لعنت شراب می ریزد
چو ناله از سخم مشک ناب می ریزد
ز دیده ناز و مؤمان عتاب می ریزد
چه لعبتی؟ که ز رویای بوس و اغوش
غریب اشک تمنا بخواب می ریزد

چو زاله از رخ و زلفت کلاب می ریزد
لبان بوسه نوازش بخنده باز گشای
از صف آهوی چشمان و عطر گیسویت
چو هستی هست که چشمان نیمه مغشور
چو لعبتی؟ که ز رویای بوس و اغوش
غریب اشک تمنا بخواب می ریزد

از: تیپود دیوی

مترجم: وعد

عشق

بخش دوم

صاحب آبار تمان اظهار داشت: به درون اتاق بیایید. در خانه شما کسی نیست که دروازه را باز می کرد. حتی همان کرایه نشین سابق شما که يك اتاق تان را به کرایه گرفته بود، هم بیرون از منزل بوده.

ب- نگاهش بز مین دو خسته سکوت اختیار کرد.

خاتم شما از طرف روز بالا ی کار می رود و پسر تان کیور کا هم در مکتب درس میخواند لطفاً از دهن دروازه به درون تشریف بیاورید. او تنها بعد از عصر می آید.

ب- پرسید: کرایه نشین ماهنوز هم اینجا زندگی میکند.

او انسان نهایت خوبی هست. همسر تان از او رضایت دارد. ای خداوند بزرگ! شما واقعا بخانه و منزلتان بیش همسر و پسر خود برگشته اید؟

صاحب اپارتمان پس از ادای این کلمات لختی به قیافه ب خیره مانده اظهار داشت: من يك کلید اپارتمان شما را دارم اگر خواسته باشید، می توانید بالا بروید و تا وقتی همسر تان بر گردد، استراحت کنید.

دودانه کلید بيك میخ آویزان بود خانم مالك اپارتمان يکي از کلید ها را بر داشته از اتاق بیرون رفت و دروازه را از عقبش بسته نگاهي به سوی ب افکند و گفت از دنبال من بالا بیایید و استراحت کنید.

زن صاحب اپارتمان پرسید: به دنبال چه کسی میگردید؟

ب گفت: من ب هستم. همسر من هنوز اینجا زندگی میکند؟

خانم اظهار داشت: ای خداوند بزرگ!

ب نگاهش را به زمین دوخته سوالش را تکرار کرد: همسر من هنوز اینجا زندگی میکند؟

خانم حرفهایش را دو باره زد ای خداوند بزرگ! شما بخانه برگشته اید؟

ب پاسخ داد: بلی همسر من هنوز اینجا زندگی میکند؟

خانم زنجیر دروازه را رها کرده در چوکات دروازه تکیه داد و پرسید: پس شما حقیقتاً به منزل برگشته اید؟ ای خداوند بزرگ! طبعاً همسر شما همینجا هست. او هم مثل من خبر ندارد که شما به منزل برگشته اید؟ ای قادر متعال! طبعاً او همینجا زندگی میکند.

ب سوال کرد: و پسر من زنده هست؟

خانم در حالیکه پریشانی خاطر برا میفهمید، جواب داد: آری پسر من کاملاً صحت و سر حال هست. هیچ شکایت و کمبودی ندارد. پسر هوشیار، مقبول و جوان سالمندی بار آمده است. ای خداوند بزرگ! ب سکوت کرده بود.

خانم با صدای مرتعشی تقاضا کرد: منتظر چه هستید. چرا به درون نمی آید، لطفاً داخل شوید من میدانستم که شما گناهی ندارید میدانستم که يك روزی بالا خیره نزد همسر و پسر تان بر می گردید.

ب پرسید: اما هیچکس دروازه منزل را برویم باز نکرد. اگر چه سه مرتبه زنگ را فشار دادم.

صاحب اپارتمان اظهار داشت: بیایید به درون! در خانه شما کسی

نیست که دروازه را کسی باز کند ب به زمین چشم دوخته با تردد پرسید، شما هم با من می آید.

خانم پاسخ داد: البته که می آیم. من اتاقی را بشما نشان میدهم که همسر تان در آن زندگی میکند.

ب پرسید: در کدام اتاق سکونت دارد.

خانم مالك اپارتمان در جواب گفتید: شما میفهمید که در اپارتمان خود با کرایه نشین تان که چهار نفر هستند، یکجا زندگی می کنید.

همسر تان به رضا و رغبت خود دو اتاق را در اختیار کرایه نشین گذاشته خود و پسر تان کیور کا به اتاق پیشخدمت زندگی میکنند. اما تشناب و مطبخ مشترک است.

ب حرفی نزد.

زن پرسید: چه تصمیمی دارید. بالا می روید یا صبر میکنید تا همسر تان از کار بر گردد. اگر میل داشته باشید، می توانید در اتاق من به روی کوچ دراز بکشید و قدری استراحت کنید تا همسر تان از راه برسد.

ب پرسید: مطبخ و تشناب مشترک است بلی؟

خانم مالك اپارتمان اظهار داشت: بلی. البته که مشترک استفاده می کنند.

ب سر انجام سرش را بالا نگه داشته بچهره آذین خیره شده و پرسید: پس منم حق دارم برای غل و تمیز کردن سرو جانم از تشناب استفاده کنم.

خانم در حالیکه می خندید جواب داد: البته که اجازه دارید.

بعنوان کمک از بازوی ب گرفته حرفهایش را تکرار کرد: شما البته حق دارید و هم چرا باید انداخته باشید. اپارتمان هنوز به شما هم

تعلق دارد مطبخ و تشناب هم همان طوریکه عرض کردم بین تان مشترک می باشد. من حاضرم تشناب را برای شما گرم کنم. يك مقدار چوب سوخت داریم که از سال گذشته باقی مانده است. اما تصور میکنم کرایه نشین وقتی از منزل بیرون می رود، تشناب را قفل میکند.

ب سکوت کرد و مجدداً متوجه زمین شد.

خانم صاحب اپارتمان پرسید: چه تصمیمی دارید. بالا میروید یا اینکه نزد ما می مانید و داخل اتاق میشوید.

آخر از دهان دروازه بجنبید. من در آشپزخانه کار دارم و نمیخواهم مزاحم شما شوم. شما می توانید به آرامی روی کوچ دراز بکشید.

و اگر میل به خوابیدن داشته باشید، بی دغدغه بخسید.

ب با اظهار اطمینان از صاحب اپارتمان علاوه کرد می خواهم بالا بروم.

کلکین اتاق پیشخدمت متعاطفانه معمول مهندسی روبه سمت شمال



درین لحظه اشک های همسرش
مجال فرو ریختن یافت و در حالیکه
گریه راه گلویش را بند ساخته بود
اظہار داشت : بگذار که بالا برویم
ب دست خود را دور شانه همسرش
قرار داده گفت : گریه مکن

صدای خانم که همراه با هک
و گریه بود مجددا بلند شد : بگذار
که بالا برویم .

ب تکرار کرد : گریه مکن ، کدامیک
ازین بچه ها پسر منست ؟

همسر ب پله دروازه باغ را پا
بداشت زده باز کرد و شتابان بسوی
اپارتمان رفت در وسط راه باریکی
که دو طرف آنرا بقه های نستر ن
می پوشانید از نظر ب پنهان شد .

او هنوز اندک موزون و قد کشیده
داشت از زیبایی هفت سال پیشش
چیزی نکاسته بود . او مانند دوران
دختری اش دوان دوان به طرف
عمارت رفت ، همسر ب چنان مینمود
که ترس مہیبی احاطه اش کرده
باشد تا اینکه ب او را در مقابل
دروازه ورودی عمارت متوقف ساخت
آنکاه بود که قدری آرام گرفت .
تنها صندوق سینه اش زیر جاکت
فولادی رنگ پشمی از شدت هیجان
به سرعت تله و بالا میشد . او از
گریستن باز ایستاده بود .

اما چشمهایش هنوز مرطوب و
آثار اشک که به عجله پاک شده بود
زیر چشمهایش دینہ میشد .

زن بیخ گوش شوهرش زمزمه
کرد : بی همتای من ! بی همتای من !
زن چنان کنده کنده و شمرده این
حرفها را میزد که گمان می رفت فقط
قدرت ادای این کلمات را تا به
لبهایش دارد و از آن بعد کلمات به
زحمت از دهانش بیرون میامد .

ب به همسرش گفت : بگذار به
داخل منزل برویم .

— در اینجا مردم دیگر هم با ما
زندگی میکنند .

ب پاسخ داد : آری ، میدانم ، با
اینهم بگذار به درون برویم .

— تو به منزل داخل شده ای ؟

ب در جواب گفت : بلی . بگو
کدامیک ازین بچه ها پسر من بود ؟

وقتی وارد اتاق شدند ، همسر
ب مجددا در برابر او زانو زده ،

سر خود را به آغوشش گذاشت و
بنای گریستن را گذاشت . تار های
سپید موی با درخشش بیگانه در

بقیه در صفحه ۵۸

پنجره نشسته . در انتهای باغ که
این کلکین به آنست باز می شد ،
سکوت بر قرار بود . در میان برگ
های سبز روشن درخت گیلاس آفتاب
می تابید و بصورت خفیف بداخل
اتاق منعکس میشد و سایه لرزانی
به روی دیوار تکان میخورد .

وقتی ب بقدر کافی رایحه عطر
آکین همسرش را در سینه فرو برد
و به تدریج به آن عادت کرد ، به روی

خیابان فرود آمد در مقابل دروازه
باغچه منزل منتظر ماند ، دیرری
نگذشته بود که خانمش در حالیکه
چهار ، پنج طفل دیگر به دو پهلوش

روان بودند ، از يك كج گرد شمی
خیابان پیدا شد . وقتی نزدیکتر آمد
قدمهایش را سست کرد وقتی برای
يك لحظه از راه رفتن باز ایستاد و

آنکاه یکباره بطرف ب خیز برداشت
ب هم بدون آنکه متوجه باشد بنای
دویدن را گذاشت .

وقتی فاصله بین آندو کم ماند ،
همسر ب دفعتا جابجا ایستاد و برا
يك لحظه باور نکرد بر گشت ۱ و
حقیقت داشته باشد . ولی معطل نشد
و با آغوش باز مجددا به دویدن به
سوی ب ادامه داد .

ب جاکت پشمی رهدار فولادی و
سیاه را با آستین های درازی آن
شناخت پیش از زندانی شدن خود
از يك مغازه مود برای همسرش
ریخته بود همسرش يك ترکیب اصحاب
انگیز و خاص از زیبایی بود و در میان
سائر زن های شهر در نوع خودش
یکتا بشما میرفت .

ب تمام خاطراتی را که در طول
دوران هفت سال زندان از همسر
خود داشت ، همه اش با تمام تصورات
ب نسبت به همسرش صندق میکرد .

وقتی آندو از آغوش هم جدا شدند
ب به کناره باغچه تکیه داد . چند

قدم دور تر پشت سر خانمش چهار
یا پنج طفل دیگر باقیافه های نا آشنا
و کنجکاوی به آندو خیره می
نگریستند .

بچه ها در حدود هفت سال داشتند

آنها چهار بودند نه پنج ب در حالیکه
به کناره تکیه داده بود ، هر يك

از آن بچه ها را بانگاه پرشکری
از نظر گشتا ننداده از همسرش
پرسید :

کدامیک پسر من است ؟

مستی آور همسرش غرق شد پا هر
بار نفسی که ب میکشید ، مقدار از
هوای معطر را بصورت مرتب در
سینه فرو می برد .

رنگ رفتہ سفید ، يك چپرکت
در آن اتاق كوچك يك الماری
فلزی ، يك ميز و يك چوکی قرار
داشت اگر آدم می خواست به روی
چپرکت دراز بکشد ، مجبور میشد
اولتر چوکی را از سر راه خود بر
دارد .

ب به روی چپرکت دراز نکشید
بلکه صرف به لب آن نشسته ، به
تنفس کردن هوای اتاق پرداخت
به روی میزاشیا خورد ریزه فراوان
بصورت پراکنده افتیده بود مانند
کتابها ، البسه و سامان بازی اطفال
در میان این اشیا يك دانه آینه
کوچک جیبی هم وجود داشت .

ب صورتش را در آینه دید . او
قیافه خود را شبیه به مودی یافت
که در ویتترین واقع در خیابان سان
راد دیده بود .

ب آینه را از دستش به روی
میز چپه گذاشت و بخود اجازه نداد
در میان اشیا و سامان مربوط به
همسرش تجسس کند . در خاکستر
دانی يك توپ كوچك سفید رنگ
رابری با خطوط سرخ نظرش را بخود
جلب کرد . حتی به روی میز هم
رایحه دل انگیز پخش بود .

هنوز دو باره سر جایش در کنار
کلکین نشسته بود که خانم مالک
اپارتمان يك گیلاس قهوه و شیر با
دو پارچه نان برایش در اتاق آورد
وقتی ب تنها شد ، پارچه های نان
را فرو برده سر آن قهوه را نوشید
زنگ دروازه مجددا به صدا درآمد
و خانم گرایه نشین طبقه روی زمین
عمارت نیز يك پیاله قهوه و يك
پارچه نان مسکه دارو يك حلقه

سایب با یگدانه سیب برای ب
آورد . این سیب درست از همان جنس
سیب های بود که ب در راه آمدن
به منزل ، مقابل مغازه اتحادیه دولتی
دیده بود ، خانم ظرف قهوه را به روی
میز گذاشت . در چشمهایش اشک
دور می زد ، و پس از توقف چند دقیقه
مختصر از اتاق بیرون رفت .

ب به مجردی تنها شد محتویات
سینی را پاک خورد . او هنوز هم
ساعتش را كوك نکرده بود و نمی
دانست چقدر دیر است که کنار

باز میشد . در مقابل کلکین يك درخت
گیلاس که تنال قد بر افراشته ،
در سمت چپ قلعه بلند و سیاه کوه
اگر معلوم میشد ، در سایه درخت
گیلاس تاریکی سبز رنگی اتاق را
فرا گرفته بود . همینکه ب تنها
ماند و تنفسش حالت عادی را به
خود اختیار نمود ، متوجه رایحه عطر

آکین و مخصوص همسرش در
فضای اتاق شد . کنار کلکین
نشسته ، نفس عمیق گرفت و آن

رایحه لطیف را يك مرتبه دیگر در
سینه فر برد . ب به تاج پراز برگ
درخت گیلاس چشم دوخته ، تمام
وجودش در میان بوی خوشه و رایحه



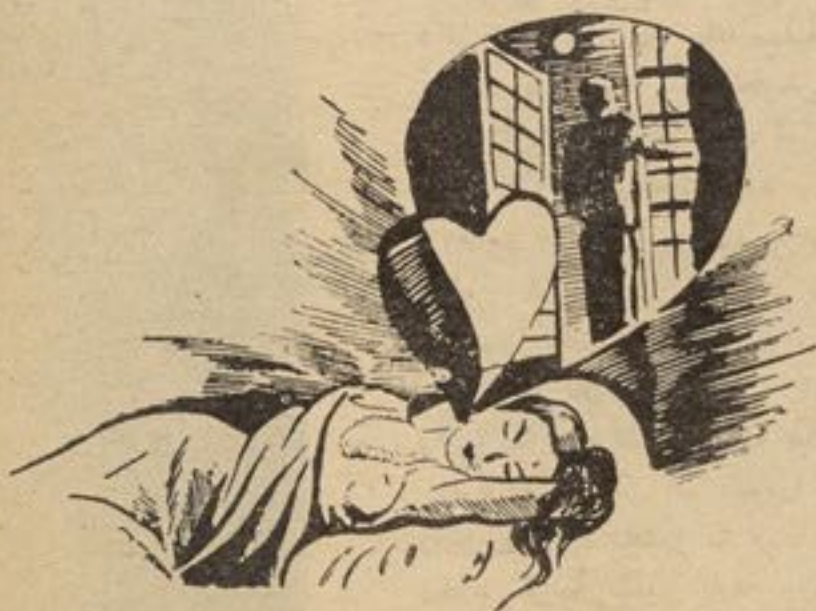


دهجران شپه

زنگاه

دېرېغه ولېدی یو خل معینه مخونه
 چه دراز لوی مړگان دراز قد ونه
 دراز قد دراز مړگان درازی زلفی
 دېرې شونډی زړه حوله واره غا بنو نه
 دگسمان شمس وقر نه تری قریان کرم
 عهد زمکی په سر واره سره گلو نه
 چه بی وویتم به مخ می اویسی درومی
 دپسرلی له واره وری پارا نو نه
 که یو خله بی مخ وویتم به سبرگو
 ما به زړه کتنی قبول کریدی تدریسه
 دهجران به شپه سوړ کپتانه سور اور شی
 یو زمان می باندی که لکی از خو نه
 توری زلفی دی په سبیتولیمچوزانکی
 ښا ماران دی دجنه یو به ښا خو نو
 که خدای غم دجدایی ورته آسان کړی
 ورحمان و نه آسان دی نور غمو نه

دېرېغه ولېدی یو خل معینه مخونه
 چه دراز لوی مړگان دراز قد ونه
 دراز قد دراز مړگان درازی زلفی
 دېرې شونډی زړه حوله واره غا بنو نه
 دگسمان شمس وقر نه تری قریان کرم
 عهد زمکی په سر واره سره گلو نه
 چه بی وویتم به مخ می اویسی درومی
 دپسرلی له واره وری پارا نو نه
 که یو خله بی مخ وویتم به سبرگو
 ما به زړه کتنی قبول کریدی تدریسه
 دهجران به شپه سوړ کپتانه سور اور شی
 یو زمان می باندی که لکی از خو نه
 توری زلفی دی په سبیتولیمچوزانکی
 ښا ماران دی دجنه یو به ښا خو نو
 که خدای غم دجدایی ورته آسان کړی
 ورحمان و نه آسان دی نور غمو نه



داوښکوماتم

دخه سوز نه دی پیدا کرم لکه شمع
 یوه لمبه دی سر تر با کرم لکه شمع
 خیر که سوزم، ماد خپل کاله رڼا کړه
 هدیرو ته دی رڼا کرم لکه شمع
 پندو سترگو ته داوښکو ماتم څه ده
 تا پندو ته به ژړا کرم لکه شمع
 رقیب پوند دی، یار ویده دی نهو ښیږی
 زه سترگی که تر ښا کرم لکه شمع
 (دوست)

عجز او نیاز

خاوری شومه نومی خای پاس به ورېل شه
 له دی رشکه به گلشن کښی مې او ی کل شه
 دلاله زړکی شه نور له دیره غمه
 له ناکامه دصحرا لور ته مایېل شه
 وگس ژېړ شه له ارما نه ښینکی باغ کښی
 چه داخای وحق زما ولی دېل شه
 آسمان هم له قهر شین شه چه داوی
 به معنی کښی جک له مانه یوه سل شه
 دعاشق پوی به عجز او په نیاز دی
 چا چه کړ له سر لوی راته خجل شه
 زاهد قرب غوښته به زور دعمل باندي
 همدغه عمل دده مخکښی حایل شه
 دا خاکی تن چه چا خاوری کړ به عشق کښی
 دالغت به زبه داسی و ستا یل شه
 (الفت)

کوتاه و دلچسپ خواندنی

قصه‌ای از «آریستید»



«آریستید» یکی از رجال معروف یونان قدیم بود، زمانی بسمت خزانه دار عمومی مقرر شد. چون مرد درستکار و شریف بود، دست‌رجال نادرست و مردان رشوه خوار را از اموال عمومی کوتاه کرد، و با جدیت هر چه تماخر در جمع آوری اموال عمومی و گرفتن مالیات که از سالها مانده بود کوشید تا اینکه بالاخره مخالفینش علیه او دسته بندی کردند و متهمش ساختند و او محکوم به پرداخت جریمه شد و مردم درستکار از این واقعه متأثر شدند و نه تنها اینکه پولی جمع کردند و جریمه او را پرداختند بلکه برای سال بعد هم بهمان سمت انتخاب شد.

امادرین سال (آریستید) از سخت گیری دست برداشت و در نتیجه آنان که در غارت اموال عمومی جرمی داشتند مانعی در ادامه دزدی نمی دیدند و در نتیجه دیگر کسی با او مخالفت نکرد بلکه همه از او تعریف و تمجید میکردند. تا سال دوم هم تمام شد و سال سوم نیز در حالی

که همه تعریفش می کردند خواستند او را انتخاب کنند ولی او گفت: (خدا همه ای شما را لعنت کند، زمانی که در کار جمع آوری اموال عمومی و جلو گیری از حیف و میل شدن و دزدی اموال کوشش میکردم، مرا به پرداخت جریمه محکوم کردند و بعد که سستی پیشه گرفتم تشویق کردند و در همه جا از من تعریف کردند.... این تعریف و تمجید شما مایه تنگ من است و از قبول این شغل برای بار سوم معذورم.)

استفاده از تایرهای کهنه

پس از کوشش و تلاش بی نهایت متخصصین کار خانجات بایر، توانسته اند که روش نوینی را برای استفاده از تایرهای کهنه بکار بندند تعداد تایر کهنه در آلمان قدر ل سالانه قریب به ۳۰۰۰۰۰ تن بر آورد شده است. با استفاده از روش جدید تایرهای کهنه به قطعات کوچک بریده شده و سپس با نوعی هارتز انعطاف پذیر جدید تر کیب گشته و بماده مصنوعی تازه ای تبدیل می کردند بعلت انعطاف پذیری و همچنین دایر شدن منفذ مناسب برای عبور آب، ماده نوین مخصوصا برای پوشش



تشخیص جواهرات بدل از اصل

شناخت جواهر اصل از بدل کار نیست دشوار، ولی کار خانجات سازنده امو نیاك در آلمان، چندی پیش به این فکر افتاد تا بدل سنگ های قیمتی را بسا زد برای رسیدن به این هدف با یدناب ترین المونیم و اوکسید رابندست آورد. کارشناسان بالاخره روشی را یافتند که المونیم و اوکسید ۹۹۹ درصد خالص را بوجود آورد، یعنی ماده اصلی لازم برای ساختن جواهر

بدل. این نکته از آنرو حا یز اهمیت است که، اندك كثافت در سختی سنگ تاثیر دارد. بدل سنگهای قیمتی به اندازه تقریبی ده سانتی متر در دو صددرجه سانتی گراد حرارت کوره های احتراق گازی ساخته می شوند و بعدا به آنها شکل و صیقل داده می شود. علاوه بر گو هر فرو شان، یکی از خریداران مهم سنگهای قیمتی بدل کانجات ساخت سازی می باشد.



پر حرفی نباید کرد



شده که فی صد هشتم از آنانسی که موی سر شانرا از دست داده اند، پر حرف بوده اند بدینوسیله به پر حرفان توصیه می شود که اگر به موی سر شان علاقه دارند، کمتر حرف بزنند.

تاحال در مورد اینکه چرا موی سر انسان می ریزد، نظریات متعددی داده شده است، ولی درین اواخر يك عده از دانشمندان امریکائی نظریه داده اند که: پر حرفی زیاد باعث از بین رفتن موی سر می گردد زیرا تاحال دید شماره ۲۶۹۲۵

ملکه زیبائی سال ۱۹۷۴ جهان



دوشیزه سویلن ایوا

به آسمانها میفرستادند در پایان بر نامه عکسبرداری که در کنار استخر فلیپاین ویلج هتل برگزار شد اهل مطبوعات بدرستی پی بردند که کدام دوشیزگان از طرف وینوس الهه عشق و زیبایی خوانده شده و چه کسانی نشده عکسبرداران سخت گیر در مورد عیب های دوشیزگان از ذکر هیچ حرفی خود داری نکردند داغ ها و نقص جلد به دقت خاطر نشان گردید .

دز آستانه داوری نهائی از دوشیزه گان مذکور پر سیده شد که به عقیده شان چه کسی به حلقه سحر آمیز داخل خواهد شد . ایلات سیسیلیا اسکاندن دوشیزه خیلی زیبا و خوش اندام کو لمبیائی مطلوب بسیاری از آنها واثمود شده بود .

این دوشیزه ۱۱۴ پوند همیشه قیافه فریبا و قشنگ محفل پنداشته میشد حتی هنگامیکه تحت پروگرامی هیجان انگیز هم قرار میداشت . وی در يك مصاحبه دو انگشتی را که خوش دارانش بوی تحفه داده بودند بی پرده نشان داد .

سونیا سیتیگی پورتوریکوئی یکی از زیبا رویانی بود که در جریان

زندگی برای ۶۵ دوشیزه که به کشور ملکه زیبائی جهان جهت رقابت برای کمائی کردن لقب زیبا ترین زن جهان گرد هم آمده بودند ، مانند ماهی طلائی در طر فی شیشه یی بود . این دو شیزگان از همان آوان موصلت شان با ساس عنعنات مردم این کشور مبنی بر مهمان نوازی از مردمان ممالک دور دست پذیرائی شدند ، و سرشار از خورد و نوش گردیدند .

هر جا که آنها میرسیدند مردم گردن می افراشتند تا باین زیبارویان جهان نگاهی کنند و حتی اگر برای لحظه ای زود گذر هم اگر باشند این روز مراسم پر شکوه در مانیلا برای مردمان عادی آن شهر که بسیاری شان نمیتوانستند حتی امید آنرا داشته باشند که انتخاب ملکه زیبائی سال ۱۹۷۴ جهان را شخصا تماشا کنند ، روز کیف آور ولدت بخشی بود . خوانندگان روز نامه ها جزئی

از اخبار مسابقه کنندگان زیبائی را در نامه ها و مجلات با حرص و ولع تمام میخواندند . که رویداد های هر روز را درین مورد به نمایش میگذاشتند میزان تماشگران خود را پمراقب افزایش میدادند . همینکه روز موعود فرارسید دو ستداران مسابقه به اصطلاح به جدا کردن گاه ازدانه و انتخاب زیبا رویان سال پرداختند . بسیاری از دوشیزگان مسابقه دهنده در نگاه اول بسیار جذاب و دلربا به نظر میرسیدند در حقیقت تماشگران چنان مبهور دشته ، زیبا رویان بودند که نمیدانستند کجا را دیرتر تماشا نمایند . پس از دور نخست فقط خاطره ای از گروهی بلوندها ، سبزینه ها و سرخ مویان در ذهن مردم بجا ماند و پس . با گذشت روز ها دا و ران بانگاه زیره کانه تری به بررسی زیبا رویان پرداختند تماشا چیان مسابقه زیبائی اکنون برندگان احتمالی را بهتر



دو شیزگانی که برای ملکه زیبائی انتخاب شده اند



داوری اولی مورد بیشترین بد رقه و کف زدن قرار گرفت که این داوری در ۱۶ جولای گذشته در تیاتر هنر های مردم (فولک آرت تیاتر) بر گزار شده بود. صرف نظر از پاهای بلند و دوست داشتنی اش طرز رفتار شکو همنش نیز ندا های تحسین آمیزی از طرف تما شا گران بر انگیخت.

دوشیزه عروسک مانند فنلند ی ها بنام جوها نارا نیونه تنها مورد پسند عکاسان مطبوعات قرار نگرفت که قبلا او را بنام ملکه عکسبرداری یاد نمودند بلکه مطلوب دیگران نیز واقع گردید. ولی وی در فکر آن نبود تاج پر طمع مسابقه ملکه زیبایی را بر باید.

دو شیزه یونان - جذابش را نمایان میساخت خیلی برجسته می نمود. نیلا مپرو نتوای ونیزو یلائی نیز بهمین پیمانه شایان توجه بود چشمان افسو نگرش دارائی بزرگ او بشمار میرفت وی تنها عده اندکی از فلیپاینی های خون گرم و باحرارت را در جریان مسابقه ببقرار ساخت بلکه عده زیادی را بر انگیخت. چندین نفر از کاندیدان بی پرده ابراز داشتند که کارین مسور یس

ساندرا گویمار او لیو پوا دوشیزه برازیلی نسبت بچندین کاندید، نمره بلندی تری گرفت. این دختر جوان امریکای جنوبی در لباس بومی دارای رنگ زرد روشنش که پا های



دو شیزگان آستریا ، انگلند ، سنگاپور ، هانکانگ و جاپان



دوشیزگان پارا گوای ، فلیپائن پر تکالی، وپور تو ریکو باجلوه ای شکوه پس از تاجگذاری جهت رسم گذشت ملت ها، درین جا نشسته اند شماره ۲۶ و ۲۵

بلند قامت و شانیه پهن دوشیزه • مدل عکاسی لندن دارای اندازه های اضلاع متحده در میان پنج نفر برنده ۲۶-۲۴-۲۳ می باشد. ماریا جانس لائو یائی اطمینان نهائی یقینا جای خواهد گرفت. زیبای هسپا نوی بنام امپا رو مونوز در همه چیز عالیمقام ترا از دو شیزگان دیگر بود. یکی از ناظران گزارش داد که وی گل سر سبد سر نشینان هوا پیمایی دی، سهی، شرکت هوا پیمائی فلیپائن بوده این اکثریس عالی در منزل تنها بزبان هسپانوی سخن میزند اندازه های او ۲۳-۲۲-۲۳ می باشد. بعضی فکر میکردند که کاتسی آن دو شیزه انگلندی چیزی کمتر از لقب ملکه زیبایی سال ۷۴ جهان با خود به ارمغان نخواهد برد. این

مدل عکاسی لندن دارای اندازه های ۲۶-۲۴-۲۳ می باشد. ماریا جانس لائو یائی اطمینان داشت بر اینکه کم از کم یک دوشیزه سیاهپوست - یادوشیزه جامیکا یا خودش در زمره پنج دو شیزه برنده شامل خواهد شد. در عین زمان دوشیزه سینگال پس از آنکه اعتراف نمود که بافتن موهایش چهار ساعت رادر بر میگردد، مورد پسند جمعیت قرار گرفت. انا کار لو تا ارکوجو دوشیزه اهل سلوا دور بایست در زمره بهترین دوشیزه ها حساب شود. هیچان اگر یک رای گیری عامه انجام میشد

ترجمه: شرعی
بخش چهارم

اثر: ۱. غنی یف
ت. ابویوا

شاعر کلاسیک پشته



خوشحال ختک

شوند، میتوانند حتی کوه را هم از میان بر دارند. سرم فدای اتفاق باد که سر چشمه تمام نیکی ها است. (اتفاق گل برو یاند و گلزار آفریند، اما نفاق خار زار بد آورد.)

خوشحال خان ختک ضمن اظهار نظر پیرامون شعر و شاعری، اهمیت بزرگ شعر را در ساحه تربیه و تبلیغ یاد آور میگرد. بعقیده او، شاعری کار هر انسان فاسق و کج اندیش نیست. این فن خاصه کسانی است که قلبی پاک و بی آرایش دارند راستگو و درستکارانند و بر خو دار از دانش و فضیلت. خوشحال خان ختک که در کار ایجاد ادبی خود بدین پرنسیپ اتکا داشت، در جوکات محدود افاده های انتزاعی و مفاهیم پندار گرایانه محصور نماند

در اشعار وی، مسایل مهم حیاتی و رویداد های دوره زندگی او، انعکاس وسیع می یابند. مثنویها، چاهه ها، چکامه ها، رباعیات و قطعات شاعر، از لحاظ موضوع، بارز تباطخویش به وقایع مهم حیاتی بر جستگی خاص دارند در رین اشعار و قهرمانی های شاعر در صحنه پیکار موضوعاتی از قبیل - حالات اجتماعی معیشتی قبایل مختلف پشتهون مناظر طبیعی، موقعیت جغرافیائی سر زمین مادری شاعر و مناطقی که دیگر قبایل افغان در آنجاها حیات بسر میبرند.

آنها و شغل و حرنه ای که بدانها اشتغال میورزند، حوادثی که در حیات معنوی آنها روی داده و معلومات مربوط بتاریخ زندگی افغانها، ترسیم میگرد و مسایل مهمی چون اخلاق، علوهیت، کار و شهادت، عزت نفس، تسوا ضعو

خوشحال خان ختک بخوبی میدانست که در مبارزه ضد امپراتوری مغل، تامین پیروزی، بدون اتحاد و همبستگی تمام قبایل پشتهون، کاری پس دشوار است و باید اینکه تا آخرین دقایق زندگی، باشمشیر خامه در راه تامین وحدت و یگانگی پشتهونها بخاطر تاسیس دولت مستقل ملی رزمید اما نتوانست در زندگی باین آرمان دیرین دست یابد. خوشحال خان علاقمندی شدید خود را باین آرمان شیرین چنین ابراز میدارد:

که توفیق داتحاد پشتهان مومی زور خوشحال به دوباره وشی پیدا خوان (۱).

به نسبت قرار داشتن در یک موقعیت اجتماعی مشخص، برای خوشحال خان ختک دشوار بود تا به عوامل اصلی تضاد های اجتماعی موجود در جامعه افغانها پی ببرد و از همین رهگذر نیز فقط بی سوادی پراگندگی و تشتت قبایل قوم خود را عوامی میداند که او را از رسیدن به هدف و امیدارند، چنانچه میتوان از ورای ابیات ذیل، باین درک خوشحال خان پی برد:

هره چار دپشتهان تر مغل پشته اتفاق ور سره نشسته دیرارمان. دپهلول او دشیر شاه خیری اورم.

چه به هندکی پشتهان ووبادشاهان شیر - اوه پیری بی مسمی باد - شامی وه.

چه به دوی درست خلق وه حیران یا مغه پشتهان نور و و داخه نور شول.

یا دخدای دی اوس دا مسمی شان فرمان

که توفیق داتفاق پشتهان مومی زور خوشحال به دوباره شی به (۱) کلیات خوشحال خان ختک با مقدمه و شرح دوست محمد خان کامل، پشاور، ۱۹۶۰، ص ۲۱۵.

(۲) همانجا، همان صفحه.

(۳) همان جاص ۸۷۶.

خود خواهی، مردانگی و جبن و امثال اینها بسا فضایل و رشاییل انسانی مورد گفتگو قرار میگیرد.

شاعر در یک قصیده طویل خود که متضمن بیش از ۱۳۸ بیت میباشد پیرامون زندگی و فعالیت شعری خود سخن میگوید. این قصیده یک سلسله معلومات ارزنده ای را که به ایجاد ادبی خو شحال خان خټک ارتباط دارد، دربر گرفته است.

دانشمندان سر شناس شو و وی و...، لیو شتیس در مقاله ای که تحت عنوان (شاعر بیکار جو) نوشته، به آفریده های ادبی خوشحال خټک ارزش بلند قابل گردیده و یکی از عوامل شهرت بزرگ او را در جهان شعر و ادب چنین میدانند که (او یکی از آن شاعران کلاسیک پشتو می باشد که تحت نفوذ صوفیزم قرار نگرفته اند).

اشعار لیو ریک خو شحال خټک در آثار شعری او موقعی بر جستگی دارند.

شاعر در جامه ها و دیگر اشعار لیو ریک خود، عشق و محبت، زیبایی طبیعت و مناظر محیطی را که خود در آن میزیست مستناید. جامه ها رباعیات قطعات، چکامه ها و مثنوی هایی که شاعر درین زمینه ها سروده با سلاست و روانی خود، با هماهنگی افاده های بدیعی و تشبیهات خود با واقعیت، خواننده را به شور و هیجان می آورند. با آنهم هنگامیکه سخن از سمن است میگوید، نمیتواند از تأثیر جر یان صوفیزم که طی قرنهای طولانی بر ادبیات کلاسیک دری حاکم بود، بر کنار بماند. اما عشق و محبتی که در اشعار (صوفیانه نما) خوشحال ترنم میگردد، آنسا نه بار به ترک دنیا فرا نمیخواند. شاعر در اشعار خود عشق پاک و بی آرایش، شور و نشاط زندگی، اضطراب و بیتابی دل را یک جا با پندی که از حیات فرا میگیرد، افاده میکند. ما میتوانیم با خواندن این غزل شور انگیز اساساً عمیق بر جاذبه خوشحال را پی ببریم: نیمه شبه می به پالنگ راغله دلبره

پری رویه، عنبر بو یه، سمنبره رنگینه جامی اغو سنی زر نگاری سره درسته تجلی وه باتر سره سربوی تور، بنیینه به لاس، باده بی خنبلی.

دمستی به خیل خان نه وه خیره دپائیلی اود خری بی شرنکها ر شو زله خوبه را پرتاب شوم لیر په دیرو ماوی گوره شا پیری وه که حوره چه داهسی شان په ما شوه برا بره توره وروخی بی لینده، بانه بی غشی غابیس بی در قیمت بها به لب شکره

په خندا اخندا بی دا اووی وماته چه ناوته نظره کته بی بصره ته مانه پیژنی زه هغه خو بایم. بله نشسته به خوبی ترما بهتره عاشقان خما دخولی په کلی دیروی بختور بی چه می و نیوی په غوره خو بوسی بی دلانو ومارا کړی حقیقی پیاله بی را کړله احمره وکړی درسته شبه مو سره د پالنگ وکړی دوصال خوینی بی لانه وه توره چه آواز موذن داذا و شو

په سحر له مانه ولاړه ناز پروره چه به دیر ارمان محبوبه درومی کشکی شیده خوار عاشق وی بیسحره چه عسی محبوبا خوشحال جدا شو دآتش لمبی بی درومی له بستره (۴)

ترجمه: (دلداد پیر یچهره عنبری بوی سیمین بر، نیمه شب بر بستم آمد.

جامعه های رنگین زرنکار بتن داشت و سر ایا جلوه و درخشش بود.

با موی سیاه، قدح در دست، باده مینو شرید و چنان مست بود که از خویشتن خبرنداشت.

با شنیدن صدای بازوب او و زیوراتی که بر سینه و جبین آویخته بود، ناگهان از خواب بیدار شدم.

با خود گفتم: مگر این حور است یا پری که بدین سان با ابروان سیاه چون گمان با مزگان های درز چون تیر، بادند انهای سفید چون درو بالبانی چون شکر، با روپرو شده است.

بالبان متیسم گفت چشم بکشا و بمن نظر کن، مگر مرا نمیشناسی من آن سر خیل خوبانم که بهتر از

(۴) همانجا ص ۱۰۲ - ۱۰۳

من در میان خو برو یان نمیتوان کردار شان فاصله زمین و آسمان یافت.

دلداد گان لب و دندان من، در اینجا بی شمارند، اما خوشبخت آن که من او را برگز نیم.

بوسه ای چند از لبان خویشم ارزانی داشت: باده ای حقیقی از ساغر گلگون خود بگام ریخت... تمام شب با هم در بستر راز گفتیم دقایق شیرین وصال پایا ن نداشت.

همینکه بانگ موذن بر خاست آن ماهروی ناز پرور از برم رفت. هزار افسوس که دلداد میروید ایکاش شب عاشق بیچاره سحر نمیداشت.

(خوشحال) که از آن محبو به طنز جدا مانده است، از سرا پایش روی بستر آتش می جهد.

از بر سی دقیق مطلع ک غزل دیگر خو شحال خان روشن میشود: عشق و محبتی که او سرا ینده آنست، همان عشق واقعی و حیاتی است. او درین باره چنین میگوید:

که دینکلو دیدن مینه گناه ده. سکه خو شحال خټک درست عمر جنایت کا (۵) ترجمه:

(هر گاه عشق دیدار ماهرو یان گناه باشد، در آنصورت باور داشته باش که خوشحال خټک تمام عمر گناه عکار بوده است).

شاعر آنانی را که ترک دنیا گفته و بگوشه عزلت خزیده اند، اینگونه با سخنان نیشدار مورد خطاب قرار میدهد:

کینینی به خلوت کینیی شیخه، سو دی راته وایه

ولی به خیل خان داهسی اورت جهان تنگ کړی (۶)

خو شحال خټک زاهدان ریاکار را بیاد طعن و ملامت گرفته رندا نه پرده سالوس وریارا از چهره آنان یکسو میزند و فاصله کردار آنان را با گفتار شان نشان میدهد.

ترجمه: (آنها کتاب آسمانی و کتا بهای زمین را میخوانند، اما میان گفتار و

(۵) همانجا ص ۵ (۶) همانجا ص ۱۲۱

تحمیل بیجا



تشخیص این بیماری آنقدر اشکال ندارد کسیکه گرفتار است بی منطق، متخاضم و متعصب جلوه میکند بعضی اوقات به تمام موضوعات و گاهی فقط را جمع بیک موضوع یا فشاری نشان می دهد این بیمار میکوشد مفکوره های غلط خود را در قالب سیستم و اصول بریزد و همیشه این مفکوره ها را بالا و پائین میکند تا تعبیر اصولی برای آن پیدا کند و نفس خود را اطمینان دهد هر گاه کسی برای بحث و مناقشه پیر دازد برای مدافعه خود کاملاً متعرض میشود و یا اینکه عقب نشسته در بساطن متغیر میگردد. این بیماری مانند دیگر انحرافات از عدم مسئولیت هیجانی و از خوف های اعتراف ناشی شده نشئت میکند. بیمار می گوشت حتی از نزد خود این علل را بوسیله عقیده باطنی مخفی نگه دارد.

علامت این مرض :

۱- طرز تلقی بیمار بصورت مزمن بر شک و تردید و بی اعتمادی

بنا یافته تصور میکند دیگران همه دشمن وی میباشند و کردار دیگران را همیشه تعبیر غلط میکند بنابراین به هیچکس اعتماد ندارد. ۲- بیمار مفکوره ثابت داشته و مفکوره های خود را در قالب سیستم و اصول میریزد و برای به کرسی نشاندن گفتار خویش تا پای مرگ می ایستد اگر هر قدر دلیل و منطق بگوئید باز هم به گفتار سابق

ایستاده و هرگز گفتار و دلیل دیگران را قبول نمی کند. ۳- نشانه سوم این بیماری خصوصیت و عداوت است ممکن این خصوصیت فعال یا غیر فعال باشد بیمار بوسیله خصوصیت سعی می کند خودیشتن را از تأثیر نفوذ دیگران و قوانین خود را دور نگه دارد. قوانینیکه در وی شک و تردید ایجاد نماید خود را حفظ کند.

معلومات تازه برای جوانان

کشتی ئیکه داخل بکس جا میگیرد



تعجب نکنید در عصر اتوم هر چیز امکان پذیر است.

ناگفته نباید گذاشت که تمام این چیز ها برای آرامی بشر واستفاده بهتر از آن به میان آمده و می آید. در عکس شما یک کشتی را می بینید که یک نفر بخوبی در آن جا میگیرد و بدون کدام مشکلی آنرا حرکت میدهد در حالیکه این کشتی کوچک داخل یک بکس سفری شده و بدون کدام زحمت از یکجا بجای دیگر نقل اده میشود.

کشتی مذکور از موادی ساخته شده که در آب شناور بوده دارای وزن ۱۵۰ کیلوگرام و طول آن ۷۰ متر عرض آن ۴۵ متر و ارتفاع آن با کناره های آن در حدود ۲۵ متر میباشد این وسیله جدید حمل و نقل در آلمان ساخته شده و علاقمندان آن اکثراً جوانان میباشند.

قیمت این کشتی در حدود هفت هزار افغانی میشود.

جوانان و استفاده از قضاوت سالم

در جستجوی

دوستان قلم

اینجانب احمد فرید متعلم لیسه تجارت میخوایم با کسانی که با مطالعه و کتاب علاقمند باشند مکاتبه نمایم. آدرس: احمد فرید متعلم صنف دهم لیسه تجارت.

آرزوی مکاتبه را با کسانیکه به جمع آوری تکت پستی علاقمند باشند و درین قسمت معلومات داشته باشند میخوایم مکاتبه کنیم. آدرس: زهرا متعلم صنف نهم لیسه آریانا.

اینجانب عبدالروف میخوایم مکاتبه نمایم. آدرس: کندز عبدالروف متعلم صنف دهم لیسه شیرخان.

مایل به مکاتبه با کسانی که در باره ادبیات افغانستان معلومات دارند میباشم.

آدرس: نذیر احمد متعلم صنف یازدهم لیسه حبیبیه.

اینست که يك نفر جوان آلمان با پروازی که از فراز يك قلعه قدیمی واقع در شهر «هی شین گن» واقع در آلمان غرب نموده است چنانکه در عکس دیده میشود باعث تعجب و حیرت همگان مخصوصاً جوانان شده است.

این جوان توانسته است که فاصله نسبتاً زیادی را با آله ای که بشکل کاغذ پسران است طی نموده.

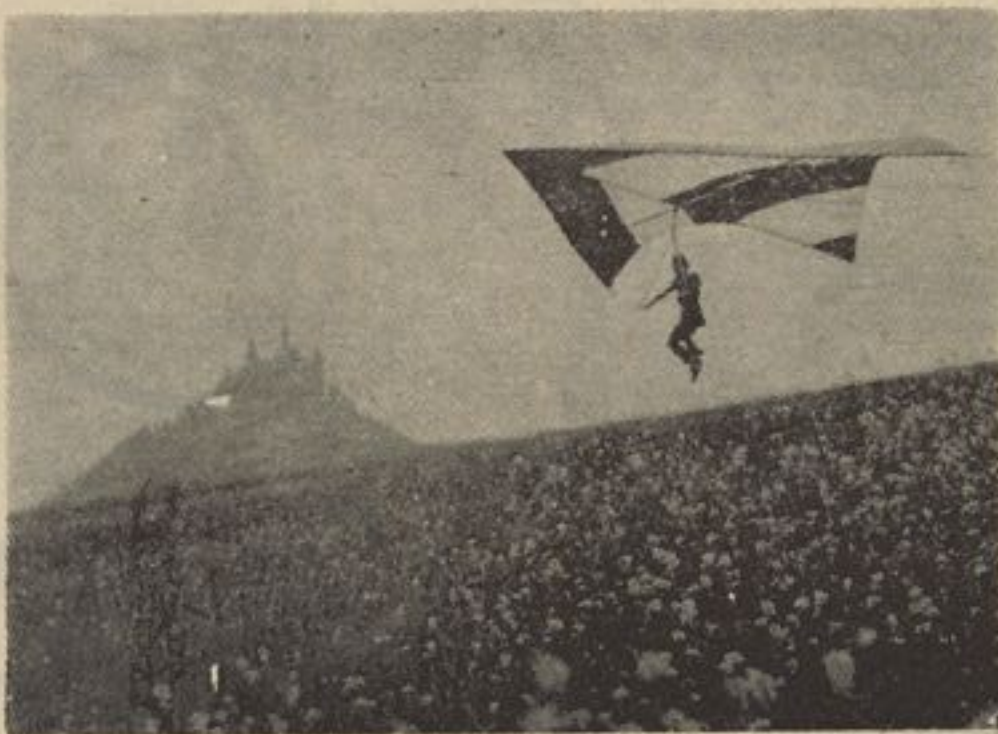
البته باید گفت که آله مذکور از تکه پراشوت و سیخ آهنی ترتیب و تهیه شده است عجیب این جاست که این ورزش در بین جوانان طرفداران زیادی پیدا نموده و هر روز بر تعداد آنها بیشتر میگردد.



خطاب کرد که دارای ذهن روشن و حسن تفکر مثبت، اخلاق حمیده، اراده متین، ثبات و غیره صفات نیک بوده و در تمام امور از ینگونه صفات خویش استفاده نیک نماید. جوانانیکه در يك محیط زندگی دارند نباید مصدر فعالیت های منفی گردیده و چشم امید همه افراد جمعیت خود را به ظلمت تاریک نمایند، زیرا در يك اجتماع تمام افراد آن نسبت به دیگر طبقات امید پیشرفت و ترقی را از جوانان واقعی و حساس دارند و همه به این آرزو میباشند که روزی جوانان شان پیشرو قافله ترقی و سعادت و آرامی آن جامعه گردند.

بقیه در صفحه ۵۶

از دنیای جوانان



و اطراف خویش تازگی ها و نو آوری ها بیاورند که هر کدام آن به شکلی تحولی در زندگی شان بوجود آورده است که نشانه از زندگی آنهاست ممکن است تحولاتی که در زندگی آنها بوجود می آید گاهی هم مفید نباشد. بهر حال مقصد ما

آنهاست که گفته اند دنیای جوانان دنیای عجیب و شگفت انگیز است، خیلی بجا و درست گفته اند. زیرا این جوانان آنکه که با کارهای خارق العاده و عجیب خویش توانسته اند در محیط، در خانه و بالاخره در زندگی خویش

تهیه و تنظیم از: سید احمد شاه (شامل)

آیا میدانید؟

به مرور زمان که سن بالاتر میرود، اعضاء بدن نیز پیرتر و فرسوده تر میشود.

مغز: روزانه ۱۰۰ هزار سلول آن از بین میرود ولی سلولهای (دور) آن برای هزار سال عمر کافیست.

گوش: بتدریج شنوایی آن ضعیف تر میشود و برای احتراز از آن لااقل میتوان از بزرگ کردن در جاهای پر سر و صدا مثل کارخانه خودداری کرد.

چربی: بالا رفتن سن مقدار چربی در اطراف کمر مردها و بالای ران زنهای زیاد میشود و علاحش ورزش است.

ریه ها: بهرور زمان ظرفیت و گنجایش آنها کم میشود و علاحش عدم اعتیاد به سگرت است.

پوست: حالت ارتجاعی خود را از دست میدهد و علاحش مواظبت از آن و اجتناع از عمل جراحی است.

کلیه ها: در ۶۰ سالگی تقریباً ۵۰ درصد فعالیت خود را از دست میدهد و برای جلوگیری از آن علاحی وجود ندارد!

عور مونهای جنسی: بهرور زمان فعالیتهای شان کاهش مییابد. چاره اش درزنها تزریق بعضی هورمون نیست برای عقب انداختن سن او در مرد ها داشتن يك زندگی جنسی -الم و متعادل.

استخوان بندی و بافتها: استخوانها بهرور زمان سخت تر میشود و بافتها حالت ارتجاعی خود را از دست میدهد و چاره اش سلولو تراپی، استعمال ویتامین با تزریق عور من است که نتایج هیچ يك صدد درصد مثبت نیست.

موها: به مرور زمان دچار ریزش شده و رنگ طبیعی خود را از دست میدهد. علاحش بکار بردن کماهای طبی و یا تزریق هورمونهای زنانه است که فعلاً بی خطر نیز نمیباشد.

چشم: دید چشم کمتر میشود، علاحی برای آن وجود ندارد و چشم تابع اورگانسم است سلول: به تدریج ضمن تکثیر، فعالیت سلول کمتر میشود و علاحی برای آن وجود ندارد.

قلب: قدرت و نیروی قلب به مرور کمتر میشود. علاح آن ورزش، فشار خون ثابت و تعادل روحی و جنسی است.

عضلات: بهرور زمان شل تر میشود، علاحش ورزش است و خوردن مواد پروتئین دار.

رگها: بهرور زمان سخت تر میشود، علاحی بر آن وجود ندارد ولی ممکن است سلولو تراپی یا عور مونو تراپی واقع شود.

زنیکه همپایه انیشتاین بود

افتخار فراوان مهمترین صفات خود را برای درج نظریات علمی و اکتشاف فیزیکی وی در اختیار میگذارند در حال حاضر، در محافل علمی، این زن را با آلبرت انیشتاین و مادام کوری مقایسه میکنند.

تأیید از این، مادام «چیان چیونگ وو» پرو فیسور عالی مقام پوهنتون کولمبیا و استاد بزرگ فزیک اتمی بود.

بسیاری از شخصیت های علمی واکا د میک جهان بر این عقیده اند که بزرگترین دانشمند فزیک جهان خانم «چیان چیونگ وو» می باشد این زن که در تحولات دانش فزیک عصر اتم سهم بسزایی دارد، در سراسر جهان از شهرت فراوانی برخوردار است و تمامی دانشمندان بزرگ جهان از او به احترام یاد میکنند و بزرگترین مجلات علمی جهان باعلاقه وافر

بخت و پز

رادروغن داغ سرخ کنید که کلابی شود.

تخم مرغ هارا بادو قاشق غذاخوری آب سرد بزنید مرغ و نمک بیفزائید. رویش نخود، بادنجان رومی و مکرونی بیاندازید، بمایمت بپزید وسط آنرا هم شور بدهید و اطرافش را با کارد بلند کنید که خوب خود را بگیرد. بعد آنرا به مدت یک دقیقه روی آتش قرار دهید آنرا چهار قسمت کنید و روی هر قسمت یک ورقه گوشت قرار دهید و بعد ...

سن مرد بالاتر میرود، تفاوت سنی او با زن میتواند بیشتر باشد. البته این فورمول برای تعیین حد اکثر بوده و نه جامعیت داشته و نه در مورد همه صدق میکند. بعضی افراد، از نظر قدرت جسمانی و انرژی جوانی، در شرایط بهتری قرار دارند و گروه دیگری پیرتر و شکسته تر از سن واقعی شان به نظر میرسند که در استفاده از فورمول متناسب سن ایده آل زن و شوهر معلوم خواهد شد.

فرستنده: سید احمد شاه شامل



ژوندون

تخمرو ستایی :

مواد لازم برای ۳ نفر :

یک دانه پیاز بزرگ - دو دانه بادنجان رومی - یکمقدار مکرونی - چهار تکه گوشت - چهار دانه تخم نمک و مرغ بقدر لازم و اگر بسیار شکم تا آنرا دوست دارید ۴ قاشق غذاخوری نخود پخته، تهیه کنید.

طرز تهیه :

پیاز را پوست و خرد کنید. بادنجان رومی رانیز پوست و خرد کنید. مکرونی را پخته کنید. تکه های گوشت را کباب کنید تا خوب نرم شود، پیاز

بدین قرار است که میگویند

در این معادله منظور از (س.ش) سن شوهر و منظور از «سن» سن زن است و به عبارت ساده تر اگر سن شوهر را نصف کنیم سن زن باید با افزایش عدد هفت به آن برابر باشد.

بطور مثال اگر سن مرد ۳۰ سال است سن زن باید نصف ۳۰ سال به علاوه ۷ یعنی ۲۲ سال باشد و یا مرد ۲۲ سال دارد سن زن باید ۱۱ به علاوه ۷ یعنی ۱۸ باشد.

بدین قرار در سنین پائین دختر و پسر با اختلاف سنی کمتر باید از دواج کنند و هر چه

زنان و دختران



تهیه از: مریم محبوب

تفاوت سن زن و شوهر تا چند سال

مناسب و قابل قبول است؟

از زن باشد از دواج آن ها دوام و استحکام بیشتری داشته اما باید واضح شود که این تفاوت چه حدودی باشد آیا دوسال؟ پنج سال؟ ده سال؟ و یا بیشتر؟
یک روانشناس مشهور فرانسوی به تازگی بابره گیری از محاسبات مغز الکتریکی موفق شده است فورمولی برای جواب دادن به این سوالات پیدا کند که به عنوان یک کشف جالب مورد توجه قرار گرفته و مورد قبول عده زیادی از دانشمندان واقع شده است.
فورمول پیشنهاد شده را نشاناس فرانسوی برای یافتن تفاوت ایده آل میان زن و شوهر

تفاوت سن زن و مرد در موقع از دواج چند سال باید باشد. اگر دختر و پسر هم سن باشند آیا با مشکلات مواجه میشوند. در ورتیکه بپذیریم ازدواج مرد مسنتر با زن جوانتر پیوند استوارتری میان آنها بوجود می آورد این اختلاف سنی تا چند سال مجاز و قابل قبول است.

پاسخ این پرسش ها تاکنون بدرستی و دقت روشن نبوده و هر صاحب نظری عقیده جداگانه ای داده است. اکثر روانشناسان و کارشناسان زنانشویی تفاوت سن میان زن و شوهر را لازم دانسته و عقیده داشته اند که اگر مرد چند سال بزرگتر

بر نام طلاق خط بطلان بکشید چون طلاق کلید بدبختی شما و کودک شماست

من حاضر نیستم زخم را طلاق بدهم

میکرد که من هیچگاه به مشکلات زندگی اندیشه نداشته باشم. و به همان پیمان زندگی قناعت کامل داشت.

اگر آب میخورم او همچنان آب میخورد و سکوت میکردن این که ... برای آسمانی بالایم نازل شد طوریکه در بالا گفتم شامل کار شدم و پول چند پس انداز کردم در محلیکه کار میکردم دختری بود. بلند اندام و خوش صورت حرکاتش طوری بود که هر بیننده را به خود جلب میکرد خلاصه هر چند گوشش کردم که از او دوری بجویم اما امکان نداشت تا این که من بکلی تحت لال او قرار گرفتم و همان بود که محیط گرم خانواده می ما دستخوش تصادفات شدن بکلی عوض شدم دردم اول شروع کردم به غایب شدن و رفتن و کوب اطفال معصوم و بالاخره کار به جایی رسید که خواستم زخم را طلاق بدهم زخم بایزرگوازی که داشت قبول کرد با آه و ناله فراوان و طفلش را گرفته از من کناره جست چندروزی گذشت ما دو از هم جدا شدیم ولی چه باید عرض کنم که وقتی همسرم و اطفال مرا ترک گفتند بدبختی روز های زندگی به سراغم آمد.

بودم نشیب و فراز زندگی من و همسرم را بی حد دچار مشکلات ساخته بودن بی پولی نبودن زمینه مساعد، زندگی آرام و دلاست نبودن وسایل کافی برای رشد دماغی و جسمی کودک و امثال آن ها پرابلمهای بود که من و خانم با آن مواجه شدیم اما از آنجائیکه توافق روحی بین من و خانم حکمفرما بود توانستم با همه مشکلات زندگی دست و پنجه نرم کنیم و به جنگ ناملا یقات برویم و طفل دنیا آمدند من هنوز بیکار در خانه بودم اما خوشبختانه زخم دست دوزی را خوب بلد بود و میتوانست که روز های فراغت را با نوخت سپری کند و هم یک مقدار پول برای خود بدست بیاورد به هر ترتیب...

بعد از سپری شدن چندسالی من شامل کار شدم و توانستم تا بسامانی های زندگی را با پول جبران نمایم، اطفالم روز بروز بزرگ و بزرگتر میشدند اما باید عرض کنم که در طول همین مدت جنگ و جدال و کشمکش خانواده می ابتدا در زندگی و دانشوهری ماراه نداشت و برعکس احترام متقابل بین خانه ما به صورت حسن حکمفرما بود همسرم همیشه به من احترام قابل بود و واحد توان گوشش

نوصیه میکنم به آنانی که بدخلقی میکنند و آتش نفاق و بد بینی را در بین خویش درگیر میسازند، آنانی که بهانه می طلبند، از خشم و ستیزه در مقابل زن فرزند خود کار میگیرند به شوهرانی که با کوچکترین سب و خطای همسرانشان آنهارا با ذکر کلمه طلاق شدید میکنند.

مقدمه را که مطالعه کردید موضوعی بود از لابلای نامه یک مرد با تجربه، این شخص در نامه خود از جنگهای زن و شوهر برای ما زیاد نوشته از تجارب خود مطالبی تحریر داشته است این شخص که خود را از مامورین رسمی یکی از وزارت خانه ها معرفی کردند برای ما بعد از یک سلسله مقدمه جیبی انتظار میگویند.

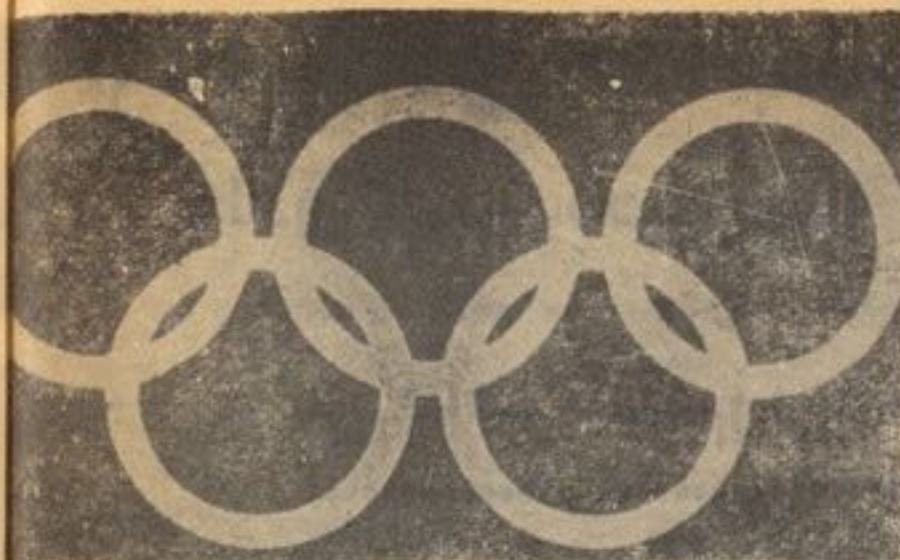
من مردی با تجربه ای هستم اگر چه از کار رسمی خود چندان تجربه ای حاصل نکرده ام اما در موضوعات فامیل تجارب زیادی اندوخته ام تقریباً پنجاه و پنج سال از سنم میگذرد زمانی که هنوز دست راست و چپ خود را نمی شناختم و ناخود دسترخوان پدر و مادر بودم سرم را به دستمال پیچیده برایم زن گرفتند تا موقع تولد اولین فرزندم به خانه پدرم نان خور



بشیرمان بودم سخت نادم شدم دوباره برطرف همسرم برگشتم و او بایزرگوازی خویش دوباره مرا بخشید اکنون خوشوقتیم که زنی مثل او دارم شما هم گوشش کنید که زندگی تا دستخوش نا ملایقات نشود. م. از سرای غزنی

عکسها و مودها





ورزش

دید و باز دیدهای ورزشی

استازینرو دایر کردن یک تیم والیبال با ذوق و علاقه که به این ورزش در کار است بس ساده ولی با آنهمه میان مردم حتی در دور ترین نقطه ذوق سرشار و استعداد کافی که میان کشور می بینیم متیقن هستیم که جوانان خود سراغ داریم تا مدت ها هیچ از آن تقدیر نمی شد و در مورد رهنمایی ایشان کدام اقدامی صورت نمی گرفت تا بالاخره دولت جمهوری باتوجه خاصی که دارد متوجه این تقیضه گردیده و ورزشکاران را مورد تشویق و رهنمایی قرار داد که از آن جمله والیا لیست ها نیز میباشند همانطور یکه گفتیم

ما نتیجه مثبت آنرا هرگز نادیده گرفته نمی توانیم و معتقد هستیم که این مسابقات در بهتر شدن تکنیک و تکنیک بازی های شان رول عمده را بازی مینماید. چون ما به استعداد ذوق، لیاقت فهم ورزشکاران خود بخوبی واقف هستیم خوشبختانه ما در سراسر کشور بهترین ورزشکاران در هر رشته خصوصاً والیبال داریم زیرا این بازی تنها یک جا ل بکار دارد و یک میدان کوچک که تدویر آن در هر نقطه مقدور و میسر

این هفته ما اخبار جالبی از جهان ورزش داریم که مشکل از مسابقات تیم والیبال جمهوری مردم چین به کابل مراجعت تیم های والیبال و باسکتبال و فوتبال بوطن و همچنان اشتراك تیم های پهلوانی و اتلتیک افغانی در بازی های آسیایی است. به اساس پرو گرام کلتوری بین دولتین جمهوری افغانستان و جمهوری مردم چین پس از مسابقات فوت تیم فوتبال افغانی به کشور دوست ما چین هیات والیبال لیستان جمهوری مردم چین بکابل مسافرت نموده و در مدت اقامت خویش با تیمهای افغانستان بانک، نادرشاه مینه، پوهنتون کابل قوای هوایی و منتخبه کابل مسابقات دوستانه انجام دادند که در آشنایی بیشتر جوانان ورزشکار میان مملکتین خیلی موثر و مفید بود. هیات طی اقامت خود در کابل دید و باز دید های موثری با ورزشکاران افغانی انجام دادند که در تشدید مزید روابط میان مردمان هر دو کشور خیلی موثر میباشد.

با این مسابقات سومین بار است که تیم منتخبه والیبال در ظرف همین سال باتیم های خارجی مسابقاتی انجام می دهند که



مسابقات تیم والیبال جمهوری مردم چین با تیم های والیبال کابل در چندین جا صورت گرفت که یکی آن در غازی ستد یوم بود

دورزش تربیوی ماهیتونه

ورزش او بدنی روزنی په تربیوی ماهیتونو باندی ستره اغیزه لری او باید وویل شی چه لایر اوسه پوری د اقلیمی شرایطو له نظره ورزش او فیزیکی تمریناتو تربیوی ماهیتونه په علمی او مسلکی په ښه توگه خپل شوی نه دی او په دغه برخه کښی د سپورت او ورزش د پوهانو له خوا خپرني روانی دی .

په شوروی اتحاد کښی دور زشی ماهیتونه دخیالو، درجه بندی او تثبیتولو دپاره په ځانگړی توگه تربیوی مرکزونه شته دی چه د ښوونکو ترخارنی لاندی کوچنیانو ته د راز راز ورزشونو لوست اوژده کړی ترسره کيږی. ویل شویدی چه د فیزیکی تمریناتو تنوع اود ښوونکو روش اوسلیقه په تربیوی ماهیتونو باندی مهم نقش لری، کهچیری په ډله ایزه او گروپی ډول ورزش تربیوی پرو گرامونه تر تطبیق لاندی ونیول شی غوره نتیجی به ورڅخه ترلاسه شی خوبه عین حال کښی د ډله ایزو ورزشی تمریناتو د پرمخ وړلو دپاره د ښوونکو ورزشی استعداد او دغه راز د تشویق عامل د زیاتی پاملرنی وړبلل کیدای شی. اوس د مسکو په ښار کښی دورزشی استعدادونو د تثبیتولو دپاره دورزشی مهرانو هلی ځلی روانی دی .

(د ا. پ. ن له خپرونو څخه)

ابتکاراتو پیل شویدی. دماهرانو دورخنیو خپرنو او تجربو له مخی دورزش او فیزیکی تمریناتو په تربیوی اړخونو کښی یوزیات شمیر عوامل اغیزه لری چه د هغوله جملی څخه دورزش او فیزیکی تمریناتو تنوع، دورزشی لو ښو وسیلی او سپورتي ډگرونه اود ورزش او فیزیکي روزنی نوی طریقې د ذکر وړ بلل کيږی د ماهرانو طریقې د ذکر وړ بلل یکنواخت او په پرله پسې توگه یو ډول ورزش نه یوازی سترتیا راپیدا کوی بلکه په عمومی توگه دورزشکارانو استعدادونه هم شنووی او په تیره دوړکتوب او کوچنیوالی په دوره کی باید د سپورت د تنوع اود سپورتي وسایلو د ښکلا عامل باید هیڅکله هیر نه شی .

ددی له پاره چه دورزش د تر - بیوی اړخونو سره څه ناڅه مرسته او کومک شوی وی شوروی ماهرانو عقیده څرگنده کړیده چه دورزش د انکشاف او په تربیوی اړخونو کی دغه دودی او تدریجی تکامل دپاره یوه غوره لاره داده چه دوړکتوب په دوره کښی دورزش تربیوی ماهیتونه تربیت او وټاکلی شی اوبیا وروسته د طبیعی زکات د به نظر کښی نیولو سره دورزش ډولونه وټاکل شی. دغه راز دورخنیو تجربو له مخی اقلیمی شرایط هم په وار سره د

د ژوندانه په ټولو دور و کښی او په تیره دوړکتوب او ځوانی په مرحلو کی ورزش اوبدنی روزنه دار گونیزم د تدریجی ودی او تکامل پاره یوه مهم او ضروری عنصر بلل کيږی .

په داسی حال کښی چه اوس دورزش او بدنی روزنی د تمریناتو د اجرا کو لو اوسر ته رسو لو دپاره نوی شرایط او امکانات درا منځ ته کیدلو په حال کښی دی گورو چه ورزش او فیزیکی تمریناتو تربیوی ماهیتونه هم دورزش د ماهرانو د زیاتی پاملرنی وړ گرځیدلی دی او د ۱۹۷۴ کال د شروع څخه را په دیخوا په تربیوی اړخونو کښی د کوچنیانو دورزشی استعداد د نوسود وړولو دپاره په یولې نوو تربیوی



په گروپی توگه د کوچنیو ورز - ښکارانو د تربیوی تعلیماتو ټولنه څخه

از منابع شوروی

قهرمانان جهانی

نیز می شوند به آمادگی مسابقات المپیا در اتحاد شوروی میخوایند پخومو او الکساندر گرشکوف برای آماده شدن در مسابقات المپیا که در سال ۱۹۷۶ صورت میگیرد آغاز نموده اند زیرا در پروگرام دوازدهمین مسابقات المپیک برای اولین بار بازی روی یخ شامل گردیده است. سازمان ورزشی اتحاد شوروی در نظر دارد که پروگرام جدید

هفت سال است که لود میلا پخومو او الکساندر گرشکوف در مسابقات قهرمانی بازی روی یخ اشتراک می نمایند و در طول این مدتی که در مسابقات اروپائی و جهانی حصه گرفته اند کلسیون بزرگی را از مدال های درجات عالی جمع آوری نموده اند. در مسابقات قهرمانی جهانی سال ۱۹۷۴ که بازی های روی یخ در شهر مونشن صورت گرفته بود میلا پخومو

و الکساندر گرشکوف برای پنجمین بار برنده مدال طلایی گردیدند این دو قهرمان را با هم زن وشوهر



در تصویر این دو قهرمان را موقع اجرای یکی از مشکلات این قسمت مسابقه را می بینید. شماره ۲۶ و ۲۵



این زن وشوهر همیشه یکجا به تمرین میپردازند .

مردی با نقاب بقه

تا اینجا داستان :

گنتر مامور لایق پولیس به تعقیب سازمان بقه ها زندگی اش را از کف داد. **لك معاون كمیسر پو لیس به تشویق ديك كاردو ن به تعقیب مایتلند پیر كمردم موزی است میباید . رای بنت جوان كه نزد مایتلند كار میكند ، به اثر تشویق لولا بسا نسوا پارتمان لو كس به كرایه گرفته می خواهد به خدمت خود نزد مایتلند پیرخانه دهد و تلاش خواهرش برای ادامه كار او نزد مایتلند به كدام نتیجه نمی رسد و او را ترك میكند . ديك از طرف وزارت خارجه انگلیس مامور حفاظت يك سند میشود . اما اسناد از سیف منزل لارد فار میلی بطرز اسرار آمیزی به سرقت میرود با تحقیقات پو لیس هاكن مدیروكلپ هیرون گرفتار میشود . اما هاكن بطرز عجیبی فرار میكند و اكسون پولیس به اثر اشتباهی كه دارد بكس های راکه مرا جعین در شعبات حفظیه استیشن های ریل به امانت می سپرند در دفتر مرکزی تفتیش مینماید . در اثنای تفتیش بمبی در دفتر پو لیس متعلق میشود و اینك بقیه داستان .**

جانسن پاسخ داد: این را نمی دانم شاید همینطور باشد كه شما میگویید منظورم اینست كه بخوشی حاضرم اورا كمك كنم . چندین كار دیگری هم هست كه كمتر با اهمیت مینماید و شاید طوریکه شما میگویید رای نخواهد دفعتا يك چنین كار پر مسئولیتی را قبول كند .

دیک نظر قطعی اش را ابراز داشت: یقینا نمی خواهد باز مسئولیت به این بزرگی را دفعتا بدوش خود بكشد. لك اظهار داشت: به نظر من مشكلترین كار برای مانجات رای بطوركلی از جنگ سازمان بقه ها می باشد يك بار يك بقه ، همیشه بقه . و این آقای لمبریك كه دست روی دست و چهارزانو نشسته ، سرانجام سقوط خود را به چشم سر خواهد دید . ما اورا گرفتار خواهیم كرد . امروز صبح ما شاهد يك حرکت جنایتكارانه آنها و سقوط شان نسبت به جان جانسن به روی خیابان بودیم . آنها میخواستند جانسن را به ضرب گلوله از پای در اندازند .

دیک لب نی را از گوشه دهانش دور کرده حلقه غلوی ازدود آبی را بهوا فرستاد و سپس اظهار داشت: بقه میدان را باخته و مشتش باز شده است . یكانه سوالی كه باقی مانده اینست كه برای خاتمه دادن به این بازی کدام راه بهتر خواهد بود . بالدر دستگیر شده و هاكن در زندان بسر می برد . لیو برادی یکی از اجنت های بانفوذ بقه كشته شده و لولا ...

لك گفت: لولا رفته است . او امروز صبح عازم ایالات متحد امریکا شده جوشا برادر امكانات مسافرت لولا را توسط كشتی به امریکا فراهم ساخت . باین حساب تنها شخص بقه باقی میماند و سازمانی كه او آنرا اداره میكند . بمجرودی دستگیر شود با تمام تشكیلاتش درهم می باشد و كلیه اعضای باندش تسلیم خواهد شد .

در همین لحظه جان بنت نزد آنها برگشت و به این ترتیب موضوع صحبت تغییر كرد . چند لحظه بعد جانسن خدا حافظی کرده رفت .

دیک پرسید: آقای بنت ، شما به چه دارزده شد .

جان بنت سرش را پایین انداخته ایلا چیزی نگفته اید ؟ - درباره خودم ؟ نه چیزی نگفته ام . مگر لازم بود چیزی میگفتم ؟

دیک به آرامی گفت :

تصور نمی كنم . بنظر من بهتر است بگذارید این موضوع به حیث يك سرپین شما و رای باقی بماند . من مدتها پیش این موضوع را میدانستم . در همان روز كه لك بمن گفت شما را در استیشن ریل كیك كراس دیده بود و در همان روز سرقتی هم بوقوع پیوست من دریافتم كه در همان روز یكنفر را در زندان پورك به دار آویختند . من بخودم زحمت داده درستون های مخصوص وقایع جنایی روز نامه ها و جراید به جستجو پرداختم و سر انجام دریافتم كه قرار ادعای لك **هر بلا غیبست شما پاسر قتل و دزدی همراه میبود .** اما همیشه در طول يك سال آنقدر دزدی و سرقت در انگلستان بوقوع می پیوندد كه اگر این تصادف رخ نمیداد ، عجیب می نمود . اما اتفاق های دیگری هم واقع میشد . در روزیكه قتل درجلی کاپس رخداد ، شما در گلاسستر بودید . و درست در همان روز ویلیس قاتل هر فورد

كه اشخاص را محكوم میكند و در پای ورقه حكم اعدام محكومین امضاء مینماید ما همه ایزاز و سا مانی هستیم برای برقراری نظم . ایلا و پدرش آنشب را در هارلی تریس مانده ، فردا صبح عازم استیشن یاد ینگتن شدند تا رای را در آنجا ملاقات نمایند .

دیک از آنها همراهی كرد لك اظهار داشت: اما بنظر من بسیار جالب می آید كه نه شما و نه من بنت را درست می شناسیم .

دیک گفت: چگونه باید او را می شناختیم نه تو و نه من هنگام اجرای

حكم اعدام محكومین حاضر میبودیم و قاعده شخصی كه اجرای حكم اعدام را بعهده میداشتند باشد و هویت جلا دان مخفی میماند و حال اگر او میخواست از خود حرف بزند ، او به شهری كاذب و قابل اندیشه می شایید میترسید . بنت از مواجهه شدن با ذهنیت عامه رم میكند و حتی از ظاهر شدن در استیشن های ریل شهر های كه محكومین اعدام میشد دوری میجست . او عادتاً دريك از استیشن های قراء نزد يك شهر مورد نظر از ریل پیاده میشد و باقیمانده فاصله را پای پیاده میرفت و خود سرا به محل كارش میرساند .

سر محافظ زندان گلا سستر بمن گفت كه او همیشه نیمه شب يك شب قبل از اجرای حكم اعدام خودش را به زندان می رساند . هیچكس آمدن و رفتن او را ندیده اند .

اما مایتلند پیر غالباً جان بنت را می شناخته است .

دیک باسر اشاره كرد . به احتمال قوی آری . مایتلند مدتی را در زندان بود و امكان دارد كه بعضی از زندانیان صاحب امتیاز میتوانستند جلاد را ببینند و بشناهند منظور من از زندانیان ممتاز كسانی میباشند كه بعلت رفتار خوب شان با زندانیان اجازه میدادند با شند در محوطه زندان آزادانه گشت و گذار كنند . ما یقیناً به ایلا گفته بود كه او مدتی را دريك سو را خ گذشتا نده و این به عقیده من بهترین تعریفی برای حبس بودن خودش بوده است تمام مكاتیب رسمی برای بنت به دور كینگ می رسید ، جایی كه او يك اتاق را برای تمام طول سال به كرایه گرفته بود . مسافرت های اسرار آمیز او در شهر برای مردم مرموز جلوه نمی نمود . زیرا آنها نه شكل او را دیده و نه نامش را شنیده بودند .

وقتی لك شام به هارلی تریس آمد و ديك را در آنجا ندید دچار حیرت شد . پیشخدمت اطلاع داد كه صاحب پس از استراحت مختصر لباسش را عوض کرده و بدو ن گذاشتن پیا می بیرون رفته بود . ديك معمولاً به تنهایی به گردش نمی رفت و لك نخست اینطور فكر

های خود ضرورت دارم البته در
صور تیکه مطابق نظریه سلینسکی
در آینده هم نتایج و لغوای داشته
باشد و در خلال آن وقتی ایلا عروسی
کرد تو میتوانی به جمع کردن کچالو
هم بپر دازی.

رای متعجبانه بسوی خواهرش
دیده پرسید: ایلا واقعا عروسی
میکند؟ آنگاه بسوی خواهرش
دویده او را بو سیدوبه ایلا گفت: خواه
هر خوشحالم که اتفاقی که برای
من افتاد ترا متضرر نساخت.

ناتمام



میالغه را در پیش گیرم.
تصور میکنم يك زندگي آرام و
مطبوعی در منزل برای خودم بسا
کندن و جمع آوری کچالو از مز رع
فراهم سازم راستی کار در مزرعه
راتر جیح میدهم و بانها يت خوشی
این کار را میکنم.

پیرمرد متفکرانه به روی ســر
میزی خیره مینگرست. و پس از
لختی تفکر اظهار داشت:

من یکنفر معاون برای قلمبرداری

ایلا در کنارش بنشیند.
تو فان با آن که به شدت به
شیشه های کلکین میخورد به آرامش
وراحت اینکه در منزل حکمفرما بود
عظمت بیشتر میبخشید. هر لحظه
دست به صورت تراشیده و صاف
خود در میکشید و باروش نمی آمد
این دست کشیدن بصورت یگانه
دلیل محکم برای آن بشمار میرفت
که بیدار است و احساسی اوبه دنیای
واقعیت ارتباط دارد. وقتی ایلا چای
چای جوشان را آورد جان بنت به
پسرش گفت: پسر برو چو کی خود
را بیاور. رای محتاطانه از جایشی
برخواست و يك چو کی و یسرا در
جایی ماند که همیشه در آنجا می
بود. به طرف راست پدرش
گذاشت.

جان بنت پشت میز نشست
خودش را کمی به پیشروی خم کرده
بود. جان بنت سایلها هنگام صرف
غذا خودش را همینطور قرار داده و دعا
میکرد اما رای همیشه پدر را درین
کارش مسخره میساخت. اما حال
برای او این دعا خواندن کیفیت
خاصی پیدا کرده دلش از شوق
می تپید.

برای تمام نعماتی که بما ارزانی
داشته ای از تو سپاسگزاریم.
غذای عالی بود بسیار با مزه تر
از هر وقتی که در کلپ هرون می
خورد. و هم براتب خوش خورتراز
غذا های بود که در آن رستوران
قیمتی بالو لا صرف میکرد. رای
کارد و پنجه را گذاشته در حالیکه
تبسمی بر لب داشت به عقب تکیه
کرد و به بسیار سادگی گفت:

خدایا شکر که در منزل هستیم
پدرش از زیر میز دست او را به
سختی فشرد که رای احساس درد
نمود.

جان بنت خطاب به پسرش
اظهار داشت: جانسن تصمیم گرفته
آمریت شرکت مایتلند را بگو و گذار
شود. بلی او اینطور تصمیم دارد.
پسرم نظر تو درین باره چیست؟

رای سرش را شور داده پاسخ داد
من برای اداره شرکت مایتلند همان
قدر مناسبم مثل آنکه ریاست بانک
مرکزی انگلستان را بمن واگذار
شوند.

در حالیکه لبخند خفیفی میزد به
حرفش ادامه داد: نی پدر تو قعات
من امروز مثل دیروز زیاد نیست و
میل ندارم در زنده گی راه اغراق و

کرد که شاید ديك به هواسها مرفته
باشد الك به بستر مستريح ديك
نظر انداخته بفكر استراحت افتيد
امانمی خواست بدو نديدن ملاقات
کردن با آمرش به منزل پر گردد.
بنابر این به اتاق کار ديك رفته روی
آرام چو کی دراز کشید و تقریبا
بخواب رفته بود که کسی آهسته به
شانه اش زد. الك چشمها یسرا باز
کرد و ديك را در مقابل خود ایستاده
دید.

الك با چشمهای خواب آلود
اظهار داشت: شما میخواستید
تمام شب را در پیرو ن از منزل
بگذرانید؟

دیک در جوابش گفت: مو تر من
دم دروازه ایستاده است بالا پوشی
خود را بردارید و بمن بیایید ما میرویم
الك در حالیکه فازه میکشید به
ساعت نگاه کرد اعتراض کنان گفت:
او درین ساعت شب در بسترش
غنوده است.

دیک جواب داد: امیدوارم همین
گونه باشد اما من ترس دارم زیرا به
من اطلاع رسیده که در ساعت ۹ شب
بقه بزرگ را در خیابان های -
هواسها م دیده اند.

باشنیدن این مطلب الك کاملاً بیدار
شده بود بانگاه تعجب انگیزی -
پرسید.

این مطلب را از کجا می
دانی؟

دیک جواب داد: تمام شب مراقب
او بودم. اما او از چنگم فرار کرد.
الك آهسته تکرار کرد: شما
بقه بزرگ را زیر نظر گرفته بودید؟

مگر شما او را می شناسید؟

دیک جواب داد: من او را از يك
ماه به اینسو می شناسم.

تفنگچه خود را هم بردارید.
یگانه خوشبختی که در زندگي
باخوشی های دیگر قابل مقایسه نمی
باشد. زمانی به انسان دست می
دهد که یکی از وابستگان نزد يك از
خطری وارسته به سلامت نزد ما بر
گردد.

رای بنت در پهلوی پدرش نشسته
بانشاط و سعادت تمند مینمود و از
خوشحالی بسیار سر از پای نمی
شناخت. برای او مثل رویا بود و
باورش نمی آمد که باز هم در یسن
تشیمن خوش هوا با پرده های مقبول
اش بنشیند و بوی عطر خفیف لاوندل
بخاری بزرگ دیواری و کلکین های
تکلی آنرا دوباره ببیند و خواهرش



ترجمه ژرف بین

رسم و رواج کهنه

ویتیا گر بیسوف بعد از فراغت از امتحان به این شهر آمد و فوراً مجذوب او شد. در فابریکه ای که گماشته شده بود همه چیز را مطابق ذوق خود یافت زیرا بصورت کلی کسانی که چرخهای این فابریکه را به دوران می انداختند همه مانند ویتیا جوان، خوش صحبت و مزاحی بودند. پس از چند روز او با همه شناسایی حاصل نمود. حتی گالیه منشی پروگرام های فابریکه او را به سالکری تولیدی خود نیز دعوت کرد. و گفت که روز پنجشنبه ساعت شش منتظر شما هستم.

ویتیا پوره ساعت شش شام حاضر شد گالیه او را به بدخل اپارتمان دعوت نمود و دست گلی را که با خود آورده بود از ویتیا گرفت و در یکی از گلدان های قشنگ کریستالی گذاشت ویتیا گفت: گلدان زیبا می است.

گالیه مثل اینکه این سخن نفس تازه ای به او داده باشد با وجد خاصی گفت:

— خوش آمد؟ آنها بردار از تو باشد. در شهر ما عادت است که از هر چه مهمان تعریف کند مالکش میشود.

ویتیا جوان از حرفش خجالت کشیده گفت:

— چرا؟ برای چه؟ این چه حرفی است که شما میزنید؟ گالیه از حالیکه چشمانش را چند باری سرعت باز و بسته کرد بلا لبخند خاصی گفت:

— رد کردن آن کار درستی نیست ازین علت شدیداً آزاده خواهم شد. و بدین ترتیب ویتیا و قتیکه از خانه

می بر آمد تحفه ای زیر بغل داشت. میخواست جای دیگری برود ولی گلدانی که در دست داشت مزاحش بود بگر است بطرف منزل روان شد. روز دیگر ویتیا در مهمانی سر میخانیک فابریکه اشتراک جست که هنگام خروج شش جلد کتاب سرو-انس را زیر بغل داشت و در پجشبه دیگر همینکه از منزل میخا نیسک شنور کوف برون شد بسته ای از ظروف چینی در دست معلوم میشد. روزی بعد از ختم کار ریابوف یکی از منتظمین فابریکه رو به ویتیا کرد و گفت:

— بیا امروز بخانه ما برویم و در پروگرام رنگه تلویزیون کنسرت جالب دور ژاک را که بیانو می نوازند تماشا کنیم.

— با کمال میل.

به منزل ریابوف آمدند و پس از مدت ده دقیقه تماشای پروگرام کنسرت در تلویزیون ویتیا خسته شد و گفت:

— چه تلویزیون قشنگی دارید. منتظم فابریکه سخنان را با تکان سر تصدیق کرد. مثل اینکه هیچ حادثه ای اتفاق نیفتاده باشد به تماشا کردنش ادامه داد.

مهمان فکر کرد که شاید پروگرام تلویزیون واقعا سرگرم کننده است و به سخنی که من گفته ام متوجه نشد از اینرو پس از ختم پروگرام



زن: مهمان بکار یارید

دو باره گفته اولی خود را تکرار کرد:

— شما چه تلویزیون قشنگی دارید. ریا بوف تأیید کنان جواب داد.

— بلی بسیار مقبول است. — من هم همین را گفتم و تلویزیون شما خوشم می آید. — بسیار عالی کار میدهد. ویتیا خیلی ناراحت شد و با خود گفت: «این چه آدم نادان و نفهمی است.»

— تلویزیون شما خیلی ها زیباست. لاکن احتیاط کن که برسم قدیمه آنها بمن تحفه ندی رنگه اش خیلی ها تیز و زننده است.

— ناراحت نشوید آنچه را که تحفه گرفته اند هدیه نمی کنند.

— چه چیزی را تحفه گرفته اند؟ — تلویزیون را میگویم همین تلویزیون را به من داده اند. — چطور تو میتوانی ثابت کنی که این تلویزیون را نخریده ای؟ — ومن حتی در فکر ثابت کردن آن هم نیستم زیرا تمام شهر می دانند که در تمام زندگیم جنسی را متعلق به من است خریداری نشده است. و تمام آن اجناس تعریف و توصیف شده است که توسط من صورت گرفته.

ویتیا فریاد زد:

— همه شهر میدانند ولی من نمی دانم! من انسان مساقری هستم. و برای آخرین بار برای شما میگویم که (تلویزیون شما خیلی ها مقبول و مورد پسند منست)

و یا اینکه به پولیس اطلاع میدهم. ریابوف نیز فریاد زد.

— اطلاع بده! او خودش شاهد است که این تلویزیون را من در منزل یکی از همکاران صفت کردم و گرفتم.

ویتیا با قهرو غضب در را بروی ریابوف زد و از منزلش بیرون شد و تا امروز دیگر حتی با او سلام علیکی ندارد.

آیا ممکن است انسانی را که به عادت و رسوم همیشگی و قعی نگذارد احترام کرد؟

ژوندون

این جهانگردان

جهانگردی برای دوستش تعریف میکرد.

- بلی ... روزی من در افریقا در چادرم نشسته بودم که ناگهان شمیری در مقابل من ظاهر شد و چون تفنگ در دسترسم نبود يك سطل آب روی پوزه اش ریختم دوستش گفت:

راست میگویند ... همان روز من در افریقا بودم و همان شیر را دیدم که آب از یوزش می چکید و در بدر به دنبال دستمال می گشت

خوراك مرغ

اندو تازه باهم ازدواج کرده بودند. هنگام ظهر، وقتی تازه عروس خوراك مرغ را روی میز گذاشت مرد حساس کرد که بوی ناخوشایندی از غذا به مشام میرسد. کمی بو کشید بعد پرسید:

آیا چیز در شکم مرغ گذاشتی؟ زن با خوشحالی جوابداد. عزیزم ... تنها دفا میخواستم بگذارم، والی در شکمش جای خالی وجود نداشت.

در عالم طبابت

مرد جوان خوش قیافه ای که ریش فرانسوی قشنگی گذاشته بود و عینک زده و پیراهن نخی بلند پوشیده بود داخل کتابخانه ای که کتاب و مجلات کهنه و قدیمی می فروخت شده و به فروشنده گفت:

- آقا خواهش میکنم مقداری مجله قدیمی بمن بدهید. فرق نمی کند که چه مجله ای باشد. هر چه قدیمی تر و کهنه تر و کثیف تر بهتر.

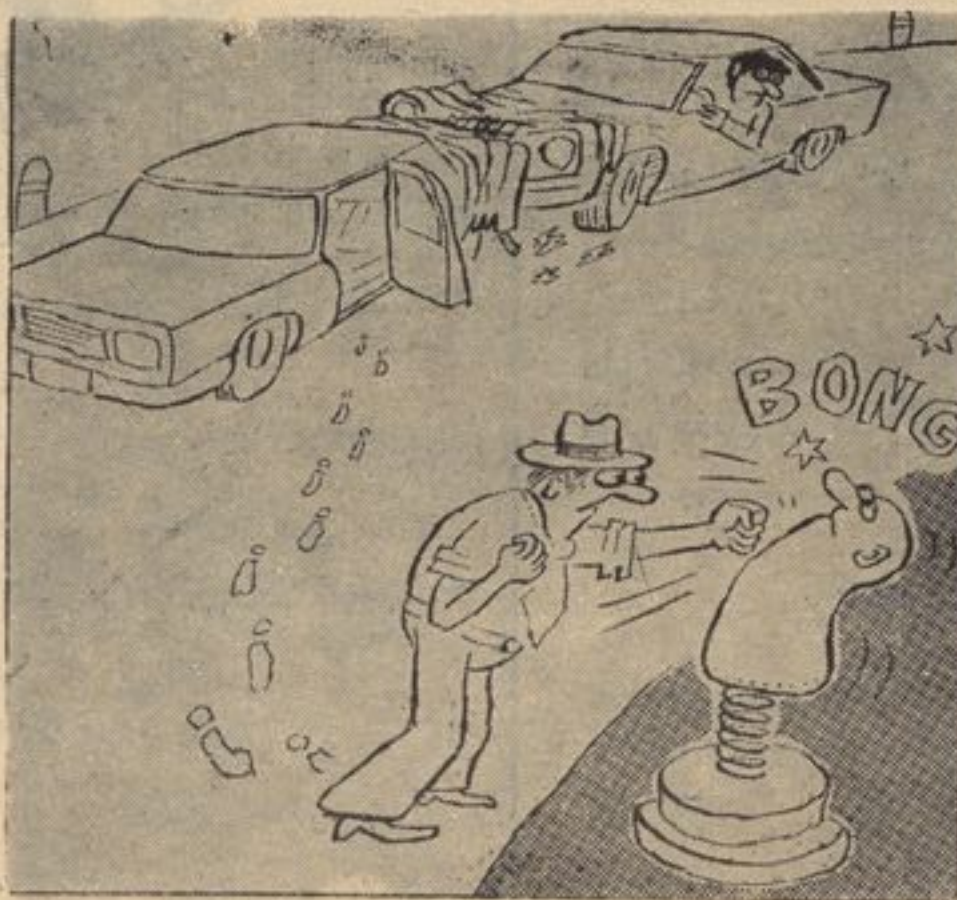
فروشنده تعجب زده نگاه می باور انداخت و گفت:

- ممکن است ببرسم این مجله کهنه ها را برای چه میخواستید؟

- بلی، من تازه از دانشکده طب فارغ التحصیل شده ام و قرار است تا يك هفته دیگر معاینه خانه دایر کنم میخواستم آنها را در اتاق انتظار بگذارم تا مردم فکر نکنند طبیب تازه کار و بی تجربه ای هستم.



از بالا به پایین بدون شرح



چرا اینقدر ایجاد مزا حمت میکنی؟.. پی بگیر

گرفتاری عجیب

دو دوست بهم بر خورد کردند یکی از آنها رو بدبگری کرد و گفت - من گرفتاری عجیبی پیدا کرده ام!

- گرفتاری تو چیست؟
- هیچ ... زن من خیال میکند چوب لباس است.

- خوب چرا طلاقش نمیدهی.
- احق! اگر طلاقش بد هم آنوقت لباس هایم را کجا آویزان کنم

در تکر اس

یکی از تفنگچه کش های تکر اس پس از خوردن مشروب زیاد در حالیکه سرش گیج میرفت از رستوران خارج شد، اما هنوز چند قدمی بر نداشته بود که ناگهان کنترل از دستش رفت و پای تفنگچه کش بروتی را لگد کرد ... تفنگچه کش لگد خورده که حسابی عصبانی شده بود یخن هفت تیرکش اولی را گرفت و يك مشت حواله چانه اش کرد ...

روستون که همه چیز را دوتا میدید فریاد زد: تا جوان ها ... چرا میزنید آخر چند نفر به يك نفر برابر.

شیرینخ

مادر کلان، دوسکه پنج سنتی به نوه کوچک خود داد و به او توصیه کرد که یکی از آنها را برای خود شیرینخ بخرد و دیگری را در کلیسا به صندوق جمع آوری اعانه مخصوص خیریه بیاندازد ولی پسر کوچک وقتی از مقابل شیرینخ فروشی می گذشت طاقت نیاورد و با هر دو سه دو شیرینخ خرید در بین راه، ناگهان یکی از شیرینخ ها لغزید و بزمین افتاد ... پسرک آهی کشید و گفت:

سوای خدا جان ... بستنی خیریه از دست رفت!



در باره این صفحه

اداره مجله در نظر دارد ازین پس صفحه سرگرمی و مسابقه را به شکل تازه تری که پیش از پیش حاوی مطالب ارزنده و آمو زنده باشد تقدیم نماید .

هر مطلبی که در این صفحه می آید، خواه به عنوان سرگرمی و تفریح باشد و خواه شکل مسابقه داشته باشد، بطور کلی سعی شده است که در پرورش قوای فکری شما خواننده عزیز، کمک کند و اگر نتواند بر معلومات شما چیزی بیفزاید، لاف شایسته آن باشد که بعنوان یک تفریح یا سرگرمی سالم شناخته شود. جواب هر سوال که به رسم مسابقه طرح میشود یک هفته بعد نشر میگردد و البته کسانی که جواب صحیح فرستاده باشند نا هشان یاد میشود.

مسأله ای از هندسه

دو مثلث مختلف الاضلاع داریم .

مثلثی که اسم آنرا (الف) میگذاریم طول یک ضلعش ۱۵ سانتی طول ضلع دیگرش هشت سانتی و طول ضلع سو مش ۱۷ سانتی متر است .

مثلث دوم که بنام (ب) یاد میشود، یک ضلعش ۲۱ سانتی، ضلع دیگرش ۲۵ سانتی و بالاخره ضلع سو مش ۲۹ سانتی طول دارد .

آیا شما می توانید معلوم کنید که کدام یک ازین دو مثلث، قائم الزاویه می باشد ؟

دلیل شما چیست ؟

جواب صحیح در هفته بعد تقدیم میشود .

معمای منظوم

قطعه ذیل گرچه معمای منظوم، خوانده شده و لی معما نیست، بلکه از نوع لغز و چیستان است که با کمی دقت جواب آن بدست می آید . ای حکیمی که ز کلك تو اگر نقطه فتد

بر رخ حجله نشینان فلك خال شود

چیست آن نام که بر حرف نخستش الفی

گر زیا دت بنما نی دل ابدال شود

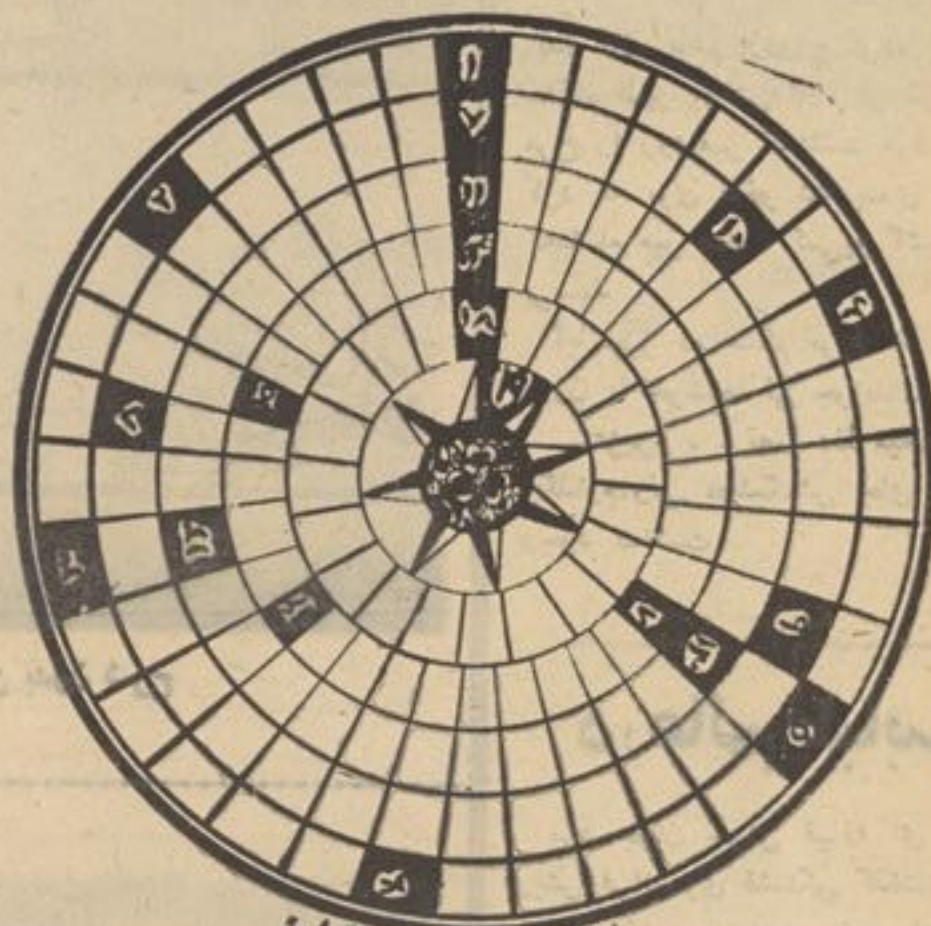
و آنچه ماند پس از آن حرف ازین نام بزرگ

آدمی گر گذراند به زبان لال شود

ژوند

جدول اطلاعات عمومی

- ۱- این شاعر بزرگ که در عین حال عارف بزرگ هم هست در سال ۸۱۷ هجری متولد شده است .
- ۲- غزلسرایی است که از دیوانش قال میگیرند .
- ۳- نا بینا بود ولی هم موسیقی دان بزرگی بود و هم شاعر شیواییان .
- ۴- شاعر توانایی از بلخ در عصر غزنویان که بنام حکیم یاد میشود .
- ۵- و این نیز شاعر معروفی است از سیستان در همان عصر .



طرح کتبه: طالع محمد کتبخانه

- ۶- فیلسوف بزرگی که قبل از میلاد زندگی میکرد و از آثارش سه نامه به شاگردان مشهور است .
- ۷- و این هم فیلسوف بزرگی است از وطن ما که دانشنامه اش معروف است .
- ۸- فاتح معروف جنگای صلیبی .
- ۹- شاعر بلخی که در عصر سامانیان میزیست و در دوسی هزار بیت از گفته او را در اثر خود گنجایده است .
- ۱۰- از فلاسفه معروف فرانسه و نویسنده فر هنگ فلسفی است .
- ۱۱- رومان بزرگی است از الکساندر دو ماکه ازان فلمی هم ساخته اند .
- ۱۲- افلاطون و لا مارتین هر دو کتابی به این نام دارند .
- ۱۳- یکی از آثار برجسته حکیم سنائی غزنوی .
- ۱۴- کاشف اشعه ایکس .
- ۱۵- گوینده منطق الطیر .
- ۱۶- وطن عزیز ما .
- ۱۷- اثری از والتر اسکات .
- ۱۸- رسام چیره دستی که شاعرو نویسنده و موسیقی دان نیز بود و سال گذشته وفات یافت .
- ۱۹- نظام مترقی و محبوب ما .

ازدوستکارت



از: زیلا عیسی پور

دختر رویائی

بانگهای مست و مزگانی بلند
معبد هر دیده بینا شدم
بالبانی بوسه خیز و بوسه خواه
آفت دلپای شیدا شدم
تا که درآینه دیدم خویش را
کانهان دلخواه و بی همتا شدم
از فسون بی تو بی دادی زدم
گرچه من چنین بیجا زیبا شدم
بی تو اینهارا بمن آینه گفت
سخت بالآینه دروغا شدم
آنچنان بشکستم آینه را
کز دلش نابود و ناپیدا شده

بی تو یکشب دختر رویا شدم
چون خیال شاعران زیبا شدم
دردل نازک لباسی از حریر
سخت باب خواهش دلپا شدم
خوش تراش اندام و درآن پیراهن
چون شراب ناب درمیتا شدم
زانچه پیدا بود زچاک پیراهن
عشق انگیز و هوس افزا شدم
بادو چشم جادویی مخمور خویش
صد میستان مستی جام ها شدم

از: محمد آصف «غروب»

لبخند شیرین

مرا راندی ز خود در غمسرای سوز و تنهایی
چرا اینقدر مغرو ری تو ای دلبر به زیبایی
چه حاصل گر نمودی این چنین نالان و گریانم
چرا افتاده خوی تو سراسر، ای مه خود خواهی
اول لطف وصفای بی حدت بنمود خرسندم
ولی در عاقبت کشتی مرا با درد تنهائی
اگر گویم که رفته از دلم عشق گل رویت
دروغی گفته ام زیرا که در خوابم تومی آنی
دو چشمت گر بسوی دیگری افتاده باکی نیست
من هم ترکت نمایم بعد ازین ای رخت هرجانی
برو «آصف» مشو غافل به لبخند شیرین «او»
که خوبان عادتت دیگر نداشتند جز فریبا ئی

از: عبدالوحید (فقیرزاده)

بزم مشتاقان

دلم امشب بتیغ بسمل کیست
رسیدند عاشقان بروصل جانان
چون در بزم مشتاقان زنده موج
فتاده بر سر شانه دو کیسو
((وحید)) او شمع بزم دیگران است
به من شمع بزم مجلل کیست
جسم امشب بشوق محمل کیست
دو چشم ترگس اوقاتل کیست
بدام غنبرین زلفش دل کیست
نمیدانم که امشب بیدل کیست



انتخاب از: محمد یعقوب قراق

فلسفه عشق

چشمه های رود خانه ها
ورود خانه ها به اقیانوس ها میبوندند
بادهای آسمانی برای آید
بارایحه مطبوعی درهم میآمیزند
هیچ چیز در دنیا تنها نیست
همه چیز با قانون خارق العاده ای
بالشیا دیگر در میزنند
چرا نباید من همراه تو باشم
به بین که چگونه کوه ها بر آسمان بلند بوسه
می زنند
و امواج یکدیگر را سخت در بغل میگیرند
آفتاب بر زمین میفتابد
و پرتوهای بر دریا بوسه میزند
ازش اینچه بوسه حاجه خواهد بود
اگر مرالبوسی

انتخاب از: قربان بی بی دستاکی

عرض و نیاز

ساقی بریز باده تابی به جام ما
مطرب بزن نغمه ساز خرام ما
از بوستان وصل نجیدم گل ابد
گردون بود همیشه زپی انتقام ما
زاهد اگر به صومعه مسکن گزیده است
باشد به کنج میکه چاه و مقام ما
عرض نیاز بی اتر است پیش ناز یار
اظهار عجز موج زند از کلام ما
تائب به وصف ذات نکویش نهاده ایم
این است در جهان تمنا مرام ما
(پسغام) برو گوشه صبر اختیار کن
شاید که روزگار عیش بخرد بکام ما

از: (واصف)

زخم پیکان

بیا ساقی بده جامی بیاد لعل خندانش
که دارم زان لب میگون دلی در قید حرمانش
شنیدم از مباروزی حدیثی زان لب گلغلام
تو گفتی خطر را آمد میسر آب حیوانش
مرزا ن طرف مشکین بسارم زیست در عالم
که گاهی بر رخ و چین بینم و گاهی پریشان
عجب زخمیست اندر دل تو «واصف» از آن پیکان
که نبود مرحمی جز لعل میگون بهر درمالتش
بار



تابلو بانمبر تيلفون

آقای لرو تمندی به تماشای يك
باشگاه نقاشی رفته بود، ضمن
زدید تابلو ها تصویری دختر جوان
پائلی که در حال پر آمدن از حمام
در خیلی نظرش را جلب کرد.
از نقاش پرسید:
- قیمت این تابلو چند است؟
- دو هزار فرانک.

- خیلی قیمت است.
نقاش سری تکان داد و گفت:
- معذرت میخواهم، چون فراموش
کردم که بگویم، در مقابل این مبلغ
علاوه بر تابلو نمره تيلفون مدلی
آن هم در اختیار خریدار گذاشته
میشود.



کبوتر سخنگو

شخصی که به کبوتر خیلی علاقمند
بود، نزد بیطاری رفت و گفت:
- شما فکر می کنید وسیله ای باشد
که بکمک آن يك کبوتر بایک طوطی
را بتوانند جفت گیری کنند؟
داکتر بیطار حیرت زده به آن مرد
خیره شد و گفت:
- این چه کاری است، از این کار
خود راز او بپرسد.

- چون من کبوتر قاصد تربیه می
کنم، و اگر ما بتوانیم چنین کاری را
بکنیم، در آینده هر وقت یکی از
کبوتر های من راه خود را گم کرد
می تواند رهگذری را پیدا کند و را
- این چه کاری است، از این کار
خود راز او بپرسد.

مژده به زنان

از سالهاست که در اروپا و آمریکا
مانکن ها را از زنان می سازند. ولی
اخیرا یکی از کار خانات سا زنده
وسایل پلاستیکی، فراسه، از مرد
ها هم مانکن ساخته است، و اکنون
يك عده از زنانی که آرزو دارند،
تنهایی بسفر بروند، و ضمناً لا زم
می دانند در نظر دیگران مردی هم
بکنار شان درموتور باشد، می توانند
ازین مانکن ها خریداری کنند و در
پهلوی خویش در موتور بنشانند.



به امر يکا رفت تادر فیلمی که
نقش يك زن طناز و وسوسه انگیز
را دارد، شرکت نماید. و جالب
اینجا است که الیز تایلور بخاطر
بازی درین فیلم گرانترین دستمزدی
را که تا حال يك هنر پشه داده
شده است، دریافت خواهد کرد،
و این از برکت کاهش وزن اوست.

صفحه ۵۳

تصميم اليزابت تایلور

تونی و دیگر کارگردانان و هنرپیشگان
ده سال جوانتر شده است.
لاغر شدن الیز تایلور باعث شده که به
خاطر بازی در چندین فیلم قرار داد

هائی را امضاء کند زیرا مدتی بود
که کار گردان، تنها بعلت چاق بودن
او، از امضاء قرار داد جدید با وی
ابا میوزیدند. تایلور چندی پیش

چندی پیش الیزابت تایلور ستاره
موفق سینما که از دیر زمانی به
اینطرف، به چاق شدن و افزایش وزنش
بی اعتنا مانده بود، بالاخره تصمیم
گرفت، وزن خود را کم کند و در
کار موفق شد و اکنون از نظر (بر-

دراثر زلزله اخیر در حدود دهمليون افغانی به امریت معدن کرکر خساره وارد گردیده است

در حدود يك مليون و ۲۰۰ هزار تن ذغال از معدن کرکر استخراج گردیده است

زلزله شدیدی که بتاريخ هشت اسد امسال در اکثر نقاط کشور بوقوع پیوست صدمه آن بیشتر متوجه امریت معدن ذغال سنگ کرکر واقع پلخمری بود. البته قرار خبر آژانس با ختر در سایر نقاط کشور آسیب و خساره دیگر از این ناحیه عاید نگردیده است. در اثر این زلزله، که محل رهایش کارگران بیشتر صدمه دیده است، به قرار تجویز حکومت به اسرع وقت ۱۵۰ خیمه از طرف جمعیت افغانی سره میاشت روز ده اسد به آنجا ارسال و مورد استفاده کارگران قرار گرفت. برای مطالعه خسارات ناشی از این زلزله، يك هیأت فنی با اساس تجویز حکومت از طرف وزارت فواید عامه به آنجا ارسال و اینک راپور هیأت مذکور در مورد خساره ناشی از زلزله و مصاحبه که با رئیس موسسه ذغال سنگ شمال بعمل آورده ایم خدمت خوانندگان تقدیم میگردد.

بنامی انجنیر احمد شاه رئیس موسسه ذغال سنگ در مسو رد استخراج و امور ساختمانی معدن چنین گفت: معدن ذغال سنگ کرکر در ده کیلومتری شهر پلخمری واقع است، کار و استخراج ذغال از معدن کرکر در حدود سال ۱۳۲۳ شروع و تا امروز استخراج از آن دوام دارد. در حدود يك مليون و ۲۰۰ هزار تن

ذغال از معدن کرکر استخراج و از طریق ریاست ذغال سنگ شمال برای استفاده موسسات و اهالی توزیع گردیده است.

پروگرام کار و استخراج ذغال همه ساله به اساس احتیاج موسسات دولتی، موسسات خصوصی و احتیاجات انفرادی شهر ها و مردم ترتیب و تثبیت میشود. در سالهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ سطح استهلاك ذغال خیلی پایین افتیده که موسسه از این ناحیه به ضرر مواجه گردیده بود و خوشبختانه بعد از استقرار نظام نوین در کشور یک جهش در سمت صنایع مخصوصاً فابریکات نساجی ها و سمنست رونما گردید و هم نسبت کیفیت ذغال استهلاك انفرادی نیز بلندتر شد. که به این اساس تا دیات ذغال نظر به شمال ۵۰ تخمیناً ۵۰ فیصد بلندتر رفت. البته در همین سال مراجعین و استهلاك ذغال بیک فیصدی بلندتر توقع می رود.

موصوف افزود: موسسه ذغال سنگ شمال از سال ۱۳۵۰ باین طرف به حیث يك تصدی فعالیت می نماید. منابع معدن مر بسوط موسسه شمال، معدن ذغال سنگ کرکر، معدن دهنه تور، دره صوف و معدن آشیسته میباشد.

موسسه ذغال سنگ شمال نظر به تجویز مقامات ذصلاح، ذغال مولده را به قیمت تمام شده عرضه میکند باین اساس در سالهای ۵۰

۵۱ نسبت پایان آمدن سطح استهلاك ذغال و دوام مصارف ثابت معدن این موسسه ضرر دیده است. امید است با بلند رفتن تولید سال های ۵۲ و ۵۳ تا اندازه از ضرر های دو سال قبل مر تفع گردد.

انجنیر احمد شاه رئیس موسسه ذغال سنگ شمال در مورد منازل رهایش و علت تخریب منازل در اثر این زلزله گفت:

منازل رهایش و سایر ملحقات معدن، از بدو شروع استخراج و ذغال و استفاده از این معدن بدون کدام پلان فنی بصورت خامه اعمار گردیده و هم گذشته سالها، متمادی بالای محل رهایش و ملحقات معدن باعث گردیده که مقاومت آن در مقابل زلزله ناچیز بوده و یکی از بین برود.

امید است بعد از مطالعه هیأت فنی و وزارت فواید عامه، کار ساختمانی منازل رهایش کارگران و سایر ملحقات معدن بصورت فنی و متکی به اساسات تخیکی صورت گرفته تا از حوادث ناشی از طبیعت بصورت عمومی در امان باشد.

راپور و چشم دید هیأت فنی ریاست تعمیرات وزارت فواید عامه از خسارات معدن ناشی از زلزله اخیر می رساند تخریبات که در حصص مختلف عمارات رهایش و غیره ملحقات ساحه معدن بوجود آمده تا اندازه از سبب تأثیر شدید بودن زلزله در این ناحیه بوده و از جانب دیگر چون تعمیرات رهایش و غیره ملحقات ساحه معدن بدون از اطاق طعام خوری، کاملاً خامه کار و غیر فنی اعمار گردیده و به این اساس تأثیرات زلزله در این ناحیه فوق العاده احساس و زیاده بوده است. قرار خبر منتشره آسیب وارده

زلزله در معدن کرکر، که به اثر آن عمارت رهایش ۶۰۰ نفر عمه تعمیر آمریت معدن، خامه تحویلخانه مواد ارتزاقی و سه محراب مسجد بکلی خراب گردیده است. ایجاب تعمیر مجدد را می نماید.

راپور هیأت مذکور اضافه میکند: برای رهایش کارگران با یست در داخل شهر در دامنه کوه مقابل بند برق خانه های فامیلی و بایک هتل بصورت فنی اعمار گردد تا در آینده از این منازل و یا هتل در صورت اختتام استخراج از معدن کرکر، برای کارگران سایر پروژه های مربوطه بصورت يك محل مناسبت استفاده شده بتواند از طرفی چون شهر پلخمری و سعت یافته است، در صورت اعمار این منازل و محل رهایش کارگران در ساحه مذکور، در زیبایی شهر کمک بسزائی مینماید.

قرار راپور و خبر منتشره، صدمه جانی بکلی متوجه کارگران نبوده و کارگران که در حین زلزله مصروف کار بوده اند، از ناحیه زلزله در امان بوده و خطر مستو جانی آنها نگردیده است.

راپور هیأت مذکور در مورد پلان ساختمانی تعمیرات مربوط معدن از لحاظ مقام و مت در برابر حوادث طبیعی چه گونه و سرعت کار پیش از فرا رسیدن موسم سرما چطور پیش بینی شده است، می افزاید. در صورتیکه پلان ساختمان تعمیرات برای رهایش کارگران آماده گردد، موانع برای ساختمان آن وجود ندارد. اگر ساختمان تعمیرات بصورت فایر یکهائی باشد بصورت کلی و اگر ساختمان بشکل يك ریخت باشد مربوط به و شاید بقیه در صفحه ۵۶

بناغلی خلعتبری

بناغلی عباس علی خلعتبری وزیر امور خارجه ایران و همراهایش که بنا به دعوت وزارت امور خارجه دولت جمهوری افغانستان برای سفرت رسمی دروستانه به کابل آمده بودند، قبل از ظهر روز نهم سنبله عازم تهران گردیدند. بناغلی خلعتبری طی اقامت در کشورما از طرف بناغلی محمد داود رئیس دولت پذیرفته شد و مقامات افغانی مزاکراتی پیرامون مسایل مورد علاقه انجام داد و از ولایات بلخ و بامیان بازدید نمود.

برای وداع با مقامات ایرانی دوکتور عبدالحمید وزیر عدلیه، بناغلی وحید عبدالله رئیس سیاسی وزارت امور خارجه، بناغلی زلمی محمود غازی سفیر کبیر جمهوری افغانستان در تهران، بناغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی

بقیه صفحه ۸

روز مطبوعات و سواد

همچنان رهبر بزرگ مادر بیانات «خطاب مردم» شان به مشکلات و پرابلمهای اساسی کشور اشرافاتی نموده اند.

ازین بیانات بشانگذار نظام جمهوری کشور درمی یابیم که کشور ما چه مشکلات و پرابلمهایی در پیش دارد و ما باید چه را هائیرا تعقیب نماییم تا بتوانیم این مشکلات را که موانعی در راه پیشرفت کشور خلق کرده است رفع نماییم. البته این وظیفه خطیر متوجه مطبوعات است تا از راه نشرات مطلوب و مثبت مرامهای نظام جوان کشور را مبنی بر روی کار آمدن اصلاحات بنیادی در مملکت به نحوی شایانی تمثیل نماید.

بقیه صفحه ۸

دسنبللی ۱۸ دملی شوراد تاسیس

دیژندلو په لړکی ددغو اساسونو بنسټونو د ښکارندوی په حیث د سنبلی ۱۸ ورځ دملی شورا دتاسیس دورځی په نوم نمانځل دمښتو گټورو لرغونی ارزښتو څخه په الهام اخیستلو د صلاحیتو نو او اخلاقی جراتونو سره مرسته ده.

د سنبلی ۱۸ نیټه دملی شورا دتاسیس ورځ ده چه نمانځل ئی تاریخی ثوابونه دی دملی شورا د مؤسس اعلیحضرت محمد نادر شاه روح ته دبښنی دعاکوو اود دغسی ورځو نمانځل مښتو تاریخی ارزښتونو درنښت بولو :-

ځکه - نن مونږ او زمونږ هیواد او وطن وال دجمهوری نظام په رڼا کی دخپل تاریخی کرامت نه الهام اخستلو په افتخار دمترقی او مثبت تحول انکشاف دپاره چه صلاحیتونو راته وختونه او فرصتونه مساعد کړیدی وپنوخه استعدادونه او ذهنی بیداری دحقایقو په درک کولو د پسمانی په رفع کولو اود جرعتو او بشری قوت د عملی تشویق کولو په کوشش کی دیوی خوا د پوهنی پراختیا د زراعتی سیمی سروی د شاپو ځمکو ودانی دمخ په ترقی کرهڼی اصلاحات دمالداری دروزنی دپاره دکړونډو او ورشو گانو تقسیم او حد بندی وټاکلی شولی، دخپلو کړونډو او غرنیو مناظرو طبی بوټی چه دمرض دارو لرو دطب پوهانو په مرسته اوعلمی تجربو ثابت او وطنی دارو تولیدات شول، درنگوانو چه د ملی شتمنی دی رابرسیره او استخراج ته زمینی مساعدی شولی او په همدی شان دجمهوری نظام په رڼا کی دژوندون په هره برخه کی جاری فعالیتونه دوخت په ژبه دازیرو کوی چه دجمهوریت سباون افغان بخت راوپښ کړیدی اوس کولی شو چه خپلی وړی پخپله شری کړی او وختونه او فرصتونه دتاریخی ماضی په ترجمانی دمستقبل دپاره دافتخار مظهر اود سعادت زیری شی.

شماره ۲۶۰۲۵

روز ملی پښتو نستان

خوشحالخان و همچنان اتن چان شکرده توام باوژیک اتن ملی اجرا کردند . مراسم درحوالی ساعت ۹ پایان یافت .

خبر تکارباختر علاوه میکند که میدان پښتو نستان با بیرق های ملی جمهوری افغانستان و بیرق های پښتونستان تزئین گردیده و درخلال مراسم شماره های فوق العاده روزنامه های جمهوری، هیواد، آیس، وکابل تایمز و همچنان کتاب دخپلواکی ترون که از طرف وزارت امور سرحدات نشر شده است به حضار توزیع گردید .

روز نامه های مرکز درشماره های فوق العاده که بمناسبت روز پښتو نستان انتشار داده اند بیرق پښتو نستان و لوتو های زعمای پښتو نستان و بلوچستان را چاپ نموده و راجع به حقوق حقه مردم پښتون و بلوچ سرمقاله ها و مقالاتی نشر کرده ، یکبار دیگر پشتیبانی دولت جمهوری افغانستان را درراه مبارزه مردم

پښتو نستان برای حصول حق تعین سرنوشت شان تاکید نموده اند .

نامه نگاران باختر از ولایات اطلاع میدهند که روز ملی پښتو نستان در مراکز ولایات نیز باافراشته شدن بیرق پښتو نستان ایراد بیانیه ها مضامین و مقالات و اشعار و همچنان اجرای اتن های ملی با شور و شغف زاید الوصفی تجلیل شد .

در مراسم برگزاری روز پښتو نستان در ولایات وایان ، قوماندان های عسکری مامورین محلی و هزاران نفر از اهالی و پښتو نستانی ها اشتراک نموده و ازین روز برادران پښتونستانی با ابراز احساسات ، گفتارها شعارهای زنده باد افغانستان ، آزاد باد پښتونستان استقبال نمودند و رادیو افغانستان مشاعره را که از طرف پښتو تولنه ترتیب شده بود قسما ساعت ۷ تا ۹ شب ۹ سنبله نشر کرد .

بقیه ص ۲۷

فور ددر دوهمین هفته

۱۳ و نیم ساله رابحیث ر همبر حزب اکثریت در مجلس سنای امریکا قایم نموده است تقدیر و تمجید کرد .

فورد گفت : این ثابت می سازد آنها بیکه میتوانند مد اگره و مفاهمه نمایند نسبت به آنها بیکه یک روش سخت را به پیش میگیرند بهتر زنده می نمایند .

بعد تر فورد دوباره به کمیته رفت تا بیانییه های مختصر خو را در مجلس نمایندگان و مجلس سنا ایرا د کند .

وی گفت : (فقط خواستم تا امروز در اینجا توقف نمایم و بشما خوش آمدید بگویم . و رسما جاده پستلو پنا رابحیث یک جاده دو طرفه افتتاح کنم .

هر دو مجلس از این بیانییه های کوتاه فورد به گر می استقبال نمودند .

یکی از نشانه های دیگر تما یل وی به دو حزب، اینست که فورد یک پور تربیت هری ترو من را در دیوار اطاق کابینه در جوار عکس لیندن جانسن که یکی از روسای جمهور دیگر مقبول و مطلوب فورد است تعلیق نموده است .

فورد از جرات ، خوصله و بالاخره از راست و مستقیم بودن ترو من پیوسته تو صیف و تمجید میکند .

جوانان و استفاده

جوانانیکه به چشم امید اینکو نه افراد خوار و پست و ناهمبندی را فرو می برند نباید اسم جوان را بالای خود ها بگذارند .

جوانان در يك مملکت ، در يك اجتماع چه (خورد و چه بزرگ) در امور ترقی سهم بزرگ داشته و این سهم مهم آنها ناشی از مفکوره عالی نسجایای نیکو ، کردار نیک شان می باشد . جوانان باید بگویند که ما همیشه از اثر اعمال نیک خود در قلوب همگان جا پیدا کنند و در نظر همه محترم باشند ، زیرا همیشه احترام جوانان ، اعمال نیک و خدمات صادقانه شان نسبت ب دیگران موجب میشود که محترم گردند و لفظ جوان را با تمام معنی و اوصاف آن بر خویش بگذارند و جلب اعتماد مردم را حاصل نمایند .

پس بر جوانان است تا همیشه در راه از بین بردن جهل ، فساد اخلاقی و غیره عوامل وسعادت اجتماع خویش سهم گرفته و همیشه باشعار

ع . ك . حمید

مورخه ۱۷ ر ۵ و ۱۳۵۳

بقیه صفحه ۹

(بقیه ص ۵۴)

در اثر زلزله اخیر

دست داشته دستگاه های ساختمانی می باشد . زیرا در شرایط فعلی ساختمان ها ، عوام مل طبیعی سرد و گرمی هوا ، باعث توقف امور ساختمانی شده نمی تواند اقدامات جدی در امور ساختمانی مناسزل رهاش و سایر ملحقات معدن مربوط به مقامات وزارت معادن و صنایع می باشد .

در صورتیکه برای رهاش ملحقات معدن پلان ساختمانی روی کار گرفته شود واضح است که در شرایط فعلی ساختمان های کانکرتی بصورت فنی ، تمام موضوعات حوادث ناشی از طبیعت در نظر گرفته میشود .

يك منبع ریاست ذغال سنگ شمال اضافه می نماید که چون عمارات متذکره از بودجه دولت ساختن میشود ، امید است بزودی پلانی در مورد ترتیب و به ساختمان آن اقدام بعمل آید .

صفحه ۵۶

اسرائیل به تحریکات

هر گاه اعمال اسرا ئیل را طی جنگهای آن با عربها بدقت ملاحظه کنیم بخوبی دیده میشود که حرکات غیر انسانی انجام داده است ، آیا مردم فراموش خواهند کرد که اسرا ئیلی ها در جنگهای خود در مقابل اعراب از بم خای نیالم و آتش افروز استفاده کردند مختصر اینکه شواهد و غلایم زیاد در دست است که نشان میدهد اسرا ئیل هیچگاه صلح نخواسته است .

آیا این موضوع که اسرا ئیل می خواهد از يك موقف قدرت با عربها پیشامد کند خود کلا تئوریک دلیل بر این نیست که اسرا ئیل زور گویی متجاوز است و آیا همین خود دلیل شده نمیتواند که اسرا ئیل آرزوی صلح ندارد از جانبی معلوم میشود که اسرا ئیل از بساوا قعیت ها هم چشم پوشیده است و نه هیچگاه این ادعا را نمیکرد که شرایط مذاکره و تخلیه سر زمین های اعراب شرطی برای شناسائی خود بداند . چه از زمان ناصر فقید به اینسو اعراب روش خود را در برابر اسرا ئیل اندکی ملایم ساخته اند و نه هیچ امکان نداشت سادات اسد و ملک حسین در امر جدا ساختن قوا در جبهات مربوط از در مذاکره پیش آیند گرچه شاید این امر تعبیر دیگری هم داشته باشد به این معنی که عربها به تناسب

بقیه صفحه ۱۷

عایشه نوائی

به مطالعه در خود احساس نکرد می بایستی برخی از کتب نادر مورد ضرورت خود را جستجو میکرد و می یافت . ناگهان بیاد مولا عباد لاحد کیمیا گر معروف افتاد که از مدتی باینسو آرزو داشت باوی ملاقات کند . بدون تا مل ازجا برخاسته راه (دروازه قبحاق) شهر را در پیش گرفت .

در گوشه ای از شهر هرات ، روی محلی که آرامگاه یکی از (اولیا) محسوب میشد و پوشیده با درختان شمشاد ، چنار های عظیم کهنسال و دیگر انواع درختان بود ، نزدیک

گذشته هم از لحاظ تکنیک های حربی و هم از لحاظ قوای نظامی پیشرفت هایی که حاصل کرده اند که این امر در جنگ ماه میزان سال گذشته صریحا بملاحظه رسید مگر با وجود آنهم اگر سیاست نسبتا ملاسیم کار نمی گرفتند تا اسرا ئیل بمذاکره نمی پرداخت بنا اگر اسرا ئیل از حقوق حقه و مسلم اعراب با ارتباط به سر زمین های اشغالی از يك سورا اگر از حقوق مردم فلسطین منتهی می شود تشکیل يك حکومت مستقل از جانب دیگر چشم نمیشد امکان آن موجود خواهد بود که عربها در راه ایجاد مزاحمت بر اسرا ئیل کدام اقدامی نمایند و بلکه هیچوقت عربها نه خواسته اند بر اسرا ئیل مزاحمت خلق کنند و این اسرا ئیل بوده است که داریم به این چنین مزاحمت هادست زده است .

ولی وقتی ملاحظه میشود که اسرا ئیل تشکیل حکومت فلسطینی را محور بهبود تلقی میکند و برای تهدید و ایجاد مشکل بر اعراب هر روز سخن تازه را پیمان میکشد و هیچ روزی نیست که در راه تحقیر قوای نظامی خود قدم تازه نگذارند بنا به این نتیجه میرسیم که اسرا ئیل نه صلح میخواهد و نه آرزوی راحت زیستن را با اعراب دارد و این نیست اسرا ئیل مسلما اعراب را و امیدار تا برای مقابله با این عنصر زورگوی و متجاوز تدابیر لازم اتخاذ بکند .

خانه ای مخروبه توقف کرد و دروازه خانه را که روز گاری یکی از نمونه های عالی صفت حکاکی بحساب می رفت ، اما اکنون در اثر گذشت آرام و درگرو ن کننده زمان ، نفاست و زیبایی خویش را باخته بود ، آهسته و بملا یمت کوبیده ، چون هیچگونه صدایی از داخل شنیده نشد باردیگر شدیدادق الباب کرد ، یکی از رهگذران بگوش خود اشاره نموده خنده کنان گفت : (کلمیخ خورد) است میتوانید بداخل بروید (سلطان مراد بخاطر آورد که قبلا نیز را جمع به ناشنوایی گوشهای صا حب خانه چیز هایی شنیده بود ، با خود خندید ، و قلم بداخل گذاشت و در صحن وسیع پر از علفهای وحشی (باقیدارد)

ژوندون

او ویلای شو چه لومړنی حیوان دی
چه دانسان دغذا په حیث مصرف
شویدی. باید په دی پوه شو چه کب
ډیر ژر ورسپړی اوله دی امله د
پیرودلو په وخت کښی باید دی ته
پاملرنه وشي چه پوره تازه اوروغ
وی. تازه کب خوندور بوی اوغوره
خیره لری. پوستکی یی ښوینه او
خلیدونکی دی. دگوتی پکښی ایستلو
سره دهغی ښه پکښی پاتی کیږی
او سترگی یی رڼی اوخلیدونکی دی.
باید پوه شو چه دخیگر دویتامین
(ب-۲) اندازه دغوبڼو په نسبت لس
چنده اود ویتامین (۱) اندازه یی
دغوبڼی په نسبت دری چنده زیاته
ده اود ویتامین (ب-۱۲) له پلوه
ډیره بډایه ده.

لښیات

شیدی ور کوونکی حیوانات لکه
غوا، میره او وزه چه شیدی یی د
انسان دتغذی دپاره ده. د بیلوژیکي
ماشین په عنوان دی چه وابنه په
حیاتی موادو اړوی. شیدی دتی له
ترشمی مرغیرو څخه پیداکیږی اود
تی کار په دغه برخه کښی پښتورگو
ته ورته دی چه ځینی مواد لهوینو
څخه اخلی اودفع کوی یی. دیوه
لیتر شیدو ترشح دپاره باید دا څه
نا څه پنځه سوه لیتره وینه له تی
څخه تیره شی. شیدی دبدن دداخلی
مرغیرو تراغیزی لاندی ترشح کوی.
نژاد او تغذ یی ډول دکمیست او
کیفیت له پلوه په شیدو کښی اغیزه
لری مثلا ددوبی په فصل کښی چه
حیوان له تازه وښو څخه استفاده
کوی، دشیدو کیفیت ښه وی اود
ویتامین (آ) اندا زه پکی زیاته ده.

شیدی اوله هغی څخه پیدا شوی
لښیات له پڼیر او مستی د حیوانی
پروتین اود بدن دپاره دضرورت وړ
امینو اسیدونو ددرلودلو له امله
غوبڼی اوکب ته ورته دی اودغوا هره
څلور سوه گرامه شیدی اود میږی
هره دوسوه پنځوس گرامه شیدی
دشل گرامه غوبڼی پاکب سره مساوی
دی اوله دی کبله چه شیدی ارزانه دی
له اقتصادی نظره غوره ده داوسپی
اومسو له نظره غوبڼه دشیدو په
نسبت بډایه ده اودغه مواد په شیدو
کښی لږدی. شیدی دکلسیم مهمه
منبع ده دبدن دپلو کو او غاښو
په جوړولو کښی ضروری ده.

۱۹ مخ پاتی خه شی باید وخورو

یی له دی امله دی چه دانسان بدن
په دغو موادو کښی د (امینوایستید)
دجوړولو توان نه لری. دغوبڼو او
کب ډیرو تینو اندازه یوشان ده او
تقریبا په سلو کښی له شپاړس څخه
تر ۲۲ پوری دی. ډیرو تین ددغی
اندازی دتوپیر علت باید دغوبڼو
دغوړو په اندازه کښی ولټول شی
هر څومره چه دغوړو اندازه زیاته
وی دغوبڼی پروتین به لږوی. په
کلی توگه د غوبڼی غذایي ارزښت
دتپیی په منبع پوری یی اړه لری.
ملانوی زیرید لی وری زیات ته
غوبڼه نه لری او زیاته برخه یی
له سر پښو او لاسونو څخه جوړ
شویدی مگر وروړو چه لو ټیږی
غری یی وده کوی.

دحیوان نژاد اود تغذی ډول هم
په دغه برخه کښی زیاته اغیزه لری
اوله اصلاح شوی نژاد څخه پسه
زیاته اوبڼه غوبڼه ورکوی، له پروتین
نه علاوه، غوبڼه فاسفور، او سپنه
مس، اود (ب) ډولی ویتامینو نه هم
لری چه دانسان دپاره ضروری ده.
دپروتین له پلوه د غوبڼی اوکب
ارزښت یوشان دی مگر دکب د
اوسپنی اندازه له غوبڼی نه لږه ده.
ځیگر هم زیات غذایي ارزښت لری
اود ضروری ویتا مینونو د درلودلو
له امله دانسان دپاره له مهمونایابو
غذایي موادو څخه دی اوله همدغه
امله لازمه ده چه څه نا څه په هفته
کښی یوځل وخورل شی. ځیگر د
ماشومانو او امیندوازو ښځو اوهغو
ناروغانو دپاره چه دوینو دکموالی په
ناروغی اخته وی، ډیرگټور دی.

د راز راز غوبڼو غذایي ارزښت
یوشان دی اوداچه وایی سره غوبڼه
دسپینی غوبڼی په نسبت زیاته مغذی
ده، علمی ارزښت نه لری. کب هم
داخلی غذاگانی په جمله کښی دی

پیرنډل شوی نه دی مگر په ځینو
حیواناتو کښی دهغه نشتوالی دجنین
دلویډو سبب گرځی. دغه ویتامین
په غوبڼو اود غنمو په وږی اوسبو
کښی زیات دی. ویتامین (کا) هم
په غوړو کښی محلول دی او لږوالی
یی دوینو دجوړیدو په موده کښی د
اختلال اود وینودتوئیدو سبب کیږی
دغه ویتامین په تازه سبو کښی زیات
پیداکیږی.

په اوبو کښی محلول ویتامینونه
د (ب) ډله ده چه ویتامین (ب-۱)
دقندی موادو په سون او جوړښت
کښی اغیزه ناک دی او لږوالی یی د
اعصابو دپرسوب اود زړه دناتوانی
سبب گرځی. ویتامین (ب-۲) په
سلو لی اکسیدیشن کښی دخالت
لری او شمیری زیات دی اوله هغی
جملی څخه ویتامین (ب-۶) دی.
دغه ویتامین په سبو، میوو او په
تیره بیا په مرکباتو کښی پیدا
کیدای شی.

اوبه

په ۲۴ ساعته کښی د ضرورت
وړ اوبو اندازه دری لیتره ده چه
نیمه یی دغذا په تیره بیا دمیوی او
سبو په وسیله او پاتی نیماسی د
مایعاتو چښلو له لاری تامین کیږی.
باید وویل شی چه دغه اندا زه
دورځی له خوا دا دار وپه وسیله
۱۴۰۰ سانتی متر مکعبه د پوستکی
دتنفس په وسیله اته سوه سانتی
متر مکعبه اود سرود تنفس له لاری
دری سوه سانتی متر مکعبه اودخولی
له لاری دری سوه سانتی متر مکعبه
اود مدفوع له لاری ۱۵۰ سانتی متر
مکعبه له بدن څخه دفع کیږی.

غوبڼی او لښیات

غوبڼه، کب، هکی، شیدی او له
هغی څخه پیدا شوی مواد دحیوانی
پروتینو ډیره مهمه منبع ده اواهمیت

لری. فاسفور دکسیم سره یو ځای
اود عصبي دستگاه اوسلولی هستی
په متابولیزم کښی هم برخه لری.
(پتاسیم) دزړه دعضلی په متابولیزم
کښی لازمی ده. نور مواد چه په زړه
اندازه دبدن دپاره ضروری دی دای
اوسپنه اتلس میلی گرامه، مس
۲۵ میلی گرامه متکینیز دری میلی
گرامه فلور یومیلی گرام او کوبالت
ډیره لږه اندازه اوسپنه دسرو گلو
بولونو په جوړښت کښی فلور د
غاښونو دجنجی خوړلو په مختیوی
کښی برخه لری او (کوبالت) د
(ویتامین ب-۱۲) مرکزی هسته ده
چه دوینو دکموالی ضد ویتا مین
دی.

ویتا مینونه

ویتا مینونه نه په بدن کښی
جوړیږی او نه کالوری جوړوی اونه
دبدن دغوړو په جوړښت کښی په
کاربری. مگر دهغو وجود لازمی ده
اود بدن دسلولو کیمیا وی اعمال
مساعده گرزی. نن ورځ شل ډوله
مصنوعی ډول هم جوړیږی او له دی
ویتامینونه پیرنډل شویدی او په
امله چه په اوبو یاغوړو کښی محلول
وی، په دوو ډلو یعنی په اوبو او
غوړو کښی دمحلول په شکل ویشل
کیږی. په غوړو کښی د محلولو
ویتامینو په جمله کښی ویتامین (آ)
دپوستکی دساتلو اود عفونت په
مقابل کښی دهغه د ټینک ساتلو
ماشومانو دودی دپاره ضروری ده.
دپاره ضروری ده. ویتامین (آ) د
اوبو سترگو په لیدو کښی هم برخه
لری او لږوالی یی په شپه کښی د
لیدو دناتوانی سبب گرزی. لازمه
اندازه یی ۱۵ میلی گرامه ده اودغه
ویتامین په غوړیو، لښیاتو اود کب
په غوړیو کښی شته اوبه ځینوسبو
کښی، هم (کاروتن) په شکل شته
چه په بدن کښی په ویتامین (آ)
تبدیلیږی.

په غوړو کښی بل محلول ویتامین
(د) ده چه دکب په غوړیو، لښیاتو
او هکیو کښی شته اوسربیره په دی
دلیر وړانگه هغه په پوستکی کښی
تولیدی. دغه ویتامین دپوکی د
پوستوالی په ضد دی اودغه عمل
دکلسیم او فاسفور په متابو لیزم
کښی دهغو داغیزی له امله دی. په
غوړو کښی بل محلول ویتامین،
ویتا مین (ای) ده ددغه ویتا مین
اغیزه که څه هم په انسان کښی

ارزشهای جهانی اسلام

واضح و روشن در می یابد که اسلام با رهنمائی های حکیمانه اش انسان را در طریق پیشرفت بسوی استفاده از مظاهر خلقت و از سرهایه های آفریده شده زمین اینگونه رهبری می نماید: (الله الذی سنخرلکم البحر... ولتبتغو امن فضله... وسنخرلکم مافی السماوات ومافی الارض... ان فی ذالک لآیات لقوم یتفکرون).

یعنی خداوند (ج) بحر را بر ای کشتی رانی و استفاده شما مسخر فرموده و این هیولای عظیم سرکش را چنان برای شما تسخیر نمود که آزادانه کشتی را در آن مرانید و از جایی بجائی حرکت میدهید. به تجارت بحری ببر دازید یا جانوران بحری را شکار کنید و یا از عمق آن مروارید و غیره را بدر آورید، اما در حین بهره برداری ازین همه منافع و سودها، منضم حقیقی را از یاد نبرید. حق او را بشناسید و بزبان و دل و قلب و همه جوارح ادای شکر نمائید، خداوند (ج) همه آنچه در آسمانها و زمین است تحت تسخیر شما قرار داده است و همه را جهت استفاده انسان رام و با اطاعت ساخته است طوری که همه برای خدمتگذاری بایشان مصروفیت دارند.

انسان بادرک این حقایق در پهنه کائنات موقف خود را روشن تر می یابد و درک میکند که بحر ها و اقیانوس های خروشان در خدمت انسان و مسخر اوست لکن کشتی و وسایل تردد و حمل و نقل در اقیانوس ها و استفاده از ذخایر و نعمات تحت البحری، از عالم غیب تیار و ساخته بوجود نیامده و او خود بایست این کشتی را بسازد و مانند نوح (ع) دست بکار وسایل ابزار زندو آنرا آماده حرکت در سطح بحر ها نماید و این راهم درک میکند که آنچه در آسمان هاست برایش تسخیر و قابل استفاده ساخته شده است اما چیزی

عشق

میان انبوهی از موهای طلای تا ر یک بر فرق وی میخورد او هم چنانیکه سرش را در بغل ب گذاشته بود حرفها یشرا تکرار کرد: بسی همتای من من به انتظار بازگشت تو نشسته بودم.

شوهر نازنینم، موجود بی همتای من.

ب در حالیکه به موهای خانمش دست میکشید پرسید: این مدت بر تو بسیار سخت گذشت!

صدای همسرش راشنید که نجوا کنان میگفت: بی همتای من.

ب به دست کشیدن به موهای زنش ادامه داده سوال کرد: من بسیار پیر شده ام؟

زنش زانو های او را در بغل کشیده به سینه خود فشرد و پاسخ داد:

برای من همان کسی هستی که در آن روز شوم می بایست از تو جدا میشدم.

ب سوالی خود را تکرار کرد. بسیار پیر شده ام؟ همسرش در گوش ب زمزمه کرد: تا وقتی زنده هستم دو ست خاوم داشت.

— مرا دوست داری.

عضلات پشت خانم ب میلر زید او بشدت میگر یست. ب دست خود را از روی موهای همسرش برداشته پرسید: با اینهم بمن عادت خواهی کرد.

همسر ب پاسخ داد: من هرگز کسی دیگر را نتوانسته ام دوست داشته باشم. من ترا تا سر حد پرستش دوست دارم.

— انتظار مرا داشتی؟

همسر ب در جواب گفت: من همیشه بتو فکر میکردم و با تو یکجا بودم هیچ روزی شام نمیشد تا به تو نمی اندیشیدم، من مطمئن بودم که یک روزی بر میگردی اگر حدس من حقیقت نمی پیوست و تو بر نمیگشتی، در آنصورت در تنها می به استقبال مرگ میشتافتم. علاوه در وجود طفلت تو را پیدا کرده بودم.

ب دو باره پرسید: مرا دوست میداری،

میداری،

همسرش پاسخ داد: غیر از تو هیچ کسی را دوست نداشته ام. و اگر احیاناً تو تغییر هم میکردی باز هم تو را دوست مداشتم.

ب اظهار داشت: من تغییر کرده ام من پیر شده ام.

همسر ب در حالیکه اشک می ریخت، زانو های شوهر را به سینه اش می فشرد.

ب مجددا انگشتان دست خود را ب موهای بلوته همسرش فرو برد آرام آرام پسرش دست میکشید.

همسر ب پرسید: ما می توانیم اولاد بیشتری داشته باشیم.

او پاسخ داد: شاید. اگر من دوست داشته باشی. پر خیز.

زن بر خاسته پرسید: او را صد کنم که بیاید.

ب جواب داد: هنوز نمی میخوام اولتر یک مقدار باتو تنها باشم.

او هنوز برای من بیگانه است. او را در کجا رها کردی. در باغچه انتظارش گذاشتی.

همسر ب گفت: فوراً پائین رفتنم وقتی او شتابان به اتاق برگشت.

ب در کنار کلکین ایستاده پشتش ب طرف اتاق بود تخته پشتش باریک و ش به نظر می رسید و یک مقدار تاب تاق داشت. ب رویشرا برنگرداند و همسرش را برای یک لحظه در چوکات درواز ایستاده مانده اظهار داشت: به ایستادم که برای پدرش گل بچیند.

آهنک صدای وی از شدت هیجان میلرزید در باغچه یاسمن ها هم پاشیده است. او باید یک دسته گل بزرگ برای پدرش جمع کند.

ب پرسید: مرا دوست داری.

همسر ب بسوی شوهرش دوید و او را بازوان خود را بدور گردن و شانه های شوهرش حلقه کرد و باتمساح قوت او را در روی سینه اش فشرد شوهر بی همتای من.

ب از همسرش یکبار د بگر و پرسید: می توانی خودت را با من عادت بدی؟

همسر ب پاسخ داد: من پس از رفتن تو هیچکسی را دوست نداشته ام.

مطابق ۲۵ ساله شهر کابل

چنین اندازه شده است که اگر آب دوچا دیگر هم به این مخزن بیافتد بر داشت دارد. از این مخزن تمام شهر نو قدیم تاد و در توین مسافه جاده میوند مناطق این طرف و آنطرف دریای کابل آب نوشیدنی میگیرند.

متبع دیگر آب نوشیدنی شهر کابل از چشمهای قرغه میباشد. چشمهای قرغه که در زیر بند قرغه واقع میباشد بیست و دو انچ آب می دهند که اگر ما تمام این منابع اولی چاه های عمیق علاوالدین و منبج این چشمه ها را جمع کنیم در حدود پانزده هزار کوبیک متر آب مایه شهر کابل توسط نل ها توزیع می کنیم که به این حساب ماسی و پنج هزار کوبیک متر آب کمبود داریم. ضرورت شهر کابل ما: پنجا هزار کوبیک متر در ۲۴ ساعت.

ما فعلا که آب تو زیع میکنیم پانزده هزار کوبیک متر در ۲۴ ساعت کمبود ما: سی و پنج هزار کوبیک متر در ۲۴ ساعت میباشد.

باین صورت به نفوس (۶) لک نفری شهر کابل تنها ما به دو لک باغچه آب نل توزیع کرده می تو انیم چهار لک نفوس کابل مابدون آب قتال می باشند.

گشت البته اکثر مردم از نل های استاده تش به در حدود چهار صد نل استاده ما باریکتر شهر داریم استفاده میکنند تا باقی از چاه های حفر شده خانه

مسرها سرای های خود، مساجد، خودها دروازه استفاده میکنند که این چاه ها به ایما خلاف مقررات صحی بوده و ما پند هر سال آنها را کلورین میکنیم.

هیجان بهترین معضله صحی شهر کابل کم هم باری است چه بدون آب زندگی نسا

گلن است اگر آب ملوث می باشد تمام امراض چهار عضمی از آن شست میکنند در وقایع شیوع مرض دوید فلورا محرقه و دیزانتری رول اول

شا آب بازی میکند برای زیاد کردن اتما آب آشامیدنی برای اهالی بناروال فشرده

شبنانی کرده است برای اینکه زیاد بر آب در مخزن بریکوت بیافتد

است این آب به مخزن بریکوت وصل شود تا سه هزار کوبیک متر آب دیگر مخزن بریکوت بیفتد به این صورت چون مقدار آب زیاد میشود مردمی که از این مخزن آب میگیرند آب شان زیاد میشود.

ناگفته نماند که از مخزن بریکوت سه هزار کوبیک متر آب تنها و تنها پوهنتون اخذ می نماید که این مقدار آب برای تمام ما یحتاج آنجا کفایت میکند یعنی مقدار آب یک چاه عمیق علاو لداین به مصرف پوهنتون و ملحققات آن صرف میشود. بناروالی کابل در این بار چندین دفعه با پوهنتون در تماس شده است که:

اگر خود پوهنتون برای خود چاهی حفر کنند و از خود منبع آب آشامیدنی تهیه نمایند تا ما این مصرف را از آن ها قطع نموده و به مردم شهر کابل توزیع می نمایم - بالاخره این پیشنهادات جامعه عمل را گرفته و پوهنتون موفق شد تا چاهی برای خود حفر کنند. چاه حفر شده فعلا در صدد نل دوانی چاه به مخزن می باشند که اغلب این مخزن در عقب شفاخانه علی آباد در بالای کوه ساخته خواهد شد، به این ترتیب یک چاه دیگر بمردم فائیده خواهیم کرد.

طرف دیگر شهر که از این مخزن آب نمیگردد مثل کارته پروان و تمام نواحی آن از چشمه های قرغه استفاده میکنند برای ازدیاد آب آن بناروالی نیز فعالیت نموده یک نل هشت انچ دیگر از قرغه کش کرده است و یک مخزن آب قر غه فعلا افتاده است اما نموده است که این آب در آنجا

میافتد. ظرفیت این مخزن یک هزار و دو صد کوبیک متر میباشد. به این مخزن آب قرغه فعلا افتاده است چون نل های توزیعی (شبکه شهری) از این مخزن به شهر پول هنگفتی را ایجاب می نمود بودجه بناروالی

نتوانست این شبکه را خریداری کند.

فعلا آب این مخزن رابه یک نل بزرگ کارته پروان وصل نمودیم که هم به آب نل های کارته پروان مقدار آب زیاد شود و هم فشاری آب نل ها تولید کند تا مردمان این منطقه خصوصاً خانه هایی که در بلندی کوه واقع اند آب گسرفته بتوانند.

در اینجا باید تذکر شود که یک قسمت دیگر شهر از قبیل ده افغانان قلعه هزار ها چنداول و دیگر نواحی همجوار آنجا آب نوشیدنی خود را از مخزن آب گزیده ده افغانان میگیرند.

این مخزن آب در عصر امیر حبیب الله خان شسپید ساخته شده بود که آب یغمان در آن میا فساد ظرفیت این مخزن هشت صد کوبیک متر است چون آب یغمان در حصه بند قرغه قطع شده و یکی به شهر کابل نمی آید در این مخزن آب جای عمیق نزدیک پل آرتن میافتد که این چاه ظرفیت (۲۵۰۰) کوبیک متر آب را در ۲۴ ساعت دارد اما این چاه به مصرف مشترک وزارت صحی و بناروالی تعمیر شده است که یک مقدار آب آن به شفا خانه ابن سینا موسسه اکسریز و شفا خانه صدری و ملحققات شفاخانه ابن سینا به مصرف میرسد تنها در مخزن ده افغانان نصف آن میافتد.

علاوفا در این مخزن آب چشمه قرغه نیز میافتد. به این ترتیب شهر کابل سه مخزن آب دارد که یکی در بریکوت دیگر در کوه بلا و سومی در گزیده ده افغانان می باشد که از این سه مخزن تمام شهر کابل

آب نوشیدنی خود را میگردند. آب که رکن اول زندگی است در کابل قلت دارد. مراجعین به بناروالی هر روزه زیاده تر شده میروند باید به هر صورت که باشد ما مقدار آب نوشیدنی خود را در شهر کابل زیاد کنیم والا نه آب پاک و صحی به مردم نمی رسد و هم خطر مهم امراض وبائی هر سال در کابل تصور بعقیده من بهترین حل این معضله فیصله پروژه آب رسانی افشار می باشد که این پروژه سالها است عاقل مانده - پول قر ضه ۲۲ میلیون دالر المان غربی نقدو آماده به این منظور در بانک المان غربی بوده و ریاست شهر سازی و خانه سازی سالهاست که این کار را به تعویق انداخته اند.

پروژه افشار عبارت از کندن ۵ تا ۷ چاه عمیق است که در ساحه افشار (زمین های مقابل سیلو) به کار میافتد و این چاه ها ظرفیت پنج تا ۷ هزار کوبیک متر آب را در یک شب و روز دارد که آب این چاه ها در یک مخزن بزرگ ده هزار کوبیک متر که در بلندی کوه گزیده باغ - بالا ساخته میشود میافتد و به این صورت هم تمام شهر کابل را آب فراوان میدهد و هم ناحیه خیر خانه را آب میدهد اگر این پروژه هر چه زودتر بکار بیافتد علاوه از پوزه کردن کمبود سی و پنج هزار متر مکعب که ما برای نفوس شهر کابل فعلا ضرورت داریم چندین هزار متر مکعب آب اضافی دیگر نیز برای ما میدهد که ما آنرا نیز به کوچه ها چهار راهی ها بصورت فواره ها حوض ها و غیره استعمال کرده

بتوانیم. این بود مختصر تشریحات من در باره شبکه آب رسانی شهر کابل و معضلاتی که به آن روبرو هستیم و چاره این معضله های آن نقدیم خوانندگان مجله ژوندون گردید.

ملکه زیبائی

سر کشی نمیکرد .

لیلی جوانک سوری لیان از مالیزیا نمرات بلندی میگرفت . او که متیو-درس هواپیمائی سنگا پور میباشد قرار معلوم هنگام مسافرت بجزیره هرما نامایور از دوشیزگان پاترمدتی پذیرائی مینمود .

یکی از جذاب ترین شاملان مسابقه امسال الیزابت تنوریو از گوام بود .

او حتی هنگامیکه از کمر شکن ترین بخش های مسابقه خسته هم میشد مگر با آنها از نثار لبخند ملیحش به هیچکس دریغ نمیکرد .

اما نیکو لین بروید کس زیبا روی حالتندی چنین نبود . هنگامیکه وی جهت دادن امضایش در آئینای تمرین به شخصی نزدیک میشد .

گفت: ازین زندگی و این همه دسخط خسته و دلگیر شده ام .

پیرا ستگی در دوشیزه ها نکانکی بنام جوجو چیونگ بخوبی بچشم میخورد و سادگی اش چنان بود که فوراً پنجا ما پلیت پچان تایلند یرا در خاطر زنده مینمود .

از همان نخستین آواز در خیاپانی

با قضاوت نظر بطول تبصره اخبار و جراید چنان بر میآمد که مامورین آوا و را زیبا روی طنناز جزیره اروپا بیشترین اشتها را بدست آورده است . ولی

هیچیک از کاندیدان-اورا به جا نشین مارچی موران فلیپینی قلمداد نکرده بود . وقتی علت پرسیده شد یکی از کاندیدان گفت دو شیزه ارو با خودش نیست . یگانه چیز بر جسته اش نمای جلواش میباشد)

حتی زنان محافظ هم نتوانستند از بازی انتخاب دوشیزگان مورد نظر خویش خود داری کنند . ولی انتخاب اینان اساساً بر اطلاع شان از شخصیت و کراترزیبایان بنیافته بود . دوشیزه سویدن ، ایوارو میگه بلوند بنام دارلنگ محافظان یاد میشد زیرا هرگز در برابر مقررات و محبت و دیت های موضوعه بر کاندیدان

عشق

همتای من .

روز و شب به فکر تو بودم . وهم به پست هر روز در باره پدرش قصه میکردم .

ب از جایش دور زده ، همسر خود را در آغوش کشید و با توجه خاص به چهره او دقت کرد در روشنی غروب شامگاهی که از کلکین اتاق به درون می تابید توانست آثار شکستگی و پیری را در صورت همسرش نیز مشاهده کند اما باوصف آنها زیباتر از تصویری جلوه مینمود که ۷ سال تمام در چهار دیوار تنها نشی با آن راز و نیاز کرده بود . چشمها را رویهم گذاشتند و لبهای شان به سراخ همدرگر رفت .

ب نفس گرم همسرش را از میان لبهای نیمه باز و دندانهای سپیدی به روی لبهای خود احساس نمود . واز زیر مژه های بلند غلو که روی پوست بی رنگ صورت آرام گرفته بود ، در خشخیش مرطوبی داشت . صورت او پاکوبی ریاجلوه مینمود ب بوسه ای از چشمهای زنش بر گرفته ، سپیس ویرا در میان باز و ان خود لختی نگاه داشت .

همسر ب در حالیکه هنوز چشم هایش را بسته بود ، در گوش ب به نجوا گفت : تو باید پست را هم دوست بداری .

ب پاسخ داد : بلی . من با او عادت خواهم کرد و او را دوست خلوام داشت .

- او فرزند تو است .

ب در جواب گفت : و پسر تو هم هست .

همسر ب به گردن شوهرش آویخته گفت : من ترا شست و شو میدهم .

- بلی . خوبست .

ب لبها سپایشرا از تن کشید همسرش آب گرم آماده کرد . صابون و دستمال روی آورد دستمال روی را در ظرف آب گرم فرو برده صابون زد و بدن ب را از سر تا به صابون کاری کرد و آنگاه در مرتبه آب سطل را تبدیل کرد و از نو آب پاک آورد . دستهای ب لرزش داشت اما گرفتگی سیمایش بر طرف شده بود و آهسته از همسرش پرسید : تو بامن عادت خواهی کرد ؟

همسرش پاسخ داد : شوهر می

اینست

ژوندون

مسؤل مدیر :

علی محمد «برالی»

معاون روستا باختری

مهتم ع.م عثمان زاده

دمسؤل مدیر دد فتر تیل فون: ۲۶۸۴۹

دمسؤل مدیر دد فتر تیل فون: ۲۱۹۶۰

سوچبور ۲۶۸۵۱

دمعاون دد فتر ارتباطی تیل فون ۱۰

دتوزیع او شکایات مدیریت ارتباطی

تیل فون ۵۹

پته: انصاری واپ

داشترالا بیه

به باندنیو هیوادو کبسی ۲۴۵۲۴

دیوی گنیه بیه ۱۳ افغانی

به کابل کبسی ۱۰۰۰ افغانی

کیو کواساکورا



مجسمه «دختر» از ساخته های کیو کو

در حالیکه عهده ای از دوستانش می گویند که او هنوز حالت یک شاگرد مکتب را دارد ولی در حقیقت، او یک هنرمند نجیب و کارگشته است. او از جمله هنرمندان کاملاً بی تشریفات بوده و بسادگی می توان با او پای سخن گفتگو نشست. هنگامیکه او در سفر است صرف نظر از اینکه در کجاست پیوندش را با دوستان نمی گسلد، او می گوید: «من به سفر عشق می ورزم. این سفر خواه در امریکا باشد یا اروپا، بهترین و سادترین لحظات زندگی ام را در سفر می یابم»

فلسفه هنری او چنین خلاصه می نمود: «احساس می کنم که بحیثیت یک مجسمه ساز آزاد، بهتر می توانم کار نمایم هرگاه اوقات از هنر دور باشم تا وابسته بدان»



پیکره «زن» که در نمایشگاه اخیر آثار کیو کو جلب توجه نمود.

قرائت پیام رئیس دولت

میوزند تبریک میگویم واز بارگاه خداوند متعال (ج) برای شان توفیق خدمت میخواهم.

روزنامه های مرکز وولایات کشور پیام تبلیغی رئیس دولت و صدر اعظم را که پدین مناسبت صادر شده است نشر کرده و پیرامون اهمیت حیاتی سواد و مطبوعات در جامعه سرمایه عامه امین، تبصره ها و مصاحبه هایی بچاپ رسانیده اند.

وزارت اطلاعات و کلتور نیز بمناسبت بزرگداشت روز مطبوعات و روز جهانی سواد علاوه از آنکه پیام زعمی ملی مارا بصورت یک رساله نشر کرده هفت رساله دیگر که اهمیت حیاتی وسایل اطلاعات عامه سواد و ارتباط این دو موضوع حیاتی را ارائه می نماید انتشار داده است.

این رساله ها عبارت اند از مطبوعات و جمهوری و اثر آن در بسط و توسعه سواد، وسایل اطلاعات و سواد مطبوعات و سواد آموزشی رادیو و سواد آموزشی، سهم مطبعه در انکشاف سواد، سهم وسایل سمعی و بصری در سواد آموزشی و نقش کتاب و کتابخانه در سواد آموزشی.

در عین حال اداره ملی مبارزه با بیسوادی وزارت اطلاعات و کلتور نیز بمناسبت روز بین المللی سواد نشر کرده است.

همچنان رادیو افغانستان با نشر پروگرام های خاصی از روز مطبوعات و روز جهانی سواد تجلیل بعمل آورد و تمام سینماهای مرکز فلمهای مستندی درباره سواد و سواد آموزی قبل از آغاز نمایش فلمها بصورت سرفلمی نمایش دادند.

یک چنین توطئه را از طرف خود جدا رد میکرد. چنانچه باحرکات نمایشی می خواست اتن از قضات واهل خبره را به قبول بی گناهی خود متقاعد گرداند اما محکمه حرفهایش را باور نکرد.

وقتی زیم بورگر حکم محکمه را در تورو خوشنید، صدای اعتراضش در سرتاسر سالون محکمه که جمعیتی بزرگ در آنجا گرد آمده بود، پیچید و با صدای بلند و خشکی اظهار داشت: این یک فیصله دور از عقل و دیوانگی است.



(۱) این موتوری بود که سلوستر سکوتنیک با سرعت ۸۰ کیلو متر فی ساعت می راند و قربانی او یوهان بو خمایر که کنار دست راننده نشسته حادثه در حصه کوه بر کوه زاپر در وقوع پیوست.

های نیروی کارخارج مکتب چنانکه علما و عملا مقتضی بنماید تلاش صورت گیرد.

باین اساس دولت جمهوری در او اسط سال ۱۳۵۲ اداره ملی مبارزه با بیسوادی را در چوکات وزارت معارف فعال ساخت تا متکی به اساسات علمی و بادر نظر داشت تجارب حاصله از سایر کشور هاییکه از لحاظ مولف مبارزه با بیسوادی با وطن ما وجه مشترک دارند عملیات سواد آموزی را بشکل حیاتی و مرحله به مرحله با فعالیت های پروژه های منتخبه انکشافی بیاورد و متدرجا دامنه این مبارزه را در سرتاسر مملکت بشکل یک مبارزه ملی گسترش دهد.

البته تعمیم سواد در مسیر انکشاف الفبائی و محدود دانش مردم محض یک قدم نخستین است. تأمین اهداف مراحل بعدی آنرا همانا مطبوعات مایعده دارد که از طریق نشریات رادیویی، وسایل سمعی و بصری و انتشار مواد مطبوعه مخصوص کم سوادان و تاسیس کتابخانه های عامه و شبکه های وسیع کتابخانه های سراسر برای مناطق روستایی در جهت تعمیم اطلاعات عامه و معطو ما ت اخلاقی و فیلد مورد ضرورت انکشاف اجتماعی اقتصادی و فرهنگی به موثر ترین شیوه ها تلاش ورزد.

در خانه روز مطبوعات و سواد را برای امعای کامل بیسوادی افغانستان عزیز و در جهت تعمیم مطبوعات حامل دانش حیاتی بین کتله های محروم جامعه یک روز میسون شمرده و بامید آنکه همه موسسات دولتی و غیر دولتی و كافة طبقات جامعه درین مبارزه ملی اشتراک مساعی نمایند این روز مهم را به آنانیکه در راه سواد و مطبوعات مجاهدت

یک جنایت بزرگ

از حادثه دوستی که زیم بورگر را وارث یگانه خود معرفی کرده و انتقال هستی و دارایی اش را پس از مرگ به او توصیه کرده بود، برای دریافت پول بیمه حیا تقش مراجعه کرد از طرف پولیس بازداشت شد.

تا روز صدور فیصله محکمه، زیم بورگر در مجادله بود و ادعای طرح

در باره اسرار يكه در كف دست شما نهفته است

كف شناسي بدون كميشن

كف دست فرو رفته باشد شخص مذكور حتى بكسانيكه استعداد قدرت هاي هم داشته باشد معتق نیست.

اگر عينا در وسط كف دست امده پافته باشد شخص مذكور همه چي را در زندگي خيالي ميپندارد.

... اگر با خط زندگي وصل شد باشد در اينصورت شخص مذكور دايم در آرزوها و آمال خويش واق بين ميپاشد.

... اگر به قاعده شست صميمي ختم شده باشد دلالت بر علاقه شخص مذكور به چار جانبش كرده و دايم متوجه آنست كه ديگران در بار آن چه ميگويند.

... اگر به سمت بالايي تپه كه (۷) دويده باشد شخص مذكور كركه رو مانتيكی دارد.

۲- مزاج، طبيعت و صحت :

لازمست تا خط زندگي و تپه كه هاي از (۲) الي (۷) را بدقت تما ملاحظه كرده اگر خط زندگي :

... طويل و واضح معلوم شود شخص مذكور را داراي روحيات و قوه بسي عالي خواهيم يافت.

... طويل و باريك، شخص اند رنج و حساس را بما معرفي ميكند. اگر عمل وي بصورت عادي ادا ميپيدا ميكند در آنصورت ممكن است حوادث غير مترقبه اي در زندگي وي ببار آيد.

طويل باشد بهمان اندازه بلند همتي و جاه طلبی را نشان داده و اشخاصي كه درين ردیف قرار دارند خود را به حل بزرگترین سوالات و مشكلات زندگي قادر ميدانند.

دوم - اينك به تشریحات جزئیات كف دست ميپردازيم، برسم اين صفحه بدقت تمام توجه كرده خطوط اساسي را در آن خواهيم ديد كه خطوط زندگي، قسمت و تقدير، عقل، قلب، موفقیت و خط آمیزش را نشان ميدهد و باو عداد از ۱-۷ تپه كف هاي كف دست نشانی شده اند كه براي شناسايي كف دست خيلي مهم بشمار ميروند. بعد از آنكه به خطوط كف دست در رسم هاي مذكور آشنا شدیم سپس نظر به پنج توضیح ذیل ميتوان با سرازيری كه در كف دست شما نهفته است بي برد.

۱- كركتر و رابطه با زندگي

درين مبحث مهمترين خط عبارت از خط تقدير و قسمت ميپاشد چنانچه ... اگر خط مذكور مستقيما به طرف عمق كف دست امتداد داشته باشد دلالت بر آگاهی و يك مسوليت علمی شخص ميكند.

... در صورتيكه از چند جا قطع شده و غير متناسب واقع شده باشد شخص مذكور كركتر زولیده غير مصمم داشته و دايم تغيير عقیده كرده و نظر به استواری ندارد. اگر... خط مذكور عميقا و واضح در

بدكر چند نمونه آن برای آنها يكه به كفشنا سي علاقه خاصی دارند مينگاريم.

اول - بايست به كف دست و ساختمان انگشتان خود بدقت تمام نظر انداخت زیرا جهت پيشگوئی رول مهمي را بازي می کنند.

اگر دست شكلي گوشه داري داشته باشد دليلي بر روحیه انيرومند و چنين انرجي قوي شخص ميكند و چنين اشخاص به آساني بكسي موقع نمی دهد تاوي را تحت نفوذ خود آورده كركر دست شكل بيضوي داشته باشد شخص مذكور بسيار اندك رنج و تند خوي بوده، كه معمولاً خود را بيك قوه محرکه آني قابل تأييد رهنمائي ميكند.

دست نو كدا ریا كناره ای بسا شخصي كم جرت و غير مصمم را معرفي ميكند چنين اشخاص از موفقیت خيلي بعيد واقع شده اند.

دستيكه انگشتا نش فوق العاده انكشاف كرده باشد نمايندگی از قوه و توانايي بيشتر وي ميكند و تمايلش را بدیگران خوبتر نشان داده و بكمال ميل ديگر انرا بخود جلب ميكند.

اگر انگشت صميمي و انگشت بين شست طويل و انگشت كو چك نسبت به انگشت شپارت طويلتر باشد از طبيعت شخصيكه بيشتر به عشق تمايل دارد حكايه ميكند. به هر اندازه يكه انگشت كوچك

كفشنا سي مانند ساير علوم واكتشافات از خود تاريخي داشته از زمانه هاي خيلي قديم در ميان يونانيها و مصريهاي قديم رايج بود شاهان و حكمرانان و حتي مردمان عادي در آن اوقاتيكه هنوز ديگر علوم مخصوصا علوم روانشنا سي انكشاف نكرده بود به آن اهميت و اعتقاد زيادي قابل بودند و تمام امور اجتماعي خود را بشور و كساف شناسان پيش ميبردند و تا امروز كه جوامع بشري انكشاف نموده و علوم پيشمازي به پيمانه تكامل خود رسيده هنوز هم از طرف يكه اشخاص مخصوصا صا زنان و مردان تطبيق ميگردد. اين چنين اشخاص در كشورهاي اروپايي نيز اكثر اباين شغل مي ببردارند و توسط قطعه بازي يا ازروي خطوط علامات كف دست آينده شخصي را پيشگويي كرده يك عده زنان و اشخاص را كه باو شان معتقد اند در خود جمع كرده و از آن امر ا حيات ميورزند درين مقاله خصوصيات شخصي را توسط كف شناسي از قول كف شناسي بولندي بتفصيل ذكر ميكند كه بيشتر جهت سرگرمي و تفنن شما است اگر راست بود و بهتر و اگر مفاد آن با خلق و خود شما منطبق نبود مشوش و دلسرد ميپاشيد.

آيا كف دست آينه كركتر، پرميز گاري و تقوي، خطا و شتابا تمايل و آرزو است. بعضي باين عقیده كاملي دارند و بان اهميت سنگيني را قابل اند. با اين هم





باشند یعنی موزی بخت علوی
زندگی امتداد یافته و کمتر واضح
باشد در آن صورت شخص مذکور
معمول، کارکن، مداوم بوده و از خود
توقع زیاد دارد و میتواند که در امور
زندگی خویش موفق شود.

... اگر در مج دست خطوط زیادی
که همدیگر را قطع کنند و پراکنده
باشند شخصی مذکور در زندگی
خوشبختی را نصیب میشود.

اگر خطوط هر دو دست یعنی
دست چپ و راست در ساحتها
خویش از همدیگر فرق زیاد داشته
باشند در آن صورت شخص مذکور
کمی تمایل بزندگی غیر طبیعی یا غیر
معمولی داشته در زندگی وقایع و
شادمانی را مواجه میشود که انتظار
آنها نداشته است.

... از چند جبهه قطع شده باشد
شخص مذکور به عشق وفادار نبوده
دایما وصل قلبی خود را تغییر میدهد
... پیایه انگشت شهادت رسیده
باشد شخص مذکور زرزری بوده و
در عشق تائید و ابراهم برای ارزش
قیمت خود جستجو میکند.

... بقاعده انگشت وسطی رسیده
باشد شخص مذکور در موضوعات
عشقی خیلی خیره سر بوده هیچگاه
نمیتواند شخصی را که باو (عشق)
و محبت دارد به تصرف خود بیاورد.
... بشکل زنجیری قرار گرفته
باشد دلالت بر رجوعی شخص
مذکور کرده و دایما بر عشق غلبه حاصل
میکند.

اگر خط آمیزش :

... بسیار واضح باشد در آن
صورت دلالت بر جاذبه و کشش
شخص مذکور نموده همه را بسود
جلب می کند.

... قطع و بریده بریده باشد دلالت
بر بی پایداری شخص در عشق می
کند.

اگر تپه گک های ...

... نمره (۱) برجسته باشد شخص
مذکور در عشق بسیار فعال است.
... نمره (۲) بسیار برجسته باشد
شخص مذکور عشق را از روی عقل
و فراست خود قدم بقدم تعقیب و
پیش میرد.

۵- علام خصوصي :

... اگر خطوط در سطح کف دست
واضح و شکل حرف (ام انگلیسی) را
داده باشد شخص مذکور به شهرت
ظاهری عشق اهمیت را قایل نشده
بلکه عشق و حیات فامیلی برای وی
نسبت به موفقیت در شغل و وظیفه
اهمیت بیشتری را دارا است.
... اگر خط زندگی جوهره و موزی

با افکار زنده داریم لایسق و لی
لیاقتش پوشیده است.

... کوتاه و کج بطرف کودال کف
دست در شخص مذکور کسر مهارت
و استادی دیده میشود.

... شیدیدا ترسیم شده و طولی
باشد در آن صورت کسی وی را
سوی کامیابی و موفقیت سوق داده.
و حتی زبانی موجب شهرت وی میگردد
... جوهره و یا از چندین خطوط
باریک تشکیل شدن با شد
ستاره مو فقیست در امور
مختلفه زندگی از چار جانب بسویش
چشمک خواهد زد.

... کوتاه و خط عقل را قطع نکرده
باشد و یا اینکه نزدیک بخط عقل ختم
جهت بدست آوردن موفقیت چانس
شده باشد شخص مذکور در زندگی
زیادی دارد ولی خودش به آن تجربه
نداشته پشت کار و از خود گذری
لازم دارد.

۴- عشق و موضوعات عشقی :

در این مبحث خط قلب، خط آمیزش
و تپه گک های (۱) و (۲) در مورد
شخص تصمیم گرفته و جواب میدهند.

اگر خط قلب ...

... عمیق و واضح ترسیم شده
باشد دلالت بر تند مزاجی و شهوانی
شخص مذکور میکند.

... درشت و واضح نباشد لاکن
طویل در آن صورت شخص مذکور
ظریف و زیرک و در عین زمان اندک
رنج بوده از شیفتگی قلبی دایما در
هراس میباشد.

... بمشکل خوانده شده و یا اینکه
قطعا وجود نداشته باشد شخصی
مذکور در مقابل عشق خشک «کوره»
بوده نمیتواند که عشق حقیقی، پاک
و بی آلاش را درک کرده نمیتواند
و همه موضوعات عشقی نزدش به
صورت بسار عادی جلوه می کند

... طویل و در انتها بدو حصه
تقسیم شده باشد در آن صورت
شخص مذکور از همت خود هراس
نداشته بیشتر تنوع طلب است.

... کوتاه و بکلی واضح باشد شخص
را معرفی میکند حامل و کنجکاو و در
عین زمان آسانگیر و بی بند و بار.
... کوتاه و آنقدر واضح دیده
نشود موصوف بقوه خود انکا کرده
و حیات متوسط دارد.

اگر بر جستگی تپه گک خوب واضح
و بلند ترآمده باشد در آن صورت
تپه گک نمره (۲) شخص را بما
معرفی میکند که دارای شهوت بلند
بر خود غالب.

تپه گک نمره (۳) دلالت بر اعتبار
بخود شخص نموده و او میتواند
خواسته ها و میل خود را بوجه حسن
رهنمایی کند.

تپه گک نمره (۴) شخص مذکور
فوق العاده بانگ و غیرت بقوه و
قدرت خود حاکم است.

تپه گک نمره (۵) دارای استعداد
آرتیستیک و دی ملایم و محبوب
میشود.

تپه گک نمر (۶) با ارزش ترین
خصایص چنین اشخاص شعور و
افکار منطقی شان میباشد.
تپه گک نمر (۷) آدم بظاهر خون
سرد اما رومانیك بوده و روحیه
نا قرار دارد.

۳- ذکاوت و موفقیت های حیاتی :

در این جابه خطوطه محفل و موفقیت
مراجعه میکنم.

اگر خط عقل مستقیما ادامه پیدا کرده و
عمیق باشد منظور از شخصیت
بسیار خواه گریو بحرانی وی دایما
منطق فکر کرده و خیلی ذکی میباشد.
... واضح بطرف بند دست تاب
خورده باشد در نزد خود شخص را



مود و فیشن



Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library